اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

چهارشنبه
• ۱۹ مهر ۱۴۰۲
• ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
• ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳

• سال سی‌وپنجم شماره پیاپی ۳۷۳۹ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۴۲۱ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews

قیمت‌گذاری خودرو باید بر عهده صمت باشد



وزیر صمت با بیان اینکه قیمت‌گذاری خودرو باید بر عهده وزارت صمت باشد، گفت: هم‌اکنون نهادهای مختلف در این موضوع مسئول هستند و وظایف خود را هم انجام نمی‌دهند. عباس علی‌آبادی افزود: در مورد قیمت‌گذاری خودرو مدتی است که دچار یک تعلل عمدی شده‌ایم، درحال‌حاضر خودروساز نمی‌تواند خودش محصولات را بفروشد و برای همین پول قطعه‌ساز را هم نمی‌تواند پرداخت کند و با چنین روندی زنجیره تامین قطعات دچار مشکل می‌شود.

وی گفت: در حال شکستن انحصار بازار خودرو هستیم و در این‌باره قوانین واردات را مشخص کرده‌ایم، زیرا در یک رقابت سالم، صنایع رشد می‌کنند. البته واردات خودروهای نو برای همه مردم امکان‌پذیر است و برای واردات دست دوم هم اقدام می‌شود.

سرمقاله



آیین‌های خانوادگی
۲

گفت‌وگوها



فضای اقتصاد انرژی در انحصار دولت است
۹



صندوق به دنبال بنگاهداری نیست
۱۲

گزارش‌های روز

دمیدن روح عدالت در کالبد معدن
۶

نهادی که تبدیل به «قلک دولت‌ها» شد

در کشورهای صادرکننده نفت و گاز، تثبیت سهم دولت از محل این منابع پرنوسان اهمیت فراوان دارد. در ایران و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، این موضوع با ایجاد حساب ذخیره ارزی و طراحی یک قاعده مالی میان‌مدت دنبال شد. در این قاعده، سقف بهره‌مندی دولت از منابع نفتی در سال‌های برنامه تعیین و مازاد آن به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شد. در برنامه‌های پنجم و ششم با تاسیس صندوق توسعه ملی، مسئله تثبیت به حاشیه رفت و قاعده مالی میان‌مدت جای خود را به تعیین میزان بهره‌مندی دولت از منابع نفتی در بودجه سنواتی داد. انگیزه دولت‌ها برای بیش‌برآورد منابع نفتی در بودجه و استفاده هرچه بیشتر از این منابع، سرریز منابع به حساب ذخیره ارزی در دوران وفور درآمدهای نفتی را به‌حداقل رساند تا در دوران کاهش این درآمدها، دولت‌ها برای جبران کسری بودجه به برداشت‌های بی‌رویه از صندوق اقدام کنند. ارتقای جایگاه صندوق توسعه ملی و دستیابی به اهداف آن در زمینه سرمایه و توسعه، مستلزم ایجاد و پایبندی به یک قاعده مالی میان‌مدت درباره میزان بهره‌مندی دولت از منابع حاصل از فروش نفت است.
۱۱

بررسی صمت از نوسان بازارهای موازی بعد از تنش‌های خاورمیانه نشان داد

مقاومت شکننده بازار

در ماه‌های اخیر، بانک مرکزی با در پیش گرفتن سیاست مهار نقدینگی در بازار تاحدودی توانست انتظارات تورمی را مهار و بازارهای موازی را به ثبات نزدیک کند؛ هرچند نمی‌توانیم در ایجاد این آرامش نسبی، از اخبار آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره‌جنوبی به‌سادگی بگذریم، اما تنش‌های خاورمیانه نشان داد که مقاومت بازار برای ثبات، شکننده‌تر از آن بود که به‌نظر می‌رسید.

چنانچه با آغاز مبارزات اخیر در خاورمیانه، شاهد جهش در نرخ ارز، طلا، سکه و خودرو بودیم. در روزهای اخیر، نرخ دلار از کانال ۵۲ هزار تومان عبور کرد و به‌موازات این افزایش قیمت، حدود ۲۵۰ هزار تومان در هر گرم طلای ۱۸ عیار، افزایش نرخ دیده شد. اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست‌های مهار تورمی نتوانسته موفق عمل کند یا اینکه ذات بازار سیاسی است و نمی‌تواند نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه بی‌تفاوت باشد؟ در این بین، کارشناسان و تحلیلگران بازار بر این باور هستند که بازارهای جهانی نیز نیم‌نگاهی به تحولات سیاسی دارند، چراکه تجربه نشان داده، بعد از تحولات سیاسی، قیمت‌ها در این بازارها نیز تغییر کرده و حدود ۲۰ دلار نرخ جهانی طلا در هر اونس بالاتر رفته است.

۱۴



عکس: آیدا فریدی

کارشناسان در ارزیابی وضعیت روز صنعت نساجی:

نساجی در اولویت دولت نیست

۴

مناقصه عمومی خرید قطعات گیربکس TG

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد تامین برخی قطعات متعلق به گیربکس TG برای کارخانه خود، واقع در استان همدان را به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۷۶۴۵۳۰۸ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان – مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه با ورود به سامانه تامین‌کنندگان صبانور بصورت دربسته مهرو موم شده، از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی‌رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) پلاک ۴۹ - طبقه سوم (دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

نوبت دوم

تمدید آگهی مناقصه خرید خوشه کامل هیدروسیکلون

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد خرید ٤ ست خوشه کامل هیدرو سیکلون مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا تامین‌کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۷۶۴۵۳۱٤ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان – مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه با ورود به سامانه تامین‌کنندگان صبانور بصورت دربسته مهرو موم شده، از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱٤۰۲/۰۷/۲٤ به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی‌رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) پلاک ٤۹ -طبقه سوم (بخش دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

بیمه سامان
Saman Insurance

بیمه عمر و تشکیل سرمایه
روی زندگیت سرمایه‌گذاری کن

- صدور آنلاین بیمه عمر و تشکیل سرمایه
- ارائه خدمات بیمه‌گری به‌صورت آنلاین
(درخواست وام، بازخرید و برداشت از اندوخته)
- برداشت خودکار حق‌بیمه از حساب بانکی بیمه‌گذار (Direct Debit)



با اسکن QR Code بیمه‌نامه خود را دریافت کنید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و مشاوره رایگان می‌توانید به وبسایت شرکت بیمه سامان به نشانی www.si24.ir مراجعه یا با شماره تلفن ۸۹۴۳ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

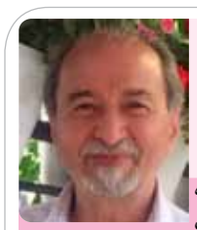
www.Gostaresh.news



با ما
سبک زندگی اقتصادی را
گسترش دهید

آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید

سرمقاله



آیین‌های خانوادگی

محمد بهارلو محمدزاده
مشاور انجمن کسب‌وکارهای خانوادگی

آیین‌های خانوادگی به‌عنوان فعالیت‌ها، مناسک، آداب، رسوم، رفتارها یا سنت‌هایی که اعضای یک خانواده با هم انجام می‌دهند، تعریف می‌شوند. معمولا این آیین‌ها برای اعضای خانواده معنادار و قابل‌توجه هستند و اغلب برای تقویت پیوند و احساس تعلق‌خاطر در درون خانواده عمل می‌کنند. آیین‌های خانوادگی اشکال مختلفی دارند، آنها می‌توانند شامل وعده‌های غذایی مشترک، قصه‌گویی، مراسم مذهبی، سنت‌های تعطیلات، بازی‌های خانوادگی یا حتی فعالیت‌های ساده روزمره مانند روال‌های قبل از خواب یا پیاده‌روی‌های خانوادگی باشند. آیین‌های خانوادگی، ارتباطات عاطفی و تجربیات مشترکی ایجاد می‌کنند. آنها یک احساس ثبات و هویت را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورند و در طول زمان، حس تداوم، تقویت پیوندها، ترویج ارتباطات، ایجاد خاطرات گرامی و انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها از نسلی به نسل دیگر نقش حیاتی ایفا می‌کنند.

آیین‌های خانوادگی بسته به ترجیحات فرهنگی یا شخصی می‌توانند متفاوت باشند. آنها می‌توانند به‌سادگی یک شب دیدن فیلم هفتگی یا به‌اندازه مراسم مذهبی یا ملی مفصل باشند. مهم‌ترین جنبه آیین‌های خانوادگی، فرصتی است که برای معاشرت و اتحاد بین اعضای خانواده فراهم می‌کند و دارای فواید ذیل هستند:

- آنها تجربیات مثبت و لذت‌بخش توأم با آرامش ایجاد می‌کنند که موجب تقویت پیوندهای خانوادگی می‌شوند.
- اغلب دارای اهمیت فرهنگی یا خانوادگی هستند و به انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و دانش بین‌نسلی کمک می‌کنند.
- حمایت عاطفی و احساس ثبات در موقعیت‌های چالشی ارائه می‌دهد.
- آنها فضای امنی برای به اشتراک گذاشتن احساسات و جشن گرفتن دستاوردها فراهم می‌کنند.
- از طریق مکالمه، تعاملات باز و معنادار فرصت‌هایی برای معاشرت بین اعضای خانواده ایجاد می‌کند.
- اغلب خاطرات ماندگار ایجاد می‌کنند که در طول زندگی فرد گرامی می‌مانند.
- در کانون خانواده فرصتی برای تقویت ارزش‌های مهم مثل احترام، همدلی و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌کنند.

در شکل‌گیری و تکامل آیین‌های خانوادگی تجارب مشترک نقش بسزایی دارند. این تجربیات می‌تواند از رویدادهای مهم زندگی مانند عروسی یا تولد تا مناسبت‌های سالانه یا جشن‌های تعطیلات متغیر باشد. با گذشت زمان، خانواده‌ها ممکن است مراسم خاصی را در ارتباط با این تجربیات برپا کنند. تاثیرات نسلی نیز نقش بسزایی در تکامل آیین‌های خانوادگی دارد. از آنجایی که نسل‌های مختلف دیدگاه‌ها، باورها و آداب و رسوم خود را به خانواده می‌آورند، آیین‌ها ممکن است تغییر کنند یا با این تاثیرات سازگار شوند.

دوره‌های آموزشی مختلفی برای آیین‌های خانوادگی وجود دارد. این دوره‌ها می‌توانند به ما کمک کنند درباره شیوه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی یا معنوی بیاموزیم و اهمیت و روش‌های صحیح انجام آنها را در یک محیط خانوادگی یاد بگیریم. می‌توان با جست‌وجوی آنلاین، برنامه‌های آموزشی موردنظر را در مراکز اجتماعی یا سازمان‌های فرهنگی یافت.

فناوری‌ها نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کنند و تاثیرات قابل‌توجهی بر آیین‌های خانوادگی دارند:

- تلفن‌های هوشمند، تماس ویدئویی و رسانه‌های اجتماعی، معاشرت اعضای خانواده را آسان‌تر می‌کنند، به‌ویژه در مواقع دوری فیزیکی این امر موجب حفظ و تقویت پیوندهای خانوادگی می‌شود.
- دوربین‌های دیجیتال و موبایل می‌توانند لحظات خاص مراسم تولد، عروسی، جشن‌های تعطیلات یا هر خاطره‌ای را ثبت و ذخیره کنند، به اشتراک بگذارند و دوباره مشاهده و ماندگار شوند.
- اینترنت دسترسی آسان خانواده‌ها به اطلاعات مربوط به سنت‌ها، آداب و رسوم و آیین‌های فرهنگی را فراهم می‌کند و موجب زنده ماندن و یادگیری از میراث خانواده و سنت‌های فرهنگی می‌شود.
- در مواردی که اعضای خانواده نمی‌توانند به‌صورت فیزیکی در مراسم حضور یابند، فناوری‌هایی مانند پخش زنده یا کنفرانس ویدئویی آنها را قادر می‌سازد تا به‌صورت مجازی شرکت کنند و بخشی از مراسم باشند. هرچند فناوری مزایای بی‌شماری برای آیین‌های خانوادگی به‌ارمغان می‌آورد، اما ایجاد تعادل ضروری است. اهمیت دارد ارتباط واقعی انسانی در اولویت قرار گیرد و اجازه ندهیم فناوری در کل جایگزین تعاملات چهره به چهره شود. با این حال، برای ترویج و گسترش آیین‌های خانوادگی استراتژی‌هایی وجود دارد:
- به‌طورواضح به اعضای خانواده خود بگویید، چراکه آیین‌های خانوادگی اهمیت دارند و ضروری هستند و چگونه می‌توانند به پیوند و تاثیر مثبت بر زندگی کمک کنند.
- از آداب و رسوم ساده مانند وعده‌های غذایی خانوادگی، قصه‌گویی یا شب فیلم هفتگی شروع کنید. با شروع کوچک، می‌توانید به‌تدریج به آیین‌های مفصل‌تر و معنادارتری برسید.
- در آیین‌های خانوادگی خود نظم ایجاد کنید که موجب بروز ثبات، حس استمرار و انتظار می‌شوند و به رویدادهای جدایی‌ناپذیر از زندگی تبدیل خواهند شد که در زمان و روز خاصی انجام می‌گیرند.
- تشویق کنید اعضای خانواده در ارائه ایده‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای مناسک فعالانه مشارکت کنند تا حس واقع‌بینانه‌تری به آنها پیدا کنند.
- مناسبت‌های منحصربه‌فرد، به‌یادماندنی و سنت‌های گرامی خانواده را برای همه گروه‌های سنی درگیر لذت‌بخش، جذاب و پاسخگو کنید.

ترویج آیین‌های خانوادگی نیازمند صبر، تعهد و زمان است تا همه کامل ارزش آن‌را بپذیرند. در آینده، آداب و رسوم‌خانوادگی احتمالا به تکامل و سازگاری با زمان در حال تغییر ادامه خواهد داد. با پیشرفت‌های فناوری، تجربیات واقعیت مجازی بیشتر در مراسم گنجانیده می‌شود. همزمان شیوه‌های سازگار با محیط‌زیست و پایداری نقش برجسته‌ای در آیین‌های خانوادگی آینده خواهند داشت. ممکن است فعالیت‌های آگاهانه محیطی مانند کاشت درخت در کنار هم، سازماندهی پاکسازی محیطی در اولویت قرار گیرند. به‌طورکلی، چشم‌انداز آتی آیین‌های خانوادگی مبتنی بر نوآوری، تنوع و سازگاری است. خانواده‌ها همچنان به یافتن راه‌های ایجاد ارتباطات معنادار و جشن گرفتن پیوندهای خود ادامه می‌دهند و در عین حال، از شیوه‌های جدید همسو با ارزش‌های‌شان استقبال می‌کنند. این‌همه تنها بخشی از جنبه‌های گوناگون آیین‌های خانوادگی است که جا دارد بیش از پیش توجه خانواده‌های کسب‌وکار و کسب‌وکارهای خانوادگی به آن جلب شود.

فرمانده کل قوا در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان نیروهای مسلح تاکید کردند

طوفان ۱۵مهر؛ شکست غیرقابل‌ترمیم رژیم صهیونیستی

رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، این نیروها را دژ امنیت، عزت، و هویت ملی خواندند و بااشاره به شکست «غیرقابل‌ترمیم» رژیم‌صهیونیستی در حماسه اخیر جوانان فلسطینی، تاکید کردند: عامل ایجاد این طوفان ویرانگر، ظلم و جنایت و درنده‌خویی مداوم رژیم غاصب جعلی در حق ملت فلسطین بوده است و این رژیم نمی‌تواند با دروغگویی و مظلوم‌نمایی، چهره هیولایی و دیوسیرت خود را در حمله به غزه و قتل عام مردم آن پنهان کند و با یاوه‌گویی، شجاعت جوانان فلسطینی و طراحی هوشمندانه آنان را برعهده غیرفلسطینی‌ها بگذارد. به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بااشاره به حوادث بی‌سابقه اخیر در فلسطین، موضع‌گیری مسئولان کشور در قبال این قضیه مهم سیاسی-نظامی را درست و خوب خواندند و بااشاره به اذعان همه جهان به شکست رژیم‌صهیونیستی در این قضیه، تاکید کردند: این شکست از ابعاد نظامی و اطلاعاتی یک شکست غیرقابل‌ترمیم و یک زلزله ویرانگر است که بعید است رژیم غاصب با همه کمک‌های غربی‌ها بتواند ضربات عمیق این حادثه به سازه‌های حاکمیتی خود را ترمیم کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه رژیم‌صهیونیستی بعد از روز شنبه ۱۵مهر، روز حماسه شجاعانه جوانان فلسطینی، دیگر رژیم صهیونیستی قبلی نیست، افزودند: عامل این بلای بزرگ، عملکرد خود صهیونیست‌ها است؛ چراکه وقتی شما درنده‌خویی و وحشی‌گری را از حد می‌گذرانید، باید منتظر «طوفان» باشید.



ایشان اقدام شجاعانه و فداکارانه مجاهدان فلسطینی را پاسخ به جنایات سال‌های متمادی اشغالگران و افزایش آن در ماه‌های اخیر برشمردند و افزودند: مقصر قضیه اخیر دولت کنونی حاکم بر رژیم غاصب است که از هیچ اقدام سبعانه‌ای در حق ملت مظلوم فلسطین دریغ نکرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بااشاره به شرارت و خباثت رژیم اشغالگر گفتند: هیچ ملت مسلمانی در تاریخ معاصر با دشمنی به بی‌حیایی و بی‌رحمی رژیم صهیونیستی مواجه نبوده و به‌اندازه این ملت تحت فشار و محاصره و کمبود قرار نگرفته است؛ ضمن اینکه امریکا و انگلیس از هیچ دولت ظالمی به اندازه دولت جعلی حمایت نکردند. ایشان کشتار زن و مرد و کودک و کهنسال فلسطینی، هتک حرمت مسجدالاقصی، لگدکوب کردن نمازگزاران و انداختن شهرک‌نشین‌های مسلح به جان مردم فلسطین را از جمله جنایات رژیم‌صهیونیستی خواندند و سوال کردند: آیا ملت غیور و چندهزارساله فلسطین در مقابل این همه ظلم و جنایت چاره‌ای جز برپاکردن «طوفان» داشت؟

حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای بااشاره به تلاش رژیم خبیث برای مظلوم‌نمایی و کمک رسانه‌ها استکباری جهان برای القای این موضوع در افکارعمومی جهانیان، گفتند: این مظلوم‌نمایی «صددرصد خلاف واقع و دروغ» است و هیچ‌کس نمی‌تواند از این هیولای دیوسیرت، چهره‌ای مظلوم بسازد. رهبر انقلاب بااشاره به ضرورت عکس‌العمل دنیای اسلام در مقابل جنایات صهیونیست‌ها، افزودند: البته همه دنیای اسلام موظف به حمایت از ملت فلسطین هستند، اما این حماسه، کار طراحان هوشمند، جوانان و فعالان ازجان‌گذشته فلسطینی بود و ان‌شاءالله این حماسه شجاعانه، گام بزرگی در راه نجات فلسطینی‌ها خواهد بود.

فرمانده کل قوا همچنین در آغاز سخنان‌شان در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، فعالیت در نیروهای مسلح را افتخاری بزرگ و از حیاتی‌ترین مشاغل در اداره و مدیریت سرزمین عزیز ایران خواندند. ایشان نیروهای مسلح را دژ پولادین امنیت، عزت و هویت ملی برشمرد و افزودند: امنیت ملی زیرساخت همه نرم‌افزارهای مهمی است که در پیشرفت کشور نقش دارند؛ به‌گونه‌ای که اگر امنیت نباشد، هیچ‌چیز نیست. رهبر معم انقلاب، محروم بودن هر کشور از قدرت دفاع و ایجاد امنیت ملی را باعث وابستگی به بیگانگان و به گروگان گرفتن عزت ملی آن کشور دانستند و افزودند: به فضل الهی، نیروهای مسلح ما از میدان‌های مختلف سرافراز بیرون آمده‌اند که اینها مدال‌های زرین بر سینه ستبر نیروهای مسلح است.

وزیر اقتصاد بااشاره به نشست ستاد اقتصادی دولت:

سیمان و فولاد از بورس خارج نمی‌شوند



سخنگوی اقتصادی دولت گفت: به آقای بذرپاش هم گفتم که بورس کالا این آمادگی را دارد تا ابزارهای مدیریتی را در اختیار سیاست‌گذاران بخش مسکن قرار دهد. در نهایت در نشست ستاد اقتصادی دولت مقرر شد تا سیمان و فولاد از بورس کالا خارج نشوند.

به‌گزارش ایرنا، سیداحسان خاندوزی در نشست خبری سخنگوی اقتصادی دولت، ضمن گرامیداشت فتوحات اخیر نیروهای فلسطینی بااشاره به گزارش بانک مرکزی، نرخ رشد اقتصادی ۳ماهه ابتدایی امسال را ۶.۲ درصد اعلام و اظهار کرد: این نرخ رشد، بدون احتساب نفت در بهار امسال، ۵.۷ درصد بوده است.

وی افزود: مهم‌تر از نرخ رشد، کیفیت رشد است که در این زمینه گرچه در بهار امسال، رشد ۱۶.۴ درصدی بخش نفت را داشتیم، اما سایر بخش‌ها هم وضعیت قابل‌دفاعی داشته‌اند. خاندوزی تصریح کرد: تمام گروه‌های اقتصادی در بهار امسال، نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد داشتند. برای مثال، در صنعت از صفر به ۴.۲، در کشاورزی از ۲ به ۲.۲ درصد و در خدمات از ۳.۲ به ۶.۲ درصد رسیده‌ایم.

وزیر اقتصاد تصریح کرد: گزارش مرکز آمار هم از حیث جهت‌گیری‌ها و مسیر رشد اقتصادی، موید گزارش بانک مرکزی است. بر این اساس، نرخ رشد اقتصادی در بهار امسال با احتساب نفت، ۷.۲ درصد و بدون نفت ۶.۱ درصد است، چون بخش نفت در محاسبات مرکز آمار، ۱۹.۱ درصد رشد داشته است.

خاندوزی گفت: بخش صنعت باوجود اینکه در بهار گذشته ۴.۸ درصد رشد داشت، در بهار امسال، ۳.۶ درصد رشد را تجربه کرد. در بخش ساختمان، در بهار پارسال، نرخ رشد منفی داشتیم که امسال به ۴.۷ درصد رسید. در بخش خدمات که بیشترین وزن در محاسبات را دارد، ۹.۳ درصد نرخ رشد است.

نتیجه چشم‌انداز مثبت اقتصادی

وی درباره نرخ رشد اقتصادی تابستان سال گذشته گفت: صنایع ما در تیر ۶.۷ و در مرداد ۹.۲ درصد رشد داشته است؛ بنابراین این شاخص‌های پیش‌نگر برای ما حاوی خبرهای خوب در تداوم نرخ رشد اقتصادی خواهد بود.

خاندوزی گفت: یکی از ویژگی‌های رشد اقتصادی ما در ۱۴۰۱ و بهار ۱۴۰۲ این است که شاخص سرمایه‌گذاری رشد ۶.۷ درصدی داشته که نشان می‌دهد یک اتفاق تصادفی نیست که امیدواریم بلندمدت باشد. خلاف دهه ۹۰، پیش‌بینی نهادهای مالی نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی بیشتر کشورها در امسال میلادی در مقایسه با سال ۲۰۲۲، کمتر خواهد بود و تا کمتر از ۲ درصد پیش‌بینی شده است.

خاندوزی درباره تورم گفت: گزارش مرکز آمار از تورم شهریور امسال در نقطه به نقطه با شهریور امسال ۳۹.۵ درصد رشد داشته است که نسبت به تورم نقطه به نقطه امسال که ۵۴ درصد بود، کاهش معنادارتری دارد. تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها در شهریور امسال، ۳۷ درصد بود که در شهریور پارسال ۷۵ درصد بود. این میزان کنترل تورم نتیجه ثبات ارزی، کنترل نقدینگی و چشم‌انداز مثبت اقتصادی ایران در داخل و خارج است.

وی درباره برخی تبلیغات منفی علیه دولت مبنی بر وجود اختلاف میان اعضای کابینه در زمینه خروج فولاد و سیمان از بورس کالا اظهار کرد: جریان‌هایی خارج از دولت هر طرح بحثی را بزرگ‌نمایی و از آن به وجود شکاف در دولت تعبیر می‌کنند،اما انسجام کامل در تیم اقتصادی دولت هست و از سوی دیگر، همه اعضا برای بیان نظرات خود شجاعت دارند. از این‌رو، شرایط خوبی در دولت داریم که قابل مقایسه با دولت‌های قبل نیست. وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان سیاست‌گذار بخش مسکن، دغدغه‌هایی برای تولید سیمان و فولاد دارد که ما هم آن را درک می‌کنیم.

خاندوزی ادامه داد: علت ورود سیمان و فولاد به بورس کالا ناشی از خریدوفروش و سفته‌بازی حواله‌های فسادزای این کالاها بود که برای دلالان سود زیادی ایجاد می‌کرد و افراد خاصی قبل از عرضه در بورس کالا به این حواله‌ها دسترسی داشتند، اما بورس کالا سبب کشف نرخ عادلانه سیمان و فولاد شد، ضمن اینکه از این طریق دولت امکان کنترل و مدیریت را نیز دارد و می‌تواند جلوی کدهای بورسی افراد متخلف را بگیرد، به اقای بذرپاش هم گفتم که بورس کالا این آمادگی را دارد تا ابزارهای مدیریتی را در اختیار سیاست‌گذاران بخش مسکن قرار دهد. در نهایت، در نشست ستاد اقتصادی دولت مقرر شد تا سیمان و فولاد از بورس کالا خارج نشود.

وی در زمینه تامین مالی مسکن از بازار سرمایه اظهار کرد: ابزارهای متعدد این زمینه را فراهم می‌کند که بیش از پیش شاهد توسعه استفاده از ابزارهای بورسی تامین مالی مسکن باشیم. همچنین، وزارت اقتصاد پیشنهاد داده تا صندوق‌های کالایی برای تامین مالی مصالح با قیمت‌های کنونی برای پروژه‌های بعدی فعال شوند و سازندگان از این ابزار صندوق بورسی بهره ببرند.

خاندوزی درباره طرح مجدد موضوع پذیرش FATF از سوی ایران بیان کرد: سیاست جمهوری اسلامی درباره FATF هیچ تغییر نکرده است و فارغ از کنوانسیون‌های بین‌المللی براساس اعتقادات خودمان با پولشویی مبارزه می‌کنیم و معتقدیم کارگروه اقدامات ویژه مالی باید با نگاه فنی به این موضوع بنگرد.

هیچ خودرویی معطل مجوز استاندارد نیست



رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با تکذیب مانع‌تراشی این سازمان در واردات خودرو، گفت: ادعای سایپا درباره دپوی ۱۲هزار خودرو به‌دلیل زمانبر بودن الزامات استانداردها دروغ محض است.

به‌گزارش ایسنا، مهدی اسلام‌پناه در نشست خبری با خبرنگاران به‌مناسبت روز جهانی استاندارد، در زمینه واردات خودرو، اظهارکرد: مانع‌تراشی سازمان استاندارد در واردات خودرو دروغ محض بوده و قابل‌پیگیری است. این دروغ سبب می‌شود تا مردم نسبت به حاکمیت بی‌اعتماد شوند، در حالی که در صحنه حضور داریم و بازدید می‌کنیم و این تهمتی است که به استاندارد می‌زنند.

وی افزود: در بعضی از موارد علت عدم ترخیص کالاها به‌خاطر عدم‌ارائه اظهارنامه توسط صاحبان کالاست که به‌دنبال افزایش نرخ هستند.

رئیس سازمان استاندارد با پخش فیلمی از حضور کارشناسان استاندارد در انبارهای خودروسازان، بااشاره به انبار کردن خودروهای داخلی در پارکینگ‌ها گفت: معاونان سازمان استاندارد سرزده در پارکینگ‌های خودروسازان حضور پیدا کردند.

اسلام‌پناه ادامه داد: این سازمان استانداردهای لازم را به شرکت‌های خودروساز داده است و در این زمینه می‌توانید به‌عنوان خبرنگار وارد پارکینگ‌های خودروسازان شوید و کدهای روی خودروها را بزنید. وی بااشاره به اینکه ما برای بررسی تاییدیه استاندارد واردات میلیون‌ها خودرو آماده هستیم، گفت: واردات خودرو وظیفه ما نیست، در مجموع حدود ۶ هزار خودرو وارد کشور و نصف این تعداد اظهار شده است.

رئیس سازمان استاندارد بیان کرد: اگر واردکنندگان گواهی تایید نوع را قبل از ثبت سفارش گرفته باشند، اجازه ترخیص آنها را در کمتر از ۲۴ ساعت صادر می‌کنیم؛ البته مدیرعامل این شرکت‌ها خودشان اعلام کردند که تاییدیه استاندارد گرفته‌اند. اسلام‌پناه در پاسخ به سوالی درباره جوابیه شرکت سایپا به خبرگزاری ایرنا و ادعای این شرکت در زمینه عدم‌عرضه ۱۲هزار خودرو به‌دلیل الزامات استاندارد ۸۵گانه است، گفت: این ادعا دروغ محض است و به‌عنوان کسی که این پیچیدگی‌ها را می‌شناسیم، اعلام می‌کنم که دروغ است. وی از افزایش رشد شاخص‌های سازمان استاندارد خبر داد و گفت: رضایتمندی مردم از این سازمان نسبت به سایر دستگاه‌ها ۷درصد افزایش یافته که نشانگر رضایت مردم از خدمات است.

رئیس سازمان ملی استاندارد ایران بیان کرد: پاسخگویی سازمان از ۷۰ درصد به ۹۷ درصد در این دولت رسیده و ارتقای بهره‌وری، شفافیت، اطلاع‌رسانی و هوشمندسازی از دیگر شاخص‌ها است.

این مقام مسئول عنوان کرد: گزارش شاخص کیفیت کالا در ۵۶ قلم کالا تهیه شده که گزارش کامل آن را اعلام خواهیم کرد، در این میان خودرو و سیگار با کمترین سطح رضایت مردم روبه‌رو هستند.رئیس سازمان ملی استاندارد ایران بااشاره به اینکه تلفن‌همراه آیفون ۱۴ رجیستری می‌شود، گفت: وزارت ارتباطات این موضوع را انجام می‌دهد و در آینده این اتفاق می‌افتد.

وی عنوان کرد: برای اینکه مردم در انتخاب تلفن‌های همراه حق انتخاب دارند، استانداردهای اجباری اعمال می‌شود.

عکس روز



افتتاح ۴ ایستگاه مترو تهران با حضور رئیس‌جمهوری

عکس: تسنیم

ویژه‌تر از خبر

بهره‌برداری از راه‌آهن کردستان پس از ۱۸ سال

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری با بیان اینکه در کشور ۶۰ هزار پروژه نیمه‌تمام داریم، گفت: دولت سیزدهم توانست طی ۲ سال راه‌آهن کردستان را تکمیل کند.

به‌گزارش مهر، محسن منصوری، معاون اجرایی رئیس‌جمهوری صبح روز(سه‌شنبه ۱۸مهر ۱۴۰۲) در جلسه بررسی مصوبات سفر استانی رئیس‌جمهوری و دولت به کردستان و نگاهی به برخی پیشنهادهای سومین سفر پیش‌روی رئیس‌جمهوری به این استان، با تبریک عملیات محور مقاومت در فلسطین، گفت: امید است شاهد تحقق وعده امام‌خمینی (ره) درباره محو رژیم‌صهیونیستی باشیم. وی در ادامه با بیان اینکه رئیس‌جمهوری در آینده نزدیک به استان کردستان سفر خواهد داشت، اظهار کرد: باید سرمایه‌گذاری در این استان تسریع و مشکلات سرمایه‌گذاران حل شود تا شاهد ایجاد اشتغال و رونق تولید باشیم. معاون اجرایی رئیس‌جمهوری بااشاره به اینکه بعد از ۱۸سال پروژه راه‌آهن کردستان و فرودگاه سقز در سفر آینده رئیس‌جمهوری به بهره‌برداری می‌رسد، اظهار کرد: طی ۲ سال گذشته، این پروژه ۴۰ درصد پیشرفت داشته که در دولت سیزدهم تکمیل شده است.منصوری افزود: ۶۰ هزار پروژه عمرانی نیمه‌تمام در کشور داریم که ۹ هزار همت برای تکمیل آنها نیاز است و حتی اگر تورمی نداشته باشیم، باید ۳۰ سال بودجه عمرانی معادل ۱۴۰۱ که بیشترین بودجه عمرانی سال‌های گذشته و ۳۰۰ همت بود را اختصاص دهیم تا این پروژه‌ها تکمیل شوند.وی ادامه داد: باید سراغ کارهایی برویم که به‌تنهایی ایجاد سرمایه و صنعت می‌کنند و خود به خود منجر به پروژه‌های عمرانی جدید می‌شوند،بنابراین باید در حوزه‌های مولد سرمایه‌گذاری کرد.معاون اجرایی رئیس‌جمهوری بیان کرد: مجموعه بنیادمستضعفان با ۱۸هکتار زمین در شهر سنندج که اکنون نیمی از آن سوله است، پیش از این کارخانه نساجی بوده و اکنون رها شده است؛ برای کاربردی شدن این زمین، باید تعیین‌تکلیف شود.منصوری با بیان اینکه دولت برای توسعه استان کردستان و تامین نیاز حمایت‌های لازم را صورت خواهد داد، خاطرنشان کرد: پیگیری لاستیک بارز کردستان برای بالا بردن سطح اشتغال، تکمیل معدن طلای استان که در سفر قبلی رئیس‌جمهوری کلنگ آن زده شد و انجام کار معدنی جدید توسط تاسیکو (وابسته به تامین‌اجتماعی) و ایمیدرو (تابعه وزارت صمت) و معرفی پهنه‌های معدنی از سوی صمت استان به تاسیکو از جمله مواردی است که باید پیگیری شود.

وی با تاکید بر ابلاغ احداث شهرک صنعتی بیجار در سفر آتی رئیس‌جمهوری به کردستان گفت: اخذ عادی مجوز ساخت شهرک صنعتی چند سال زمان می‌برد، اما در سفر پیش‌روی رئیس‌جمهوری به کردستان، باید مصوبه آن را اخذ کرد و واحدهای صنعتی این شهرک باید تا ۵ سال آینده فعال شوند.

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری درباره مشکلات هتل ۵ستاره سنندج نیز اظهار کرد: اگر بانک مقصر است، مشکلات را حل خواهد کرد. تولید پنل‌های گچی هم که سرمایه‌گذار دارد، باید زودتر مجوز بگیرد.

در راستای بهینه‌سازی مصرف بنزین انجام شد

اعطای یارانه بنزین به هر کد ملی به جای خودرو

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

مسئله ناترازی بنزین و مشکلات مربوط به واردات بنزین به یک مسئله مهم اقتصادی در کشور تبدیل شده است؛ مهم‌ترین متهم ردیف اول موضوع ناترازی بنزین مسئله صنعت خودرو کشور است که نه‌تنها بیشتر از میزان میانگین مصرف خودروها در دنیا مصرف بنزین دارند، بلکه به‌دلیل عدم‌عرضه مناسب خودرو، خودروهای فرسوده بسیاری با مصرف بنزین بالا در کشور تردد دارند.

ایران با چالش مهمی در قالب یارانه بنزین مواجه است. رویکرد فعلی اعطای یارانه به خودروها به جای افراد منجر به افزایش مصرف بنزین و قاچاق گسترده شده است. این امر نه تنها به ناکارآمدی اقتصادی منجر شده، بلکه نابرابری در توزیع یارانه‌ها را نیز تداوم بخشیده است. به‌منظور پرداختن به این مسائل و ارتقای سیاست‌گذاری موثر، اصلاح در مکانیسم اعطای یارانه بنزین بسیار مهم است. سیاست تغییر به سمت اعطای یارانه بنزین به افراد و ایجاد بازار بورس سهمیه‌بندی بنزین موجب خواهد شد سیستم اعطای یارانه نیز عادلانه‌تر شود.


عکس: صنعت

سیستم موجود اعطای یارانه بنزین به خودروها مشکلات متعددی را ایجاد کرده است. اولا برای بخش بزرگی از مردم بدون خودرو که به نفع آنها نیست و در نتیجه آنها را از دریافت یارانه محروم می‌کند. علاوه بر این، به‌طور نامتناسبی به نفع افراد ثروتمندتر با چندین اتومبیل است و نابرابری را تشدید می‌کند. این سیستم معیوب همچنین توانایی دولت را برای تدوین سیاست‌های موثر مختل می‌کند.

برای رفع این چالش‌ها، اصلاح مکانیسم یارانه ضروری است. این اصلاحات مستلزم اعطای سهمیه بنزین به افراد به جای خودروها، در کنار ایجاد بازار مبادله سهمیه بنزین است. این امر شفافیت قیمت‌گذاری را ممکن می‌سازد و به بازار اجازه می‌دهد سهمیه‌ها را به‌طور موثر تخصیص دهد. دولت مسئول تخصیص سهمیه به افراد و صنعت حمل‌ونقل و در عین حال کنار گذاشتن خود از کنترل قیمت بنزین خواهد بود.

اصلاحات پیشنهادی چندین مزیت دارد. نخست اینکه توزیع عادلانه یارانه‌های انرژی را با ارائه یارانه‌های سرانه تضمین می‌کند و نابرابری‌های موجود را از بین می‌برد. این تغییر منجر به یک سیستم یارانه عادلانه‌تر و فراگیرتر می‌شود. ثانیا اصلاحات پس‌انداز را تسهیل می‌کند و مصرف فردی را کاهش می‌دهد. با توانمندسازی خانوارها برای بهینه‌سازی مصرف بنزین، به‌طور مستقیم به نفع خانواده‌ها می‌شود. پس‌انداز به جای دولت به جیب مردم هدایت می‌شود و به افزایش درآمد قابل تصرف و بهبود استانداردهای زندگی کمک می‌کند. علاوه بر این، صنعت حمل‌ونقل تحت این اصلاحات حداقل تغییرات قیمتی را تجربه خواهد کرد. ایجاد یک پلتفرم مبتنی بر پیمایش، همراه با نظارت بر داده‌های صنعت حمل‌ونقل و حذف کارت‌های سوخت، داده‌های دقیق مصرف را ارائه می‌دهد. این داده‌ها می‌توانند برای بهینه‌سازی مصرف در بخش حمل‌ونقل، تشویق به انتقال به سمت خودروهای دوگانه‌سوز یا هیبریدی با مصرف سوخت کمتر بنزین مورداستفاده قرار گیرند. این سیاست جدید نه تنها وابستگی به بنزین را کاهش می‌دهد، بلکه صنعت حمل‌ونقل پایدارتر و سازگار با محیط‌زیست را نیز ارتقا می‌دهد.

علاوه بر این، این اصلاحات اجرای یک سیستم تعرفه هوشمند را برای مصرف‌کنندگان بنزین بالا تسهیل می‌کند و افراد با الگوهای مصرف بیش از حد را تشویق می‌کند تا هزینه‌های خود را مجددا ارزیابی و استفاده کارآمدتر از منابع را ترویج کنند. با تعدیل هزینه‌های غیربهینه، افراد تشویق می‌شوند انتخاب‌های مسئولانه داشته باشند و به چشم‌انداز انرژی پایدارتر کمک کنند.

در ادامه پیرامون اهمیت این موضوع با سه تن از کارشناسان حوزه انرژی به گفت‌وگو پرداختیم که خواهید خواند.

اعطای یارانه بنزین به هر نفر برای بهینه‌سازی مصرف



مهدی‌هاشم‌زاده، کارشناس انرژی درباره لزوم بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش غیرصنعتی به صنعت گفت: بهینه‌سازی مصرف در بخش غیرصنعتی مستلزم اصلاحات جامع در سیستم یارانه انرژی است. موضوع فعلی در قیمت‌گذاری و توزیع یارانه‌های انرژی در سراسر زنجیره انرژی نهفته است که منجر به اختلاف قابل‌توجهی در الگوهای مصرف در بین خانوارها می‌شود. با پرداختن به این مشکل، می‌توانیم به‌طور موثر اتلاف انرژی را کاهش دهیم و مدل مصرف پایدارتری را ترویج کنیم.

وی ادامه داد: یکی از چالش‌های کلیدی که با آن روبه‌رو هستیم، نبود انگیزه‌های مناسب برای خانوارها برای بهینه‌سازی مصرف انرژی است. به‌عنوان مثال، به‌دلیل عایق‌کاری ناکارآمد در دیوارها و پنجره‌ها، مقدار قابل‌توجهی انرژی از دست می‌رود. با این حال، با اجرای سیگنال‌های قیمت انرژی می‌توانیم این وضعیت را اصلاح و خانوارها را تشویق کنیم تا شیوه‌های کارآمدتر انرژی را اتخاذ کنند. به‌طور مشابه، فقدان مشوق‌ها در طول زنجیره تولید و توزیع انرژی مانع از توسعه گواهی‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی و اقتصاد کلی بهینه‌سازی مصرف شده است. این مسائل بر نیاز فوری به اصلاح سیستم موجود یارانه انرژی تاکید می‌کند.

وی در زمینه تشویق مردم به بهینه‌سازی با اعطای یارانه انرژی و بنزین به نفر و کد ملی اظهار کرد: یک راه‌حل بالقوه برای رفع این چالش‌ها، اجرای یارانه‌های انرژی فردی و اعطای سهمیه به کد ملی است که در برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده است. با اتخاذ این رویکرد، مصرف‌کنندگان انرژی مانند مصرف‌کنندگان برق، گاز و بنزین، قیمت‌های یارانه‌ای براساس الگوی مصرف بهینه دریافت می‌کنند. علاوه بر این، به افراد بدون خودرو نیز سهمیه بنزین تعلق می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود یارانه‌های انرژی توجیه شده و به‌طور مساوی توزیع می‌شود. این رویکرد نه‌تنها سیستم منصفانه یارانه‌های انرژی را ترویج می‌کند، بلکه مشوق افراد برای اتخاذ شیوه‌های کارآمد انرژی است. البته قیمت سوخت برای صنعت حمل‌ونقل باید در این سیستم ثابت بماند. با این حال، از طریق پایش و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها می‌توان الگوهای مصرف را در این بخش با اعطای یارانه به وسایل نقلیه درگیر در حمل‌ونقل مبتنی بر ناوبری بهینه کرد. این رویکرد هدفمند استفاده از استراتژی‌های حمل‌ونقل با انرژی کارآمدتر، کاهش مصرف کلی سوخت و اثرات زیست‌محیطی را تشویق می‌کند.

این کارشناس انرژی در پایان گفت: بهینه‌سازی مصرف در بخش خانگی نیازمند اصلاح اساسی در سیستم یارانه انرژی است. با اجرای یارانه‌های انرژی فردی و تضمین توزیع عادلانه، می‌توانیم خانوارها را تشویق کنیم تا شیوه‌های کارآمد انرژی را اتخاذ کنند. علاوه بر این، با هدف قرار دادن بخش‌های خاص مانند حمل‌ونقل می‌توان الگوهای مصرف را بهینه کرد و اثرات زیست‌محیطی را کاهش داد. پرداختن به اختلافات فعلی در مصرف انرژی و ترویج یک مدل پایدار که هم برای خانوارها و هم برای محیط زیست سودمند باشد، حیاتی است. از طریق این اصلاحات می‌توانیم به سمت جامعه‌ای کارآمدتر و آگاه به محیط‌زیست حرکت کنیم.

اجرای نظام جدید پلکانی مصرف بنزین



نادیا محرابی، کارشناس انرژی نیز با اشاره به وضعیت ناترازی بنزین به صنعت گفت: یکی از مسائل مهم اقتصادی که سیاست‌گذاران با آن مواجه هستند، سیستم یارانه بنزین بوده که به انحرافات جدی منجر شده است. اعطای یارانه به ازای هر وسیله نقلیه به جای سرانه به این معنی است که همه شهروندان از آن سود نمی‌برند، در حالی که گروه‌های پرمصرف مبالغ نامتناسب بیشتری را به هزینه دیگران دریافت می‌کنند. این رویکرد نتوانسته انگیزه‌ای برای بهره‌وری ایجاد کند و امکان قاچاق بی‌رویه سوخت یارانه‌ای به خارج از کشور را فراهم کند. حدود ۵۰ درصد جمعیت هیچ یارانه‌ای دریافت نمی‌کنند، در حالی که مالکان چند خودرو از مزایای بیشتری برخوردارند. اصلاح مکانیسم تخصیص به فوریت موردنیاز است.

وی درباره اهمیت اعطای سهمیه بنزین به نفر به جای خودرو افزود: راه‌حل عادلانه‌تر، ارائه سهمیه بنزین برای هر فرد یا سرپرست خانوار به جای وسایل نقلیه است. ایجاد بازار مبادلات بنزین براساس سهمیه‌های فردی، سیستم قیمت‌گذاری را با نیروهای بازار هماهنگ‌تر می‌کند. دولت سهمیه‌های پایه یارانه‌ای را برای مصرف شخصی بهینه و همچنین بخش حمل‌ونقل با مجهز شدن به سیستم ناوبری و داده‌محور پیمایشی، اختصاص خواهد داد. کسانی نیز که خارج از سهمیه بهینه و صنعت حمل‌ونقل، بیش از سهمیه متعارف مصرف می‌کنند می‌توانند بنزین اضافی را از بازار مبادله با قیمت‌های بالاتر اما همچنان به‌صرفه خریداری کنند.

محرابی با اشاره به اهمیت کشف قیمت جدید در بازار مبادلات انرژی گفت: این امر مخارج کلی یارانه دولت را کاهش می‌دهد که در عوض می‌تواند از توسعه اقتصادی حمایت کند. پس‌انداز به جای هدردادن در استفاده‌های ناکارآمد، به صورت هزینه‌های مصرف شخصی کمتر به شهروندان بازگردانده می‌شود. رفتار همچنین به سمت حفاظت و کارآیی تشویق می‌شود. ساده‌سازی یارانه‌ها به این شیوه هدفمند به بی‌عدالتی‌های فعلی رسیدگی می‌کند و در عین حال هزینه‌ها را در بر می‌گیرد. این امر با حذف قیمت‌گذاری بنزین از نظر سیاسی دشوار و امکان کشف قیمت‌های مناسب در بازار مبادلات انرژی برای سطوح مختلف تقاضا، شفافیت را به ارمغان می‌آورد.

وی در زمینه وضعیت قیمت اعطای سوخت به صنعت حمل‌ونقل کشور نیز اظهار کرد: به‌طور همزمان، صنعت حمل‌ونقل به سیستمی با وسایل نقلیه دارای مانیتور GPS که تخصیص سوخت را براساس داده‌های واقعی دریافت می‌کند، تغییر خواهد کرد. حذف کارت‌های سوخت همچنین داده‌های دقیق تقاضا را برای اجرای اصلاحات سیاست هوشمند مانند مصرف سوخت بهینه از طریق هیبریدسازی ایجاد می‌کند. اعطای سهمیه بنزین به فرد باعث تقویت سیستم مدیریت انرژی عادلانه با استقبال در سراسر جامعه می‌شود و در عین حال از گروه‌های آسیب‌پذیر حمایت می‌کند. به‌طور کلی این رویکرد مبتنی بر راه‌حل‌های نوآورانه، یک جایگزین طولانی‌مدت بادوام را ارائه می‌کند که از طریق توانمندسازی فردی، تخصیص بهینه منابع، صرفه‌جویی در مصرف با اعطای یارانه بنزین به نفر، یک برد-برد را ارائه می‌دهد.

تغییر سهمیه بنزین برای جلوگیری از قاچاق



فرشاد جامع‌اصل، کارشناس انرژی نیز درباره لزوم اصلاح سازکار اعطای سهمیه بنزین به صنعت گفت: اصلاح مکانیسم اعطای یارانه بنزین از خودروها به افراد گامی مهم در جهت رفع عدم‌تعادل در تقاضا و مصرف بنزین است. رویکرد فعلی یارانه بنزین برای خودروها منجر به بی‌عدالتی قابل‌توجهی شده که به نفع کسانی است که چندین وسیله نقلیه دارند و افراد بدون خودرو را حذف می‌کنند. علاوه بر این، فقدان نظارت مناسب و حاکمیت داده‌ها در صنعت حمل‌ونقل، قاچاق سوخت را تسهیل کرده است. این اصلاحات با اجرای نظام سهمیه‌بندی مبتنی بر کارت‌های بانکی یا کارت‌های ملی و ایجاد شفافیت در مصرف، دستیابی به توزیع عادلانه‌تر یارانه‌ها، جلوگیری از قاچاق سوخت و امکان اصلاح سیاست‌های قیمتی بنزین را هدف قرار داده است. این کارشناس انرژی درباره مشکلات نظام فعلی اعطای یارانه‌های بنزین به خودرو به جای نفر اظهار کرد: سیستم فعلی اعطای یارانه بنزین به خودروها، عدم‌تعادل و بی‌عدالتی قابل‌توجهی را در بین افراد ایجاد کرده است. یارانه‌ها براساس تعداد خودروهایی که در اختیار دارند، ارائه می‌شود که منجر به مزایای نامتناسب برای افرادی که دارای چندین وسیله نقلیه هستند، می‌شود. این رویکرد به نفع افراد ثروتمند و توانمند جامعه است و در عین حال از افراد بدون خودرو که ممکن است با مشکلات مالی نیز مواجه شوند، غفلت می‌کند. اعطای یارانه منحصرا به مالکان خودرو، بخش قابل‌توجهی از جمعیتی را که خودرو ندارند، مستثنا می‌کند. این امر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید می‌کند، زیرا این افراد قادر به دسترسی به مزایای یارانه بنزین نیستند. با تغییر مکانیسم یارانه به افراد، صرف‌نظر از مالکیت خودرو، می‌توان به رویکردی فراگیرتر و عادلانه دست یافت. وجود کارت سوخت در پمپ‌بنزین‌ها، همراه با نبود سیستم‌های نظارتی مؤثر مبتنی بر پیمایش در صنعت حمل‌ونقل، منجر به کمبود داده‌های جامع درباره مصرف سوخت شده است. این شکاف داده‌ها، تشخیص الگوهای مصرف و شناسایی خودروهایی را که ممکن است درگیر قاچاق سوخت باشند، دشوار می‌کند. سیستم فعلی نمی‌تواند اطلاعات دقیقی درباره نحوه مصرف سوخت وسایل نقلیه ارائه دهد، که مانع از اقدامات موثر حاکمیتی و کنترلی می‌شود.

وی درباره حل این مشکل و راه‌حل اعطای سهمیه‌های جدید بنزین به نفر به جای خودرو افزود: برای رسیدگی به مشکلات مرتبط با رویکرد فعلی، اصلاحات تغییر به سمت اعطای یارانه بنزین به افراد را پیشنهاد می‌کند. براساس این سیستم، به هر فرد یک سهمیه بنزین اختصاص می‌یابد که می‌تواند برای نیازهای حمل و نقل شخصی استفاده شود. این رویکرد تضمین می‌کند که یارانه‌ها بدون توجه به مالکیت خودرو، مستقیم بین افراد توزیع می‌شود و عدالت و فراگیری را ترویج می‌کند. برای تسهیل سیستم سهمیه‌بندی فردی، استفاده از کارت‌های بانکی یا کارت‌های ملی پیشنهاد شده است. این کارت‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تخصیص و پیگیری سهمیه بنزین برای افراد عمل می‌کند. استفاده از سیستم‌های کارت موجود، شفافیت را افزایش داده و فرآیند توزیع یارانه را ساده می‌کند. با اجرای این سیستم، افراد درک روشنی از مصرف بنزین خود خواهند داشت که به مسئولیت‌پذیری بیشتر و کاهش فعالیت‌های قاچاق بالقوه کمک می‌کند. همچنین تغییر به مکانیسم یارانه مبتنی بر فرد، یارانه‌های دولتی در بخش بنزین را توجیه می‌کند. اصلاحات با اعطای مستقیم سهمیه بنزین به افراد، تضمین می‌کند که منافع یارانه‌ها به جیب مردم هدایت شود. این رویکرد با اصول رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی مطابقت دارد، زیرا به افراد اجازه می‌دهد مصرف بنزین خود را بهینه کرده و از صرفه‌جویی در هزینه بهره‌مند شوند.

سخن پایانی

براساس این گزارش، اصلاح سیستم یارانه بنزین ایران برای حکمرانی اقتصادی موثر ضروری است. تغییر از اعطای یارانه به خودروها به اعطای یارانه به افراد، با حمایت از ایجاد بازار بورس سهمیه‌بندی بنزین، می‌تواند چالش‌های فعلی را برطرف کند و سیستم عادلانه‌تر و بازارمحور را ارتقا دهد. چنین اصلاحاتی منجر به توزیع عادلانه یارانه‌ها، تشویق پس‌انداز و کاهش مصرف فردی، تقویت صنعت حمل‌ونقل پایدار و ارتقای استفاده مسئولانه از منابع می‌شود. با اجرای این تغییرات، ایران می‌تواند راه را برای یک چارچوب حاکمیت اقتصادی کارآمدتر و فراگیرتر هموار کند.

بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش خانگی نیازمند اصلاح اساسی در سیستم یارانه انرژی است

راه‌حل عادلانه‌تر، ارائه سهمیه بنزین برای هر فرد یا سرپرست خانوار به‌جای وسایل نقلیه است

اصلاح مکانیسم اعطای یارانه بنزین از خودروها به افراد گامی مهم در جهت رفع عدم‌تعادل در تقاضا و مصرف بنزین است

دریچه

راهکاری برای بهینه‌سازی مصرف بنزین

یکی از مهم‌ترین موضوعات در زمینه اصلاح یارانه‌های انرژی در بخش خانگی، حذف یارانه‌ای انرژی و قیمت‌گذاری دستوری در طول زنجیره تولید و توزیع انرژی است. این اقدام موجب خواهد شد یارانه انرژی به خود افراد برسد و بر کد ملی هر خانوار تخصیص یابد. این موضوع در بخش برق و گاز، به‌راحتی قابل انجام است و می‌تواند روی هر یک از کنتورهای خانه خانوار منطبق شود، اما مسئله اصلی، در زمینه بنزین است. یکی از مشکلات جدی در زمینه اعطای یارانه بنزین به خودرو، مرتبط با خانوارهای دارای خودرو بیشتر است، افرادی که بیشتر خودرو دارند، بیشتر مصرف خواهند کرد و در این بین افراد فاقد خودرو نیز از هیچ مزیتی بهره‌مند نخواهند شد. در همین راستا رویکرد اصلی اصلاح یارانه‌های انرژی در بخش بنزین مبتنی بر اعطای سهمیه به نفر به‌جای خودرو است.

رویکرد اعطای سهمیه بنزین به نفر سبب خواهد شد اولا بخش بزرگی از مردم ایران که فاقد خودرو هستند، به یارانه بنزین دست پیدا کنند، همچنین در این روش صنعت حمل‌ونقل کشور از جمله کامیون، خودروهای تاکسی، وانت نیسان و افراد شاغل در اسنپ، تپسی و دیگر وسایل نقلیه فعال در حوزه حمل‌ونقل همچنان به قیمت یارانه‌ای، بنزین را دریافت خواهند کرد. با این سازکار علاوه بر اینکه مردم یارانه‌های بخش انرژی را از جنس خود انرژی دریافت می‌کنند که همواره در برابر تغییر ریال ارزش خود را از دست نخواهد داد، با شکل‌گیری سامانه مبادلات انرژی بخش بنزین به‌راحتی می‌توان به مبادله سهمیه اضافی پرداخت و به این ترتیب علاوه بر اصلاح سازکار اعطای یارانه انرژی، مشکل حضور دولت در قیمت‌گذاری بنزین نیز حل خواهد شد.

ناترازی در مصرف بنزین در سال‌های اخیر به یک نگرانی قابل‌توجه تبدیل شده است. کشور ما شاهد افزایش مصرف به دلیل عواملی مانند افزایش تورم و تولید خودروهای با مصرف بالا بنزین بوده و توسعه ناکافی ظرفیت پالایشگاهی کشور به‌طور قابل‌توجهی به ناترازی فعلی در مصرف بنزین کمک کرده است. با افزایش تقاضا برای بنزین، پالایشگاه‌های موجود توان پاسخگویی به نیازهای روزافزون جمعیت را نداشته و در نتیجه کشور برای پر کردن شکاف بین عرضه و تقاضا به واردات بنزین متکی شده که باعث افزایش هزینه‌ها و فشار بر ذخایر ارزی می‌شود. حال با اعطای سهمیه به هر کد ملی به‌جای خودرو می‌توان عملکرد و روند عادلانه‌تری را اجرا کرد. اجرای نظام اصلاح شده یارانه‌ها با تمرکز بر سهمیه‌های فردی و بازار مبادله سهمیه، چندین مزیت دارد اولا تضمین می‌کند یارانه‌های انرژی به سرانه توزیع شود و بی‌عدالتی موجود در سیستم از بین می‌رود. ثانیا افراد را تشویق می‌کند در مصرف بنزین صرفه‌جویی کنند، زیرا هرگونه صرفه‌جویی به‌طور مستقیم به نفع اقتصادی آنها خواهد بود و این موضوع به‌نوبه خود به کاهش فشار بر منابع کشور و کاهش ناترازی کلی در مصرف بنزین کمک می‌کند و علاوه بر این، صنعت حمل‌ونقل هیچ تغییر قیمتی را تجربه نخواهد کرد و ثبات در این بخش را تضمین می‌کند.

تغییر مکانیسم یارانه مبتنی بر فرد، همراه با استفاده از کارت‌های ملی یا بانکی برای شفافیت مصرف هر فرد با هر تعداد خودرویی که دارد یا ندارد، حاکمیت و شفافیت داده‌های مرتبط در این بخش را تقویت و از قاچاق سوخت جلوگیری می‌کند.

شفافیت و پاسخگویی که توسط اصلاحات ایجادشده، اقدامات نظارتی و کنترلی بهتری را امکان‌پذیر می‌کند. این اصلاحات با مهار فعالیت‌های قاچاق، از منابع ملی محافظت می‌کند، جمع‌آوری درآمد را افزایش می‌دهد و بخش انرژی ایمن‌تر و پایدارتر را تقویت می‌کند.

اصلاح مکانیسم اعطای یارانه بنزین از خودروها به افراد، گامی مهم در جهت دستیابی به توزیع عادلانه یارانه‌ها، رفع بی‌عدالتی اجتماعی و جلوگیری از قاچاق سوخت است. با اجرای سیستم سهمیه‌بندی انفرادی و استفاده از کارت‌های ملی یا بانکی می‌توان به شفافیت در مصرف دست یافت و اطمینان حاصل کرد که یارانه‌ها به همه افراد می‌رسد و مصرف مسئولانه سوخت را ترویج می‌کند. این اصلاحات نه‌تنها یارانه‌های دولتی در بخش بنزین را توجیه می‌کند، بلکه امکان اصلاح سیاست‌های قیمتی و الگوهای مصرف بهینه را نیز فراهم می‌کند. با تغییر به سمت اعطای یارانه به مردم به‌جای خودرو، عدم‌تعادل در تقاضا و مصرف بنزین می‌تواند به‌طور موثر برطرف و منجر به سیستم عادلانه‌تر و کارآمدتر شود.

شرکت کشت و صنعت سبزآبی

آگهی مزایده عمومی

شرکت کشت و صنعت سبزآبی در نظر دارد یک قطعه از اراضی زراعی خود به مساحت ۲۳ هکتار به همراه یک حلقه چاه و تاسیسات آبیاری بارانی (کلاسیک زیرزمینی)، در محدوده شهرستان اسدآباد همدان را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی برای سال زراعی ۱۴۰۲- ۱۴۰۳ واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند حداکثر به مدت ده روز کاری از تاریخ انتشار آگهی جهت تهیه اسناد، بازدید و پیشنهاد قیمت، با شماره ۰۹۱۹۳۰۳۶۰۲۰ (آقای کرشاسبی) یا ۰۹۱۸۳۰۸۹۲۲۰ (آقای فیروزی) تماس حاصل فرمایند.

واحد بازرگانی شرکت کشت و صنعت سبزآبی

یادداشت

اقتصاد در مسیر اشتباه



مسعود بختیاری
فعال حوزه صنعت

مشکلات صنعت به‌ویژه در یکی، دو سال اخیر بی‌شمار بوده و در این مجال اندک لازم می‌دانم به چند مورد از این مشکلات، اشاره می‌کنم؛ البته با تاکید بر اینکه معضلات خیلی بیشتر از این موارد است. افزایش چشمگیر بهای مواد اولیه، عدم‌تامین نقدینگی و در دسترس نبودن سرمایه در گردش، معضلات مربوط به واردات مواد اولیه، قوانین خلق‌الساعه، تصمیم‌گیری‌های پی‌درپی و متضاد نهادهای گوناگون، عدم‌تخصیص ارز موردنیاز برای واردات مواد اولیه، پیچیدگی‌های مربوط به حوزه صادرات، مشکل بزرگ رفع تعهد ارزی که دست صادرکنندگان را به‌معنای واقعی بسته و مقررات دست‌وپاگیر و ضدصادرات، تنها بخشی از مشکلاتی است که تولید در یکی دو سال گذشته با آنها درگیر بوده است.

نامناسب بودن فضای کسب‌وکار هم منجر به عدم‌سرمایه‌گذاری در برخی صنایع مانند صنایع غذایی شده است. براساس آمارها در سال گذشته برای نخستین‌بار در کشور ضریب استهلاک سرمایه از میزان سرمایه‌گذاری، پیشی گرفت؛ یعنی شاهد استهلاک کارخانجات هستیم، در حالی که سرمایه‌گذاری برای ایجاد واحدهای جدید و بروزرسانی واحدهای موجود، کاهش بسیار چشمگیری داشته است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی صنعت، قیمت‌گذاری دستوری است. اینکه برخی از کالاهای مهم مشمول قیمت‌گذاری پیشینی شده‌اند، چالشی بود که در یکی دو سال گذشته صنعت را سردرگم و مشکلات زیادی برای صنایعی مانند صنایع غذایی ایجاد کرد. گرچه برخی از محصولات صنایع غذایی مانند کنسرو رب و تن ماهی به‌تازگی از شمولیت قیمت‌گذاری دستوری خارج شده و دولت و متولیان امر این اقدام اشتباه را اصلاح کردند، اما به‌جرأت می‌توان گفت تا مدت‌ها آسیب‌های این عملکردهای اشتباه برجا خواهد ماند.

مشکل از جایی شروع می‌شود که در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات فعالان یک حوزه استفاده نمی‌شود و در نهایت هم تصمیمات اخذشده، نه‌تنها هیچ کمکی به بهبود شرایط و کاهش تورم نمی‌کنند و به نفع مصرف‌کننده نیستند، بلکه گاه به ضدخودشان تبدیل می‌شوند و پیامدهای فراگیری دارند که جبران و ترمیم آسیب‌های آنها زمان‌بر و هزینه‌بر است. در اینکه دولت تلاش زیادی برای رفع مشکلات صنعت کرده، شکی نیست، اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین اقدام درست دولت در یک سال گذشته، جبران اشتباهی بود که در قیمت‌گذاری دستوری برخی از کالاها مرتکب شد و آنها را از فهرست قیمت‌گذاری دستوری خارج کرد.

از دولت و متولیان امر درخواست داریم پیش از اخذ هر تصمیمی از تشکل‌های تخصصی مربوطه دعوت به عمل بیاورند و دیدگاه‌ها و نظرات آنها را بشنوند و به‌کار بگیرند. البته این موضوع نص صریح قانون بهبود فضای کسب‌وکار بوده و در ماده ۲ و ۳ این قانون آمده است. تنها انتظار این است که دولت به قانون عمل کند. وقتی قانون تاکید بر استفاده از نظرات بخش خصوصی دارد، دولت باید در تصمیم‌گیری‌ها، تدوین دستورالعمل‌ها و چارچوب‌ها این موضوع را در نظر داشته باشد و از تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه و جزیره‌ای پرهیز کند.

شوربختانه تصمیم‌سازان اقتصاد کلان با هم دیدگاه‌های مشترکی ندارند و هر کدام از زاویه دید وزارتخانه و ماموریت‌های سازمانی خود به موضوع ورود می‌کنند. وقتی یک نگاه فراگیر ملی نداریم، به‌طبع هیچ‌کدام از قوانین نمی‌توانند ابعاد گوناگون یک موضوع را در نظر بگیرند و با نگاه بخشی درصدد رفع موانع هستند؛ غافل از اینکه در ابعاد دیگری، مشکلات به‌مراتب بزرگ‌تری ایجاد می‌شود.

باتوجه به آنچه درباره رابطه صنعت و دولت گفته شد، خلأ بزرگ در این زمینه، نداشتن یک مرکز تصمیم‌گیری است. شاید بهتر باشد ستادی در دولت تشکیل شود تا موضوعات به‌طور متمرکز و با نگاه ملی و همه‌جانبه دیده شوند. وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت و سازمان حمایت هر کدام از دید خود به یک موضوع نگاه می‌کنند. این امر منجر به نوعی تضاد منافع و تصمیم‌گیری‌ها متناقض می‌شود که برای صنعت دردسرساز است.

واقعیت این است که با برخوردهای سلبی و قهری نمی‌توان مشکلات را برطرف کرد. اقتصاد اقتضائات متفاوتی دارد و باید یک پالایش بنیادین در نوع نگاه، نگرش و عملکرد تمام مسئولان و تصمیم‌گیران اقتصاد کلان ایجاد شود. در این میان باید تجربه کشورهای موفق و پیشرفته را مدنظر قرار دهیم و به‌دنبال اختراع دوباره چرخ نباشیم.

مرکز مشکلات حوزه صنعت به تصمیمات غیرکارشناسی برمی‌گردد که به‌نوعی تحریم‌های داخلی را گسترده کرده است. باید به سمت پذیرفتن این واقعیت که بازار هوشمند است حرکت و برای ممانعت از ایجاد رانت ارز را تک‌نرخی کنیم و نظام عرضه و تقاضا را به رسمیت بشناسیم. با دستور هیچ‌وقت نمی‌توان اقتصاد را سامان بخشید. تجربه ۵ دهه گذشته اقتصاد کشورمان نیز موید همین موضوع است.

کارشناسان در ارزیابی وضعیت روز صنعت نساجی:

نساجی در اولویت دولت نیست

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

صنعت نساجی، یکی از صنایع مهم و پرسود کشور است که تاریخچه‌ای قدیمی دارد. با گذر زمان، صنعت نساجی در ایران توسعه یافت و در دوره‌های مختلف، به‌عنوان یکی از صنایع اصلی و مهم کشور شناخته شد. پس از انقلاب، با توجه به سیاست‌های دولت برای توسعه صنایع داخلی و تحریم‌های اقتصادی، صنعت نساجی رونق گرفت و تولیدات نساجی ایران به کشورهای دیگر صادر می‌شد. با این وجود، برخی در ارزیابی‌های خود درباره وضعیت کنونی این صنعت، آن را دچار افول و عقب‌ماندگی می‌دانند و برخی دیگر معتقدند صنعت نساجی، هرچند به‌واسطه شرایط اقتصاد کلان مانند سایر صنایع با مشکلاتی همچون کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه، رکود و... دست و پنجه نرم می‌کند اما وضعیت به‌نسبت باثبات و روبه‌رشدی دارد. صمت در این گزارش از کارشناسان و فعالان این حوزه، وضعیت این صنعت را جویا شده که در ادامه می‌آید.

صنعت نساجی مغفول مانده است



علیرضا حائری، کارشناس صنعت نساجی در ارزیابی خود از وضعیت کنونی این صنعت به صمت گفت: واقعیت این است که در حال‌حاضر، نه‌تنها صنعت نساجی، بلکه به‌واسطه وضعیت اقتصادی و شرایط خاصی که در آن قرار داریم، تمامی صنایع دچار مشکلات مشابهی مانند کمبود مواد اولیه، مشکلات ارزی، قاچاق، کمبود نقدینگی و... هستند. وقتی اقتصاد درسطح کلان نابسامان بوده و دچار چالش‌های گوناگون است، تمام بخش‌ها از خودرو گرفته تا نساجی و لوازم خانگی از این وضعیت تاثیر می‌پذیرند.

حائری در ادامه افزود: موضوع دیگری که لازم است در ابتدا مطرح کنم این است که به نظر من وضعیت صنعت نساجی نسبت به خودرو و لوازم خانگی، بهتر است. به‌عنوان نمونه، سال گذشته حدود ۷۰۰ میلیون دلار صادرات در حوزه صنایع نساجی داشتیم، در حالی که این عدد در صنعت خودرو کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار بود. این موضوع خود حاکی از وضعیت به نسبت مناسب صنعت نساجی است و اینکه این صنعت کشورمان در بازارهای جهانی حرفی برای گفتن دارد.

■ صنعت نساجی دوران افول نداشته است

عضو انجمن صنایع نساجی ایران افزود: من اینکه عده‌ای صنعت نساجی را دچار افول بعد از رونق می‌دانند، قبول ندارم و نمی‌پذیرم. حدود ۱۰۰ سال پیش بعد از صنعت نفت، نخستین صنعتی که وارد کشور شد، نساجی بود. نخست صنایع ریسندگی و بعد صنعت پارچه‌بافی که عمده آنها در شهرهای کاشان، اصفهان، مازندران و تهران بود در این حوزه در کشورمان فعال شدند. همان‌طور که می‌دانید انقلاب صنعتی در دنیا با صنعت نساجی آغاز شد و کارخانجات پارچه‌بافی در انگلیس نخستین کارخانجاتی بودند که در دوران انقلاب صنعتی ماشینی شدند. این کارخانجات همچنین جزو نخستین صنایعی بودند که متاثر از انقلاب صنعتی در کشور ما فعال شدند. به‌دلیل وضعیت اقتصادی نامناسب در هر شهری که کارخانه ریسندگی یا بافندگی ایجاد می‌شد، بسیار مورد توجه و استقبال قرار می‌گرفت، چراکه هم از لحاظ نیاز جمعیتی و هم اقتصادی به‌نوعی نقطه عطفی برای ایجاد تغییر و تحولات در آن شهر می‌شد. کم‌کم این کارخانجات به نماد آن شهرها تبدیل شدند. چیت‌سازی بهشهر، جهان‌چیت کرج، چیت‌سازی تهران، مخمل ابریشم کاشان و وطن اصفهان نمونه‌هایی از واحدهای نساجی در این دوران بودند که می‌توان به آنها اشاره کرد. متاثر از انقلاب صنعتی به مرور کارخانجات دیگری مانند فولاد، سیمان، خودروسازی پتروشیمی تاسیس شدند و وزن آنها افزایش یافت، نه اینکه وزن صنعت نساجی کاهش پیدا کند. این روند طبیعی انقلاب صنعتی به معنای کاهش ارزش و اهمیت صنعت نساجی و افول این صنعت نیست. این کارشناس صنعت نساجی ادامه داد: این کارخانجات که بعضا قدمت ۵۰ تا ۶۰ ساله داشتند، بعد از انقلاب تحت مدیریت دولتی قرار گرفتند. البته برخی از آنها منحل و تعطیل شدند و واحدهای جدیدی جای آنها را گرفتند. این روند منجر به این نتیجه‌گیری اشتباه شد که برخی عنوان کردند صنعت نساجی دچار افول شده است. به عنوان نمونه واحد نساجی کاشان منحل شد، اما تولید فرش‌های ماشینی در این شهر رونق گرفت که در صادرات نیز حرف‌هایی برای گفتن دارد. برخی از واحدهای نساجی معروف مانند نساجی مازندران، چیت‌سازی تهران، چیت‌سازی ری و... تعطیل شدند، اما به جای آنها کارخانجات دیگری جایگزین شدند. پس نمی‌توان این تغییر و تحولات ناگزیر را ورشکستگی صنعت نساجی تعبیر کرد. صنعت نساجی در حال‌حاضر دربرگیرنده رشته‌های متعددی است و توانمندی و ظرفیت بسیار مناسبی برای رشد و توسعه دارد. این صنعت به عنوان نمونه در بخش‌هایی مانند تولید فرش ماشینی و صنایع ریسندگی الیاف بلند، توسعه و رونق داشته است.

■ صنعتی کاملا خصوصی نیازمند حمایت دولت

حائری در ادامه با اشاره به ویژگی‌های صنعت نساجی اظهار کرد: یکی از مزایا یا به عبارتی خصوصیات صنعت نساجی این است که حدود ۹۵ درصد واحدهای آن متعلق به خصوصی است و فقط ۴ تا ۵ درصد این صنعت دولتی یا وابسته به بانک‌هاست؛ یعنی این صنعت با نقدینگی بخش خصوصی اداره می‌شود و به‌دلیل محدودیت این بخش در تامین سرمایه و نقدینگی موردنیاز به شدت نیازمند حمایت مالی دولت است. متاسفانه صنعت نساجی چندان از حمایت‌های مالی بانکی و تعرفه‌ای دولت برخوردار نیست.

به‌طور کلی می‌توان گفت این صنعت روی پای خود ایستاده و دولت هم بهای چندانی به آن نمی‌دهد. در حالی که شاهد حمایت مالی و تسهیلاتی دولت از صنعت خودرو یا پتروشیمی و... هستیم صنعت نساجی جایی در این حمایت‌ها ندارد. تا زمانی‌که دولت نماد صنعتی شدن کشور را رشد و توسعه صنعت خودرو و پتروشیمی و مانند آن می‌داند طبیعتا فقط به این صنایع می‌پردازد و بیشتر حمایت‌های خود را صرف آنها می‌کند. با تمام اینها، صنعت نساجی، اگر از صنایع دیگر جلوتر نباشد، عقب‌تر هم نیست.

■ رد کمرنگ صنعت نساجی در سند راهبردی

وی درباره سیاست‌های دولت درباره صنعت نساجی اظهار کرد: در کل صنعت نساجی برای دولت صنعتی با اولویت درجه ۲ است؛ یعنی این صنعت را صنعتی ممتاز با اولویت درجه یک نمی‌شناسند. این موضوع به وضوح در اسناد راهبردی نیز مشخص است. در سند راهبردی درباره صنعت نساجی این‌گونه آمده که اگر این صنعت بتواند نیازهای داخلی را تامین کند، انتظار دیگری از آن نداریم؛ به عبارتی، انتظار ارزآوری از آن نداریم و همین که باعث شود ارزی بابت واردات محصولات نساجی از کشور خارج نشود، کفایت می‌کند. این به وضوح یک نگرش درجه دو است. در مقابل صنعت خودرو به‌عنوان نماد صنعتی شدن کشور مد نظر قرار می‌گیرد و بر همین اساس از آن حمایت می‌شود. همانطور که شاهد هستیم هر یک از وزرای صمت در شروع کار خود اولین موضوعی که مورد بررسی قرار می‌دهند و به سیاست‌های آن توجه می‌کنند، صنعت خودرو است. به جرأت می‌توان گفت نیمی از وقت و توان وزارت صمت برای تصمیم‌گیری درباره واردات، صادرات، قیمت‌گذاری و... صرف صنعت خودرو می‌شود. برای صنعت پتروشیمی نیز به همین صورت است. البته صنعت پتروشیمی به معنای واقعی ظرفیت توسعه را دارد و با توجه به منابع نفت و گاز کشور ارزآور است، ولی صنعت خودرو نه تنها ارزآوری ندارد که فقط هزینه‌ها و منابع دولت و بانک‌ها را می‌بلعد. صنعت نساجی در اولویت نیست، از حمایت بی‌نصیب است و طبیعتا رشد چندانی هم نخواهد داشت.

متاسفانه دولت صنعت نساجی را صنعتی ممتاز با اولویت درجه یک نمی‌شناسند

صنعت نساجی در اعتبارات دیده نشده است



محمود تولایی، فعال صنعت نساجی درباره وضعیت کنونی این صنعت و مشکلاتی که فعالان صنعت نساجی با آن روبه‌رو هستند به صمت اظهار کرد: صنعت نساجی یکی از مهم‌ترین و براساس نیاز افراد جامعه از اولویت‌دارترین بخش‌هایی است که در اقتصاد کشور مطرح است، اما متاسفانه این صنعت بعد از انقلاب آسیب‌های جدی را متحمل شد و بسیاری از کارخانجات بزرگ فعال در این بخش تعطیل شدند و جایگزین‌های مناسبی برای این واحدها ایجاد نشد. تولایی ادامه داد: با وجود اینکه صنعت نساجی همواره در دستورکار و برنامه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد، اما این صنعت در اعتبارات دیده نشده و ما شاهد حمایت جدی از صنعت نساجی از سوی دولت و متولیان امر نبوده‌ایم. این در حالی است که با وجود اهمیت این صنعت داخلی، بیشترین میزان قاچاق در محصولات مربوط به صنعت نساجی دیده می‌شود که بزرگ‌ترین ضربه را نیز به این بخش وارد کرده است. در صنعت نساجی غیر از فرش ماشینی که در آن به خودکفایی رسیده و صادرات قابل‌توجهی در این بخش داشته‌ایم، در سایر رشته‌های نساجی نیازمند واردات هستیم. این نیاز به واردات در حالی است که امکان فنی و ظرفیت تولید آنها در داخل کشور وجود دارد، اما به‌دلیل نبود سرمایه‌گذار و عدم‌حمایت مالی دولت در این بخش به نتیجه نمی‌رسیم و نمی‌توانیم به توسعه این صنعت ورود کنیم.

■ بلای دولتی شدن بر سر صنعت نساجی

این فعال صنعت نساجی در پاسخ به این پرسش که چرا این صنعت بعد از روزهای شکوفایی در نهایت رو به افول نهاد، اظهار کرد: دولتی شدن صنعت نساجی از مهم‌ترین عواملی است که این صنعت را در سراشیبی افول قرار داد و تاثیر زیادی بر این صنعت پر ظرفیت کشور گذاشت. به‌نوعی سوءمدیریت و سیاست‌گذاری‌های اشتباه، صنعت نساجی را از روزهای رونقی که داشت دور کرد. در حال‌حاضر که این صنعت همانند دیگر صنایع با مشکلات عدیده‌ای در تامین مواد اولیه، نقدینگی و رکود مواجه است و نیازمند حمایت جدی است نیز شاهد اقدام چشمگیری در این زمینه نیستیم.

■ مبارزه با قاچاق راهی برای حمایت از صنعت نساجی

تولایی پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان از ظرفیت بالقوه صنعت نساجی برای توسعه و رشد این صنعت و بالا بردن تاثیر آن در اقتصاد کلان بهره برد، گفت: دولت با نظارت و کنترل دقیق در راستای مبارزه با قاچاق و همچنین حمایت مالی می‌تواند به صنعت نساجی کمک کند. واقعیت این است که صدای فعالان حوزه صنعت نساجی به واسطه اینکه اغلب بخش‌های این صنعت در اختیار بخش خصوصی است، شنیده نمی‌شود و این خود یکی از عواملی است که منجر به ادامه‌دار شدن مشکلات این صنعت شده است. این فعال حوزه نساجی در پایان با اشاره به مشکلات عدیده این صنعت اظهار کرد: مشکل نقدینگی و تامین مالی عدم‌حمایت از سوی دولت و قاچاق گسترده، صنعت نساجی را متحمل مشکلات زیادی کرده است. در این میان قاچاق به‌طور گسترده و در حجم بالا بزرگ‌ترین ضربه را به صنعت نساجی زده است. در شرایطی که در کشور با بی‌ثباتی اقتصادی مواجهیم، نخستین شاخص‌هایی که بر بخش تولید تاثیر می‌گذارد، نااطمینانی ناشی از تورم و نوسانات نرخ ارز در فضای کسب‌وکار است که از یک‌سو بر رشد فعالیت‌های اقتصادی و بخش عرضه و از سوی دیگر بر میزان تقاضا تاثیرگذار است. اینها شاخص‌هایی است که بر تمام ابعاد کسب‌وکارها از ورود ماشین‌آلات و فروش کالاها گرفته تا تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای آینده تاثیرگذار است. صنعتگر در چنین فضایی که مبهم و غیرقابل پیش‌بینی است نمی‌تواند درباره سرمایه‌گذاری که می‌خواهد انجام دهد، تصمیم‌گیری کند و اینکه اعداد و ارقام و شرایط مشخص نیست، چالش‌های جدی برای صنعتگران ایجاد کرده است. صنعتگر در چنین شرایطی چاره‌ای جز تحمل ندارد. دولت برای کمک به صنعت کشور باید تصمیمات جدی بگیرد و ارکان حاکمیت همه یکدل، همگام و همسو حرکت کنند تا ثبات اقتصادی برقرار شود.

دولت با نظارت و کنترل دقیق در راستای مبارزه با قاچاق کالا و همچنین حمایت مالی می‌تواند از صنعت نساجی حمایت کند

سخن پایانی

بنا براین گزارش در صنعت نساجی ایران این ظرفیت وجود دارد که با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، بهبود کیفیت و کارآیی بتواند تولیدات خود را افزایش دهد و نقش و سهم بیشتری در توسعه اقتصادی کشور داشته باشد. این صنعت به‌دنبال توسعه صادرات و ورود به بازارهای جهانی است و در بخش‌هایی مانند فرش ماشینی توانسته ارزآوری خوبی برای کشور داشته باشد. با تمام اینها نگاه دولت به این صنعت از نوع درجه یک و با اولویت بالا نیست و همین باعث شده این صنعت از حمایت‌های مالی دولتی محروم بماند. در این شرایط انتظار می‌رود حمایت از صنعت نساجی از روی کاغذ به حمایت عملی تبدیل و به معنای واقعی دیده شود.

معدنکاری با بی‌برنامگی جامع

بـا توجـه به وجود توانمندی بالقوه سـرزمینی، ایران جزو چنـد تامین‌کننده مهم برخی مواد معدنی در جهان قرار گرفته اسـت؛ که از آن جمله می‌توان به مس، سـنگ‌آهن، سـنگ‌های نما، تزئینی و... اشـاره کرد. علاوه‌بر این، سرمایه‌گذاری‌های سـنگینی نیز در صنایع وابسته مانند فولاد، سیمان، ذوب مس و روی در طول دهه‌های گذشته انجام شده است.

اما به باور کارشناسـان، برای توسـعه بخش معدن به یک سـند جامع معدن نیاز است تا سـرمایه‌گذار، معدندار، صنعتگر و حتی بازار، چراغ راه به‌دست بگیرند و بیراهه نروند. در گزارش امروز نگاهی داریم به اهمیت تدوین برنامه جامع در بخش معدن که با وجود تاکید فراوان بر اهمیت آن، هنوز در پیچ و خم بروکراسی سرگردان مانده است.



عکس: آیدا فریدی

اساسی‌ترین چالش‌های بخش معدن

در گـزارش مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون لایحه هفتم توسـعه آمده اسـت بخش معدن با چالش‌هایی اساسی رو به رو است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های این بخش این است که احکام مرتبط با بخش معدن در برنامه توسعه بی‌آنکه از بعد نظری هدف خاصی را دنبال کنند، صرفا به‌صورت جسـته و گریخته به برخی مسـائل این حوزه پرداخته اسـت. همچنین این احکام هیچ ایـده‌ای برای حل مواردی همچون ضعف اکتشـافات معدنی، ناهماهنگـی موجود میان بخش معدن و دسـتگاه‌های اجرایـی موضوع ماده (۲۴) قانون معادن، فقدان راهبردهای توسـعه بخش معدن و صنایع معدنی برمبنای مطالعات آمایش سرزمین، نظام غیرشفاف و ناکارآمد حقوق دولتی معادن، مداخله گسـترده و غیرکارشناسـی دولت در تنظیم بازار محصولات معدنی و فلزی، فقدان نظام جامع تنظیم‌گری بخش معدن و صنایع معدنی نداشت. در بخش دیگری از این گزارش اشـاره شـده اسـت که: چالش فوق در لایحه برنامه هفتم توسعه نیز قابل مشاهده است؛ به‌طوری که باوجود برخی پیشرفت‌هایی که در امر سیاست‌گذاری بخشی مشاهده می‌شود، اگرچه تلاش شده است توسعه معدن و صنایع معدنی با نگاه زنجیره‌ای در این لایحه مدنظر قرار گیرد اما به‌دلیل عدم تطابق و تدقیـق هدف‌گذاری با اهداف توسـعه بخش و ضعف در تعیین تکلیف چالش‌های اصلی آن، نمی‌توان احکام لایحه در این بخش را کاملا اثربخش دانست.

معدن، تشنه برنامه جامع



عزیزاله عصاری، صاحب‌نظر حوزه معدن و فولاد گفت: بخش معدن و صنایع معدنی به‌عنوان یک بنگاه اقتصـادی مهـم در کشـور، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و اصولی اسـت. از همین رو مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شود آن است که برنامه فعلی بخش معدنی، اهداف و مسیر دستیابی به آن چیست و تا چه اندازه درحال‌حاضر عملیاتی شده است. به گفته وی، به طور تقریبی افزون‌بر ۶ میلیارد تن ذخایر معدنی در کشـور ما نهفته اسـت اما ماده اسـتراتژیک نفت باعث شده تا توجهات از معادن کشور به سوی دیگری متمرکز شود. به گزارش صمت، وی افزود: با وجود آنکه مناطق نفت‌خیز نسبت به معادن محدودتر است و ذخایر معدنی در سراسر کشور گسترده هستند، سهولت در دستیابی به منابع نفتی و بازار جهانی در دسترس، باعث شده تا اقتصاد کشور ما به نفت متکی شود. که این نوعی نقص در عملکرد فعالیت‌های اقتصادی و مدیریتی به شمار می‌رود.

عصاری خاطرنشان کرد که در صورت بهره‌برداری درست و مناسب از منابع معدنی و انجام فعالیت‌های معدنی با توجه به فناوری‌های به‌روز جهانی و همچنین توجه به مسائل و ملاحظات محیط‌زیستی، تحول اجتماعی، اشتغال، بهبود اقتصاد و ایجاد رفاه از جمله پیامدهای مهم و مثبتی است که در جامعه پدیدار خواهد شد. اما اقدامات مناسب معدنی و حصول به اهداف و پیامدهای یادشده، نیازمند یک برنامه جامع و راهبردی است تا فعالیت‌های این بخش را به سمت استفاده بهینه از معادن هدایت کند.

▣ برنامه جامع چیست؟

وی گفت: برنامه‌های جامع، نه‌تنها اهداف را مشـخص می‌کند بلکه هادی فعالیت‌ها اسـت. از این رو، می‌توان آن را نوعی یک رویکرد منطقی برای دسـتیابی به اهداف از پیش تعیین شـده تعریف کرد. وی افزود: بخش معدن و صنایع معدنی نیز به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی مهم در کشور ما، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و اصولی است.

به گفته عصاری بخش معدن کشور نیازمند برنامه‌ای است تا با بررسی مناطق توسط فناوری‌های روز جهانی، رگه‌های توده‌های معدنی شناسایی شده استخراج این ذخایر قطعی صورت گیرد. سپس براساس آن هدایت‌هایی مبنی‌بر استفاده صحیح از این منابع انجام شود.

ایـن صاحب‌نظـر حوزه معـدن ادامه داد: متاسـفانه ایـن برنامه درحال‌حاضر وجود ندارد و اگر هم در سـال‌های گذشـته برنامه‌های پراکنده و غیرمتمرکزی تدوین شـده، باید متناسـب با شرایط روز و فناوری‌های نوین، بازنویسـی شود. وی گفت: وجود برنامه‌های جامع معدنی باعث می‌شود تا سرمایه‌گذار تکلیف خود را در اقتصاد معدنی کشـور بداند و برنامه‌ریزی‌های این حوزه سـمت و سوی توسعه‌ای به خود بگیرد و از ذخایر معدنی به نحو بهینه‌ای استفاده شود.

این فعال معدنی افزود: تاثیر تدریجی بخش معدنی در اقتصاد کشـور مسـائل بازار داخلی و خارجی، نوع کانی‌های اثرگذار و اولویت‌بندی استخراج آنها مسائل مهمی است که باید در برنامه‌ریزی‌های جامع معدنی به آن پرداخته شود.

▣ آسیب‌های بی‌برنامگی

عصاری گفت: از جمله پیامدهای منفی نبود برنامه‌های جامع معدنی می‌توان به ایجاد نقایص متعدد در افق‌گذاری‌های بخش معدن و صنایع معدنی اشاره کرد. یکی از مسائل مهمی که امروزه در بخش زنجیره فولاد کشور مطرح می‌شود، افق‌گذاری دستیابی به تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در سال ۱۴۰۴ است. وی افزود: روش منطقی هدف‌گذاری‌های این‌چنینی و تحقق آن، طی کردن مسیر از بررسی معادن و سپس تولید در صنایع معدنی است. این فعال حوزه معدن گفت: تخصصی‌تر بود تا ذخایر سنگ‌آهن کشور بررسی می‌شـد و سـپس متناسب با ظرفیت و روش‌های استخراج موجود، این هدف‌گذاری صورت می‌گرفت؛ به عبارتی روند اصولی آن به این شـکل اسـت که ابتدا خوراک اولیه تخمین زده شـده و سپس افق‌گذاری و تبیین اهداف برای صنایع پایین‌دستی و زنجیره‌های مرتبط با آن صورت گیرد. اما درحال‌حاضر از انتها به ابتدا حرکت کرده و برای ۵۵ میلیون تن به دنبال تامین خوراک اولیه هستیم که منطقی به نظر نمی‌رسد.

عصاری افزود: به همین جهت می‌توان گفت کمبود برنامه جامع معادن مسـئله‌ای اسـت که در تمامی زنجیره معدنی اثرگذار بوده و باید به سمت تدوین این برنامه راهبردی حرکت کنیم.

اگر برنامه وجود داشت...



مدیرعامل یک شـرکت توسـعه معادن نیز گفت: کشـور ایران ۱ درصد از جمعیـت کل دنیـا را دارد و ۷ درصـد از منابع طبیعی جهان را در اختیار دارد، اما سهم تولید ناخالص داخلی کشور متاسفانه به زیر ۲ درصد رسیده است.

به گزارش معدن نامه، وحید سیدعلی ادامه داد: امروزه که برای مثال استرالیا بـا تخصیص ۱.۲ میلیـارد دلار، قریب ۱۷.۵ میلیون متـر حفاری می‌کند، در کشـورمان تنها ۵ میلیون متر حفاری صورت گرفته اسـت. این در حالی است که می‌دانیم میانگین متراژ حفاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در بحث اکتشاف معادن است.

وی افزود: ضعف دیگری که در صنعت معدن کشور مشاهده می‌شود مربوط به بحث آمایش سرزمین و نبود برنامه جامع معدنی در کشور است. اگر این برنامه وجود می‌داشت امروز شاهد این نبودیم که شرکت‌های معدنی به دنبال صنایع فولادی و شرکت‌های تولیدکننده فولاد، به دنبال تملک و بهره‌برداری از معادن باشند.

سخن پایانی

در همـه دوران در تمـام بخش‌های معدن و صنایع معدنی جای خالی سـند جامع معدن به طور واضح احسـاس می‌شـد، چراکه هر قسمت از این حوزه براسـاس سلایق و تصمیم‌های شخصی پیش می‌رفت و پنجره واحدی برای معدن تعریف نشـده بود که تمام بخش‌ها روی یک ریل مشـخص حرکت کنند. پس یکی از الزامات پیشـبرد چهار حلقه معدنی و صنایع معدنی که شـامل اکتشـاف، استخراج، بهره‌برداری و فرآوری است، تدوین استراتژی و برنامه معدنی مدون است.

به باور کارشناسـان بخش معدن تا به امروز بدون برنامه پیش آمده و این امر موجب شـده اسـت تا هر مدیری طبق سـلیقه و عقیده خود تصمیم بگیرد و هر بخش مطابق میل یک نفر حرکت کند که چنین شرایطی به حوزه معدن آسیب جدی وارد آورده و مانع دستیابی به نتایج مطلوب در این حوزه شده است، همچنین این موضوع باعث می‌شود که بخش معدن در خط ریلی درست حرکت نکند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

ESRPco شرکت تهیه و تولید مواد اولیه استقلال سپاهان

بدینوسـیله از کلیه سـهامداران محترم **شرکت تهیه و تولید مواد اولیه اسـتقلال سپاهان** (سهامی خاص) **به شماره ثبت ۱۱۶۲۵ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۳۲۶۷۳۹** و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در سـاعت ۱۰ صبح روز **دوشـنبه** مورخ **۱۴۰۲/۰۸/۰۱** در محل شـرکت تو کافولاد: واقع در اصفهان- میدان آزادی- خیابان هزار جریب - خیابان ششـم ملاصدرا- پلاک ۱۲/۱ تشـکیل می‌گردد حضور بهم رسـانند. ضمنا سهامداران محترم می‌توانند از طریق آدرس سایت به نشـانی www.skyroom.online/ch/tukaco/live از گزینه مهمان به صورت مجازی و آنلاین در این جلسـه شرکت نمایند و همچنین جهت اطلاع بیشتر به آدرس سایت شرکت www.Esteghlalsepahan.ir مراجعه فرمایند.

▣ دستور جلسه:

۱. تصمیم‌گیری درخصوص افزایش اعتبار مسئولیت‌های اجتماعی

هیات‌مدیره شرکت تهیه و تولید مواداولیه استقلال سپاهان (سهامی خاص)

آگهی مزایده عمومی

HOSCO شرکت فولاد هرمزگان

موضوع مزایده: فروش ۵۲۰.۰۰۰ کیلوگرم تیوب ریفورمر ضایعاتی

شرکت فولاد هرمزگان جنوب در نظر دارد اقلام مازاد خود را مطابق جدول ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. اشـخاص حقوقـی می‌توانند از تاریخ **۱۴۰۲/۰۷/۲۲** الی **۱۴۰۲/۰۸/۰۶** (به اسـتثنای ایام پنجشـنبه و تعطیل رسـمی) پـس از واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حسـاب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شـعبه گمرک بندرعباس - بنام شرکت فولاد هرمزگان جنوب و ارسال فیش واریزی به شـماره فکس **۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۵۵** و یا پسـت الکترونیک soleimani.m@hosco.ir نسبت به خرید اوراق، هماهنگی جهت بازدید از موضوع مزایده (حداقل ۴۸ ساعت قبل از حضور باید هماهنگی‌های لازم صورت پذیرد) و تحویل پاکت اقدام نمایند. لازم بذکر اسـت متقاضی بایسـتی در فیش واریزی شـماره مزایده را جهت دریافت اسناد مربوطه قید نماید همچنین درج شماره تماس الزامی می‌باشد.

شماره مزایده	شرح کالا	مقدار(کیلوگرم)	مبلغ ضمانت (ریال)
۰۲۰۴۰۱۴	تیوپ ریفورمر ضایعاتی	۵۲۰.۰۰۰	حداقل ۵ درصد مبلغ پیشنهادی

▣ جدول زمانی انجام مزایده:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت	تاریخ گشایش پاکت‌ها
۱۴۰۲/۰۷/۲۲	۱۴۰۲/۰۸/۰۶	۱۴۰۲/۰۸/۰۷ تا ساعت ۱۲:۰۰	۱۴۰۲/۰۸/۰۹

▣ محل تحویل پاکت‌ها و هماهنگی جهت بازدید: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده اسـکله شـهید رجایی، شـرکت فولاد هرمزگان جنوب، ساختمان هرمز ۱- اتاق ۱۰۹- واحد فروش خدمات و اقلام مازاد.

همچنین متقاضیان محترم برای آگاهی بیشـتر می‌توانند در سـاعات اداری با شماره تلفن **۰۷۶-۴۴۸۴۸۵۶۷** و یا **۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۰۳** داخلی **۸۵۶۷** تماس حاصل فرمایند و یا به سایت فولاد هرمزگان www.hosco.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

آگهی فراخوان مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای)

نوبت دوم شناسه ۱۵۷۸۶۳۶

شرکت ملی گاز ایران - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس‌جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۱۰۹۶۷۸۳۰۰۰۰۵۴
شماره مناقصه	۰۱/۴۱۲۳ (تجدید شده ۱)
موضوع مناقصه	تامین اقلام یدکی، بازسازی قطعات مسیر گاز داغ و تعمیرات و بازرسی سطح C تعداد سه دستگاه دوم توربین گازی SGT۴۰۰ واحد ۱۰۷ پالایشگاه چهارم مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۴۵.۶۱۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمیـن شـرکت در فراینـد ارجاع کار بصورت یکـی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شـماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۲۵.۶۶۸.۴۳۸.۸۴۹ ریال و ۵.۵۹۸.۹۵۷ یورو
آخریـن مهلت دریافت اسـناد ارزیابـی کیفی در سامانه ستاد	حداکثر ۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخریـن مهلت بارگذاری و ارسـال مسـتندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	حداکثر ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخریـن مهلـت بارگزاری پیشـنهادات مالی در سامانه ستاد	حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از توزیع صورتجلسه توجیهی قبل از پیشنهاد نرخ می‌باشد.
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه- پالایشگاه چهارم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی (فازهای ۶&۷&۸)- ساختمان اداری مرکزی پالایشگاه - خدمات پیمان‌ها

بدیهیاسـت کلیه فرآیند برگزاری مناقصـه الکترونیکی از طریق درگاه سـامانه تـدارکات الکترونیکـی دولت (سـامانه سـتاد) به نشـانی: WWW.SETADIRAN.IR انجـام می‌پذیرد وبه پیشـنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایسـتی نسـبت به ثبت‌نـام در سـامانه سـتاد و دریافت گواهـی امضاء الکترونیکـی اقدام نمایند. مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسـب اطلاعات بیشـتر به سـایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۰۷۷۳۱۳۱۶۵۹۰-۶۵۸۰ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ | روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت دوم ۳۸۲ الف

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر

برابـر **رای شـماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۰۲۰۰۸۹۳ مورخـه ۱۴۰۲/۰۴/۲۴** هیـات اول موضـوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و سـاختمانهای فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی برازجان صرفـات مالکانه و بلامعارض متعلق به **آقای رسـول مرادی فرزند عباس به شـماره شناسـنامه ۲۰۰ و شـماره ملـی ۱۲۰۹۱۲۸۷۳۱** صادره از سـمیرم **در ششـدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۱۷۶۴.۹۵ مترمربع قسـمتی از پلاک شـماره ۲ فرعی از ۷۳۸۰ اصلی واقع در بخش سـه بوشـهر حوزه ثبت ملک برازجان اراضی روستای تلـخ‌آب** خریداری شـده از **آقای عبـاس مرادی** به ایشـان واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود. در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشـته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسـید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض دادخواست خود را بـه مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ | تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

حمیدرضا باقرپور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان

مفقودی

برگ سـبز، سـند کمپانی و کارت خودرو سـواری پژو پارس بژ به شـماره پلاک ۳۵ ن ۳۲۲ ایران ۴۱ و به شـماره شاسی ۸۲۸۱۲۹۸۰ و به شماره موتور ۲۲۸۲۸۲۱۳۱۸۲ فضل اله جودکی مفقود گردیده و از اعتبار ساقط است.

خرم آباد

یادداشت

تجارت مطمئن و سودآور



علی سلگی
کارشناس و فعال حوزه معدن

هیات‌وزیران سال گذشته و در ادامه تصویب آیین‌نامه‌های حمایت از تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین دستگاه‌های اجرایی، آیین‌نامه حمایت از تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در حوزه‌های مرتبط با وزارت صنعت، معدن و تجارت را به‌تصویب رساند.

از جمله اهداف آیین‌نامه یادشده، به موارد زیر اشاره شده است. ارتقای تولید دانش‌بنیان در بنگاه‌های تولیدی و کسب‌وکارهای صنعتی ـ معدنی، تحقق همپایی در فناوری‌های پیشران حوزه صنعت، معدن و تجارت، کمک به رفع مسائل راهبردی کشور از طریق فناوری و نوآوری، پیش‌بینی و بازارسازی محصولات صنعتی، مدیریت و راهبری ابزارهای تامین مالی تحقیق و توسعه و توسعه فناوری ویژه بنگاه‌های صنعتی ـ معدنی، استفاده از دانش و فناوری‌های روز جهانی و همچنین، اتصال محصولات فناورانه داخلی به بازارهای جهانی و قرار گرفتن در زنجیره‌های بین‌المللی و افزایش حجم بازار تولیدات و توسعه صادرات، است.

آنچه باید در راستای توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان در نظر داشت، این است که دانش فنی حوزه معدن در ایران از سطح قابل‌قبولی برخوردار است و اگر سیاست‌گذاری‌های درستی در این زمینه وجود داشته باشد و شرکت‌هایی که خدمات فنی در حوزه معدن ارائه می‌دهند، موردحمایت قرار گیرند، به‌طورقطع می‌توانیم یکی از صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی به دیگر کشورها باشیم. خوشبختانه در حال حاضر ما مشکلی در زمینه تامین ابزارآلات نداریم و بسیاری از آنها در ایران ساخته می‌شوند. آنچه حوزه معدن ما از آن رنج می‌برد، مشکل مدیریتی است. در حالی که بسیاری از کشورهایی که روابط خوب و دوستانه‌ای با کشور ما دارند، از منابع‌طبیعی غنی و ارزشمندی برخوردار هستند، اما در زمینه دانش فنی ضعف‌های جدی دارند. این کشورها می‌توانند مشتریان بالقوه توان متخصصان و دانش‌آموختگان ما باشند. اما پیش از آنکه اقدام مستقیمی در این زمینه انجام گیرد، لازم است دولت پا پیش گذارد، سرمایه‌گذاری جدی انجام دهد، مقدمات کار را ایجاد کند و تسهیلات لازم را فراهم آورد. مشکل بزرگی که در حال حاضر وجود دارد، این است که ما در کشورهای دیگر و مارکت جهانی حضور نداریم و دانش و توان ما شناخته‌شده نیست. برای مثال، یک شرکت دانش‌بنیان را در نظر بگیرید که بتواند خدمات مختلف فنی ـ مهندسی ارائه دهد و از دانش خود استفاده کند و نقش مشاور را در پروژه‌های برون‌مرزی برعهده بگیرد. اگر این شرکت برای مثال بخواهد در کشور عراق حضور یابد و فعالیت کند، با شرایط اقتصادی و سیاسی موجود به‌تنهایی توان و امکان این کار را دارد؟ پاسخ منفی است. از قدم اول که اخذ ویزا است با مشکل و گرفتاری روبه‌رو خواهد شد؛ مانند موضوع تامین هزینه، حمایت داخلی، مشکلات امنیتی و چالش‌هایی مانند آن. دیگر توانی باقی نمی‌ماند تا این مجموعه بتواند با رقیبی که برای مثال از ترکیه می‌آید و هم از حمایت کشورش برخوردار است و هم ضمانت، امتیاز و مشوق‌های متعددی دریافت کرده، رقابت کند. بنابراین تردیدی نیست که هیچ شرکتی، چه صنعتی باشد و چه معدنی یا دانش‌بنیان، بدون استفاده از سازکارهای حمایتی نمی‌تواند پا در این میدان بگذارد و چنین ریسکی را تقبل کند. به‌نظر می‌رسد مشکل مدیریتی در این میان مانع برخورداری از توان فنی و دانش تئوری وجود دارد و به‌گمان من، مشکلات مدیریتی جدا از مشکلات و چالش‌های قانونی نیست، زیرا قوانین ابزار مدیریت است. وقتی گفته می‌شود مشکل اصلی کشور ما چالش‌های مدیریتی است، به این معنا است که با مجموعه‌ای از کم‌وکاستی‌ها و چالش‌های نرم‌افزاری دست به گریبان هستیم که راه را برای استفاده از فرصت‌ها سد کرده است. از بخشنامه و قوانین گرفته تا نگاه مدیران و سیاست‌های کلی که برای یک حوزه تعریف شده است و آگاهی یا ناآگاهی مدیران، همه و همه در این حوزه مداخله دارند و حلقه‌ای از زنجیره ناکارآمدی هستند.

خلاصه اینکه، مجموعه‌ای از قوانین و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های معیوب و ناکارآمد دست به‌دست هم داده‌اند و اجازه عرض‌اندام به شرکت‌های دانش‌بنیان را نمی‌دهند تا خدمات لازم را به کشورهای جهان به‌ویژه همسایگان منطقه‌ای ارائه دهند. ارائه خدمات یکی از سودآورترین حوزه‌ها برای کشورهای صاحب دانش است. به‌عنوان‌مثال، بخش بزرگی از درآمدهای ملی کشوری مانند هندوستان از طریق ارائه خدمات نرم‌افزاری حاصل می‌شود. بنابراین، تجارت توانایی علمی و خدمات فنی و مهندسی کارشناسان کشور ما هم روشی بسیار مطمئن و سودآور برای کسب درآمد پایدار به‌شمار می‌رود، اما برای دستیابی به این مهم و برخورداری از ثمره رشد دانش فنی و مهندسی نیازمند آن هستیم که تدابیری کلان اندیشیده شود. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های نرم‌افزاری و دانش‌بنیان در کشور وجود دارند که خدمات متنوعی به بزرگ‌ترین هلدینگ‌های داخلی ارائه می‌دهند، اما متاسفانه جای آنها در بازار بین‌المللی خالی است، زیرا یا در دنیا شناخته‌شده نیستند و حضوری ندارند یا در موارد معدود، راه خود را با اتکا به توان شخصی باز کرده‌اند و وجهه عمومی و ملی ندارند. به این منظور، لازم است تسهیلات حمایتی، تشویقی برای این شرکت‌ها در نظر گرفته شود و از معافیت‌هایی برخوردار شوند تا توان بالقوه آنها به فعل درآید و فرصتی برای ارائه خدمات در عرصه بین‌المللی پیدا کنند.

در گزارش صمت درباره ضرورت آموزش تخصصی قضات در بخش معدن مطرح شد

دمیدن روح عدالت در کالبد معدن

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

سال‌هاست که یکی از مهم‌ترین گلایه‌های معدنکاران، ناآشنایی قضات با قوانین معدن و آیین‌نامه‌های اجرایی است که سبب بروز اختلافات زیاد یا حتی صدور احکام ضدونقیض یا خلاق قوانین شده است که حل‌وفصل و تغییر آنها، زمان و هزینه زیادی را به بخش معدن تحمیل می‌کند.

محمدرضا بهرامن، رئیس خانه معدن ایران چندی پیش بااشاره به این موضوع، به ایرنا گفت: باتوجه به نبود شعب تخصصی قضایی در بخش معدن و همچنین آشنا نبودن بسیاری قضات با دانش و تخصص لازم این بخش، شاهد بودیم در برخی موارد تصمیمات نادرستی اتخاذ و رأی‌ها نادرستی صادر می‌شد که این مسئله هم به حاکمیت و هم به فعالان بخش خصوصی ضربه می‌زد. با شناخت این ضرورت از چندی پیش تشکل‌های معدنی از جمله خانه‌معدن ایران دوره‌های آموزشی برای آشنایی قضات با دانش روز بخش معدن برگزار شد.

در گزارش امروز صمت به این موضوع پرداخته‌ایم و نظرات بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع‌معدنی اتاق ایران و شهرام شریعتی، عضو هیات‌رئیسه کمیسیون معادن خانه صنعت، معدن و تجارت ایران را درباره اهمیت این اقدام و بایدها و نبایدهای آن جویا شدیم.



عکس: آیدا فریدی

تبعات ناآشنایی با قوانین معدن

بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع‌معدنی اتاق ایران: یکی از معضلات اصلی که بخش معدن با آن درگیر است، ناآشنایی قضات با بخش معدن و قوانین و ضوابط آن است.

به‌عبارت دیگر، باوجود اینکه ما در کشور قانون مستقلی برای معادن داریم، اما مشاهده می‌شود بسیاری از قضاتی که در دادگاه‌ها مشغول فعالیت هستند، آشنایی چندانی با قوانین معدن و آیین‌نامه‌های اجرایی ندارند و در نتیجه، احکامی که صادر می‌شود با قوانین معدنی مغایرت دارد.

مسئله احقاق حق

به‌فرض‌مثال و براساس ماده ۲۲ قانون معادن، فعالان مدنی اجازه دارند که اگر در محدوده فعالیت‌شان، زمینی متعلق به منابع‌طبیعی یا به‌عبارت‌دیگر از اراضی ملی، زمین‌های کشاورزی یا دارای مالک شخصی وجود داشته باشد، در صورتی که ظرفیت معدنی داشته باشد یا برای انباشت باطله استفاده از آن ضرورت پیدا کرده باشد، باید توجیه اقتصادی و گزارش فنی آن نوشته شود و وقتی به تایید سازمان صمت در استان مربوطه رسید، فعال معدنی می‌تواند با صاحب زمین وارد مذاکره شود و توافق وی را برای اجاره یا خریدار زمین کسب کند و فعالیت معدنی موردنظر خود را ادامه دهد، اما اگر توافقی به‌عمل نیامد، فعال معدنی می‌تواند از طریق دادگاه، کارشناسی دعوت کند و کارشناس دادگستری پس از بازدید، روی زمین قیمت‌گذاری کند و معدندار می‌تواند در نهایت با واریز این وجه به حساب اداره ثبت، زمین را مورد استفاده قرار دهد.

این موضوع به‌صراحت در قانون نوشته شده است و براساس استعلاماتی که از قوه قضائیه گرفته است، کاملا روشن شده است که این اقدام از جمله موارد تصرف عدوانی در نظر گرفته نمی‌شود و در نهایت، زمین به تصرف مالک معدن یا بهره‌بردار معدن درمی‌آید تا بتواند از آن استفاده کند، اما در بعضی از موارد، قضاتی که آشنایی چندانی با قانون معادن نداشتند، احکامی تحت‌عنوان تصرف عدوانی صادر کرده‌اند. این تنها یک نمونه از مواردی است که بر اثر نبود آشنایی با قانون، در زمینه پرونده‌های معدنی اتفاق می‌افتد و در بقیه موارد هم، اوضاع به همین منوال است. به‌عنوان‌مثال، می‌توان گفت قانون به‌صراحت حکم کرده است، در مواردی که معارضان محلی مشکلاتی برای معدندار ایجاد می‌کنند، نیروی انتظامی باید مداخله و از فعالان معدنی و اقتصادی حمایت کند و در دادگاه هم، باید از معدندار یا بهره‌بردار معدن حمایت‌های لازم صورت گیرد.



نقش پررنگ قوه قضائیه

مسلم است که قوه قضائیه می‌تواند نقش بسیار پررنگی در زمینه جلوگیری از سوءبرداشت‌ها، ایفا کند و توری حمایتی از فعالان اقتصادی که سرمایه‌گذاری و اشتغال را در منطقه ایجاد کرده و باعث توسعه منطقه شده‌اند، پدید آورد و آنها را موردحمایت قرار دهد تا سرمایه‌گذاران این بخش بتوانند در مقابل معارضان دولتی و خصوصی تاب بیاورند و حقوق قانونی فعالان این بخش با صدور احکام درست به آنها بازگردانده شود.

زیرا توسعه فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش معدن در گرو همین موضوع است. در نتیجه، هرچقدر بتوانیم قضات را به مباحث و قوانین در حوزه اقتصاد به‌ویژه قانون معادن آشنا کنیم، به‌طبع راهگشای مشکلات خواهد بود و به توسعه بخش معدن کمک بیشتر خواهد کرد.

> هرچقدر بتوانیم قضات را به مباحث و قوانین در حوزه اقتصاد به‌ویژه قانون معادن آشنا کنیم، به‌طبع راهگشای مشکلات خواهد بود

تخصص برای حل مشکلات خاص

شهرام شریعتی، عضو هیات‌رئیسه کمیسیون معادن خانه صنعت، معدن و تجارت ایران: وقتی کشوری در یکی از زمینه‌های صنعتی قدرتمند می‌شود؛ چه کشاورزی باشد، چه معدن، چه خودروسازی و...، خواه‌ناخواه با اختلافات، مشکلات و تضادهایی اختصاصی روبه‌رو خواهد شد و متخصص قانون باید آنها را به‌طورتخصصی موردبررسی و رسیدگی قرار دهد.

نکته مهم این است که علم قضا، ویژگی‌های خاصی دارد که رسیدگی به آن از توان یک مهندس، پزشک یا دیگر فعالان حوزه‌های تخصصی دیگر خارج است. بنابراین، آشنایی قضات با بخش معدن اهمیت بسیاری دارد.

ابعاد و اهمیت

در دهه‌های گذشته، قضات وقتی می‌خواستند موضوعاتی تخصصی را حل‌وفصل کنند، از کارشناسان رسمی دادگستری کمک می‌گرفتند که بعدها و در چند سال گذشته، کارشناسان قوه قضائیه هم به این افراد اضافه شدند، هرچند کارشناسان کانون کارشناسان رسمی دادگستری، قابلیت بیشتری در این زمینه دارند و این موضوع به‌تدریج خود را نشان داده است، به این ترتیب، قضات می‌توانستند به مسائل تخصصی از جمله احتلافات معدنی ورود کنند.

پس هنوز نخستین روش این است که قضات به کارشناسان رسمی دادگستری اعتماد کنند. البته امروزه به دلایلی این روش توصیه نمی‌شود، زیرا در سال‌های گذشته، چه از طریق کارشناسان قوه قضائیه، چه از طریق کارشناسان خبره و چه از طریق کانون کارشناسان دادگستری با مشکلاتی روبه‌رو شده است.

روش دیگر این است که قضات خود وارد بخش معدن شوند. همان‌طور که گفته شد، علم قضا فعالیتی برپایه علم و دانش است، اما معدن هم فعالیتی کاملا علمی و تخصصی است.

بنابراین این موضوع، باید از چند جنبه موردبررسی قرار گیرد.

معدنکار قاضی یا قاضی معدنکار

پس مسئله مهم این است که آیا ما می‌توانیم قاضی‌هایی تربیت کنیم که به علم معدن اشراف داشته باشند یا معدنکارانی پرورش دهیم که به علم قضا آشنایی داشته باشند. از نظر من، هردو امکان‌پذیر است. به‌عبارت‌دیگر، ما می‌توانیم قضاتی با توانمندی‌های تخصصی در بخش‌های مختلف پرورش دهیم و از سوی دیگر، می‌توانیم از علم و دانش کارشناسان خبره استفاده کنیم. علاوه بر این، می‌توانیم از هیات‌های قضایی استفاده کنیم که در آنها، ۲ قاضی، ۲ نفر از خبرگان معدنی و یک نفر به‌عنوان هد گروه حضور داشته باشند و این هیات ۵ نفره را مسئول قضاوت در یک پرونده معدنی قرار دهیم.

امروز هم دیر است

مشکلات معدنی روزبه‌روز در حال افزایش است. از یک‌سو، تخلفات بخش معدن دامنه بیشتری پیدا کرده و از سوی دیگر، کشمکش‌های میان دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های ذی‌ربط مانند سازمان محیط‌زیست و... بیشتر شده است. علاوه بر این، چالش میان معارضان محلی معدنکاران یا اختلاف که بین معدنکاران مجاور و... امروزه به‌شدت رو به افزایش است. پس چنین هیات‌هایی می‌توانند بسیار کارگشا باشند و وجود قضات توانمند و صاحب دانش در حوزه معدن بسیار ضرورتی است و از نظر من، تا حدی دیر هم شده، زیرا اختلافات بسیار زیادی وجود داشته که گاهی نادیده گرفته شده و گاهی رأی به‌نفع فرد یا گروهی داده شده است که درباره اختلاف موجود، صاحب حق نبوده‌اند.

سرفصل‌های آموزشی

پیش از این هم اشاره شد که معدن خودش یک علم است و قضاوت هم علمی دیگر، بنابراین آموزش‌های عمومی درباره قوانین معدن، منابع‌طبیعی، محیط‌زیست، آیین‌نامه اجرایی معدن، ایمنی معادن و... مسائلی است که باید قضات در جریان جزئیات آن قرار داشته باشند و اگر دادگاه‌های ویژه‌ای، چیزی شبیه دادگاه‌های نظامی یا دیگر دادگاه‌های ویژه، تشکیل شوند، می‌توانند مستشارهایی داشته باشند که در زمینه معدن و صنایع‌معدنی خبره باشند و به قاضی در صدور رأی کمک کنند. همان‌طور که در دیوان عالی کشور مستشارانی داریم که به قاضی برای اخذ تصمیم نهایی کمک می‌کنند. بنابراین، برگزاری دوره‌ها و آموزش‌هایی از نظر من بسیار جدی است. زیرسهم معدن در جی دی پی، باوجود اینکه در حال حاضر یک درصد است، باز هم قابل‌توجه است و از آنجایی که بخش خصوصی به حوزه معدن ورودی جدی داشته و به‌تبع آن، مشکلاتی بسیار جدی در زمینه معارضان محلی و سایر مشکلات و موانع حاشیه معدن به‌وجود آمده است، باید مسائل با دقت و مهارت بیشتری موردبررسی قرار گیرد. علاوه بر این، موضوع حقوق دولتی مطرح و بسیار مهم است، زیرا وجوهی مربوط به بیت‌المال است.

دوره‌های خانه‌معدن

از چندی پیش خانه معدن، اقدام به برگزاری دوره‌هایی در این زمینه کرد که بسیار مفید و مهم بوده است، اما قطعا کافی نیست. این قدم اول را خانه معدن برداشته است که به‌نظرمن، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد، اما این دوره‌ها باید برای قضات برگزار شود. همین‌طور لازم است کارشناسان مورداعتماد قوه قضائیه در این زمینه آموزش ببینند و نیروهایی پرورش یابند که بتوانند در این زمینه ورود پیدا کنند. وقتی خانه‌معدن چنین دوره‌هایی برگزار می‌کند، بیشتر مخاطب آن، معدنکاران و هدف آشنایی آنها با قوانین معدنی است نه آشنایی قضات با قوانین معدن و اگر هم مواردی بوده، فقط در حد آشنایی بوده و منجر به پرورش قضات متخصص در زمینه معدن نشده است، زیرا دوره‌هایی می‌توانند سودمند و کارآ باشند که مثل دوره‌های مدیریتی، حداقل ۳۰۰ یا ۵۰۰ ساعت زمان داشته باشند و در ۳ مرحله مقدماتی پیشرفته و فوق‌پیشرفته تعریف شده باشند. بنابراین قاضی باید ۲ تا ۴ سال از وقت خود را برای آموزش در این زمینه بگذارد و در این بعد، متخصص شود.

همان‌طور که پیش از این هم اشاره کردم، باید در دادگستری‌های شهرستان‌های بزرگ یا دادگستری‌های مراکز استان‌ها، شعب رسیدگی به مسائل معدنی راه‌اندازی شود و قوه قضائیه باید رأسا به این موضوع ورود کند.

در گذشته، هم در مصاحبه‌ای با روزنامه شما به این نکته اشاره کرده بودم که دادستان‌ها باید به موضوع حقوق دولتی ورود پیدا کنند، زیرا به‌نظر می‌رسد، هم دولت گاهی در حق معدنکاران اجحاف روا می‌دارد و هم برخی معدنکاران از قوانین تخطی می‌کنند و همه مسائل را نمی‌توان به دیوان عدالت اداری یا سازمان بازرسی کل کشور ارجاع داد.



قوه قضائیه باید به این موضوعات به‌صورت قدرتمند ورود پیدا و مسائل و مشکلات را مرتفع کند. ورود خانه‌معدن و تشکل‌های بخش خصوصی که اصلی‌ترین آنها خانه معدن است، به این مسئله می‌تواند بسیار سودمند باشد و این اقدام گام ارزشمندی در این راستا است.

برگزاره دوره‌های آموزشی

برگزاری دوره در این کشور ما رواج دارد، بنابراین هر دوره‌ای با هر محتوایی می‌توان برگزار کرد، اما در صورتی مفید است که هدفمند باشد. باید در دوره اول حداقل ۳۰ تا ۳۵ قاضی حرفه‌ای پرورش یابند که در دادگستری‌های ۳۰ استان حضور یابند و در طرف مقابل هم، معدنکاران و وکلا با قانون معدن آشنایی بیشتری پیدا می‌کنند.

مسئله این است که ادبیات معدن و صنایع‌معدنی، قانون و آیین‌نامه اجرایی معدن و قوانین ایمنی لزوما در دروس عمومی قضات جایی ندارد. بنابراین، با یک قانون حقوقی یا کیفری می‌توان معدنکاری که صاحب حق است را محکوم کرد، کمااینکه این اتفاق افتاده است و نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان برشمرد.

بعضی از دادستان‌ها در زمینه حقوق دولتی وارد شده‌اند. برخی دیگر در حوزه محیط‌زیست و منابع‌طبیعی و معدنکار هم باید آموزش ببینند تا بدانند حداقل کارهایی که می‌توانند بکنند تا قوانین را رعایت کنند و در این زمینه، دچار مشکل نشوند و به هر دلیلی، جلوی مشکلات گرفته شود. بنابراین باید به‌طورکلی و عمومی با قوانین حوزه معدن آشنا باشد، بنابراین باید قوانین به‌صورت مشروح برای معدنکاران توضیح داده شود و این کاری است که سازمان نظام مهندسی معدن سال‌ها است در اولویت خود قرار داده است و معدنکاران را آموزش می‌دهد. همین‌طور موسسات آموزشی اتاق بازرگانی و تشکل‌های خصوصی هم، چنین دوره‌هایی برگزار می‌کند و نمونه‌های زیادی در این زمینه وجود دارد، اما منظور این است که حداقل ۳۰نفر متخصص باید در مرحله اول در این زمینه تربیت شوند که بتوانند مشکلات را تا حد امکان برطرف کنند.

ناآشنایی و آسیب‌های آن

آسیب‌های ناآشنایی با معدن و قوانین و ضوابط آن همین وضعیتی است که امروز شاهد آن هستیم؛ برای مثال، اتفاقاتی که معارضان محلی پدید می‌آورند و به آن دامن می‌زنند.

یک نکته دیگر که باید به آن اشاره کنم، مغفول ماندن وحدت رویه در احکام مربوط به بخش معدن است. به‌عبارت‌دیگر، در قوانین کشور موضوعی به نام وحدت رویه وجود دارد، با این حال، موارد متعددی وجود دارد که برای معدنکاری در یک استان یا روستایی یک رأی صادر شود و برای همان موضوع در استان دیگری، رأی دیگری صادر شود که به‌نظرمن، خلاف اصل وحدت رویه است و باید با آموزش تخصصی قضات، این موارد را کاهش داد تا احکام به روح عدالت قضایی نزدیک‌تر شوند.

> باید در دادگستری‌ها شعب رسیدگی به مسائل معدنی راه‌اندازی شود و قوه قضائیه باید رأسا به این موضوع ورود کند

سخن پایانی

مشکلات قضایی حوزه معدن یکی از دغدغه‌های مهم بهره‌برداران است و بر این اساس، آشنایی قضات با مجموعه قوانین و آیین‌نامه‌های حقوق معادن و تاکید بر قوانین و آیین‌نامه‌های حوزه معدن، باعث آشنایی بهتر قضات در رسیدگی پرونده‌های این حوزه خواهد شد.

جنگ با بازار طلا و سکه چه کرد؟

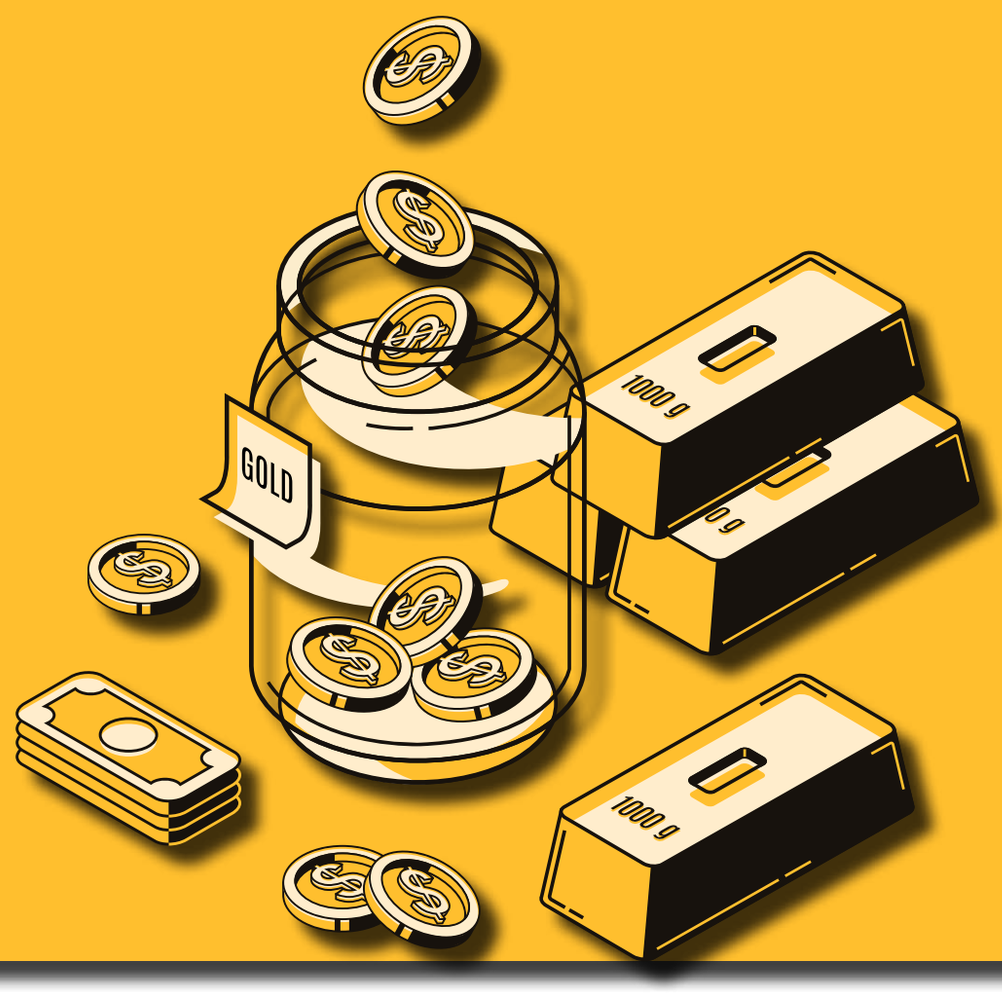
قیمت سکه امامی (تا ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه)

- فروردین: ۳۱.۵۰۰.۰۰۰ تومان
- اردیبهشت: ۳۱.۹۰۰.۰۰۰ تومان
- خرداد: ۳۰.۳۰۱.۰۰۰ تومان
- تیر: ۲۸.۸۰۱.۰۰۰ تومان
- مرداد: ۲۷.۶۹۵.۰۰۰ تومان
- شهریور: ۲۷.۸۴۰.۰۰۰ تومان
- مهر: ۳۱.۰۰۰.۰۰۰ تومان

طلا (هر گرم طلا ۱۸ عیار)



- تیر: ۲.۳۰۹.۸۰۰ تومان
- مرداد: ۲.۳۲۴.۱۰۰ تومان
- شهریور: ۲.۳۴۷.۰۰۰ تومان
- مهر: ۲.۴۷۷.۱۰۰ تومان



اینفوگرافی: سامان شرف‌الدین

نوبت اول

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران در نظر دارد

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه پروژه : کلاله – احداث تاسیسات سوختگیری هواپیمایی به روش EPC به شماره ۲۰۰۲۰۹۲۹۳۵۰۰۰۰۸۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی و انجام مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشایی پاکات نرخ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

تاریخ انتشار فراخوان ارزیابی کیفی : ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

مهلت زمانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی ساعت ۱۶ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

مهلت زمانی پایان استعلام ارزیابی کیفی: تا ساعت ۱۶ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : تهران– خیابان ایرانشهر شمالی–نبش خیابان شهید برادران شاداب ـ شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران ، طبقه سیزدهم، امور پیمان ها تلفن : ۸۴۱۲۱۴۴۲

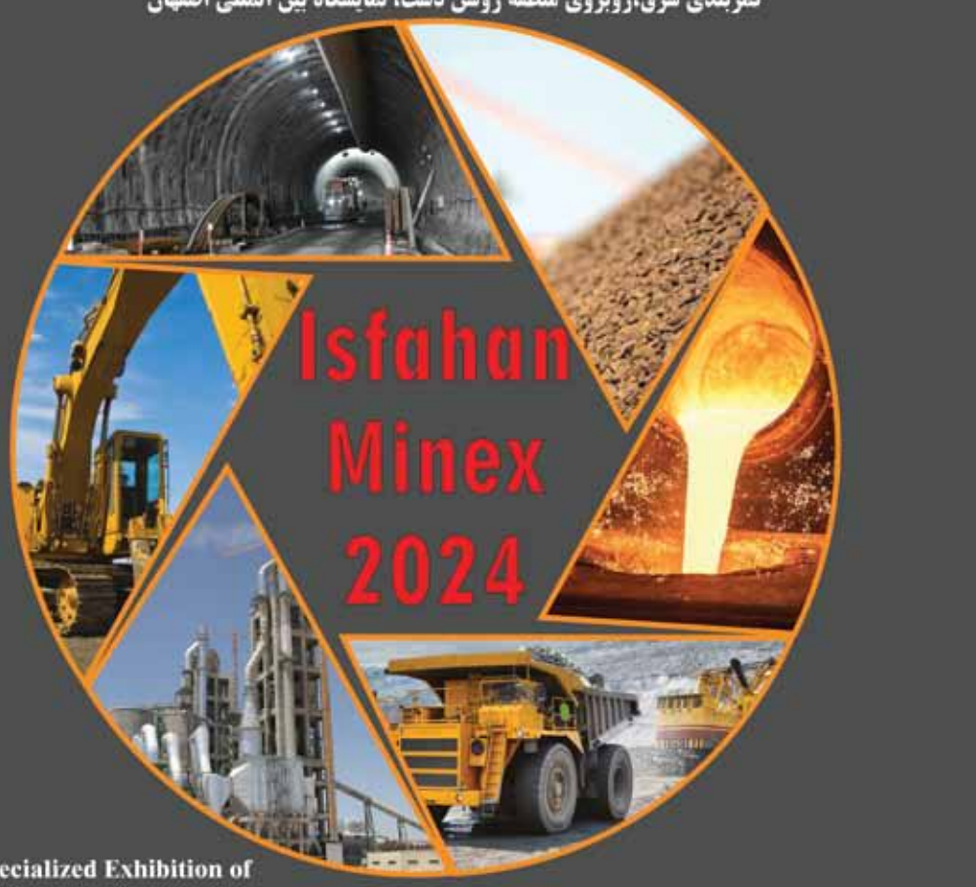
۱ـ تصویر اساسنامه شرکت
۲ـ تصویر آگهی تاسیس شرکت مندرج در روزنامه رسمی
۳ـ تصویر آخرین تغییرات شرکت مندرج در روزنامه رسمی
۴ـ تصویر گواهینامه صلاحیت پیمانکاری از سازمان برنامه و بودجه
۵ـ تصویر برابر با اصل گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۶ـ برای پروژه های طرح و ساخت (طراحی– تامین کالا و اجراء) مناقصه گزار می بایست از خدمات پیمانکاران دارای شرایط بند ۱ـ۶ یا ۲ـ۶ ذیل استفاده نماید:
۱ـ۶ پیمانکاران دارای گواهینامه صلاحیت و رتبه بندی طرح و ساخت (EPC) در رشته نفت و گاز (زیر رشته خطوط انتقال نفت و گاز)
۲ـ۶ پیمانکاران دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه ۴ در رشته نفت و گاز (زیر رشته خطوط انتقال/ ذخیره نفت و گاز) و مشاور دارای گواهینامه صلاحیت مشاوره در رشته نفت و گاز (زیر رشته خطوط انتقال نفت و گاز) با پایه حداقل ۳ از سازمان برنامه و بودجه کشور به صورت مشارکت
۷ـ تصویر مشارکت نامه (در مورد متقاضیانی که بصورت کنسرسیوم یا سایر اشکال مشارکت می باشند) خاطر نشان میگردد درصورت ارائه مشارکت نامه و استفاده از مشاور دارای گواهینامه صلاحیت مشاوره در رشته نفت و گاز (زیر رشته خطوط انتقال نفت و گاز) با پایه حداقل ۳، شرکت یاد شده(مشاور) می بایست نسبت به تکمیل کلیه فرم های ارزیابی کیفی اقدام نماید ولی ملاک استفاده از شرکت یاد شده فقط گواهینامه صلاحیت مشاوره در رشته نفت و گاز (زیررشته خطوط انتقال نفت و گاز)، با پایه حداقل ۳ خواهد بود ضمن انکه در فرم هایی ارزیابی کیفی، فرم شماره ۶ (دانش و تجربه در زمینه مطالعه و طراحی) بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط شرکت مشاور بررسی و امتیازدهی خواهد شد و در بقیه فرم ها ارزیابی کیفی(شماره ۱،۲،۵،۱۰،۱۴،۱۵ ، ۷) ملاک امتیازدهی، اطلاعات ارائه شده توسط شرکت مجری(پیمانکار دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه ۴ در رشته نفت و گاز (زیر رشته خطوط انتقال/ ذخیره نفت گاز) خواهد بود.
۸ـ ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ توسط سازمان حسابرسی یا اعضاء جامعه حسابداران رسمی
۹ـ کسب حداقل امتیاز ۳۰ درصد توان مالی
۱۰ـ کسب حداقل امتیاز ارزیابی کیفی و ارزیابی HSE (۶۰) می باشد.
۱۱ـ تمامی صفحات فرمهای خوداظهاری ارزیابی کیفی می بایست توسط صاحبان امضاء مجاز تائید گردیده و ممهور به مهر گردند.
۱۲ـ مستندات مربوط به اطلاعات مندرج در فرم های ارزیابی (تجربه، حسن سابقه، توان مالي، توان تجهیزاتی و ...)
۱۳ـ برآورد اولیه پروژه مبلغ ۶۵۰/۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد .
۱۴ـ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مبلغ ۲۱/۷۰۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که بر اساس آئین نامه تضمین در معاملات دولتی قابل ارائه می باشد.
۱۵ـ مدارک ارزیابی کیفی و HSE به صورت جداگانه در سامانه ستاد بارگذاری گردد.

ضمناً آگهی در سامانه های monaghese.niopdc.ir و http://iets.mporg.ir بخش مناقصات ستاد صرفاً جهت اطلاع قابل رویت می باشد.

اطلاعات تماس سامانه ستاد:
مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸

شناسه آگهی : ۱۵۸۳۷۵۸ روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

سیزدهمین نمایشگاه تخصصی
زنجیره تأمین معدن، سیمان، فولاد، تونل سازی، راهسازی، ماشین آلات و تجهیزات وابسته
۱۲ لغایت ۱۵ دی ماه ۱۴۰۲ ساعت بازدید: ۱۵ الی ۲۱
کمربندی شرق، روبروی منطقه روشن دشت، نمایشگاه بین المللی اصفهان



The 13th Specialized Exhibition of
The Supply Chain of Mining, Cement, Steel, Tunneling, Road Construction, Machinery & Related Equipment
2-5 January 2024 Visiting Hours : 15-21 Isfahan International Exhibition Center, Iran
+989120295791 Rastakmining.events info@rastak-expo.com
Organizer: Rastak Pad Vision Co. Tel:(+98) 21 88346455 -7 www.rastak-expo.com
برگزار کننده : رستاک پادویژن تلفکس : ۷-۸۸۳۴۶۴۵۵ ۹۸۲۱+

با ما
سبک زندگی اقتصادی
را گسترش دهید
www.Gostaresh.news پایگاه خبری «گسترش نیوز»

گزارش میدانی صمت از بازار رشت

بهشت شهر باران



کیمیا ملکی: همزمان که باران روی شیشه می‌زند و صدای کشیده شدن تیغه برف‌پاک‌کن به داخل ماشین می‌آید، اپلیکیشن مسیریابی را با آن صدای معروفش روشن می‌کنیم؛ «شروع به حرکت کنید». مقصد؛ بازار رشت. در مسیر بازار با آن کوچه‌های شلوغ و باریک جای پارک نیست، در نتیجه باید به‌دنبال پارکینگ بگردیم. چند پارکینگ در اطراف بازار رشت وجود دارد که بهتر است به‌محض دیدن نزدیک‌ترین پارکینگ، ماشین خود را در آنجا پارک کنید. حال که کمی از شدت باران کم شده، فرصت خوبی برای پیاده شدن و رفتن به‌سمت بازار رشت یا به زبان خودشان «رشت بازار» است. به‌محض پیاده شدن، بوی خوش غذای گیلکی به مشامم رسید؛ از رستوران کنار پارکینگ بود که خانمی میانسال با روپوشی سفید در مقابل آن نشسته و انتظار مشتری می‌کشد. مقصد من بهشتی در رشت است؛ آن هم حوالی معروف‌ترین خیابان شهر.

سرآغازی بازار رشت

بازار رشت با ۲۴ هکتار وسعت، بزرگ‌ترین بازار روباز کشور شناخته می‌شود. البته هنوز هم در رابطه با زمان تاسیس این بازار ابهاماتی وجود دارد و برخی دوران صفویه و برخی دیگر دوران زندیه را زمان بازگشایی بازار می‌دانند. اما با این حال شاید بتوان گفت اوج شکوفایی بازار رشت در دوران قاجار و پهلوی با ساخت ۱۴ کاروانسرای اصلی رخ داده است. بازار رشت، مانند تمام بازارها در هر شهر، نمادی از تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم آن شهر است. این بازار محل فروش انواع کالاهای سنتی و اصیل، مواد غذایی و البسه‌های سنتی است که به‌دلیل جاذبه‌های طبیعی، مسافران و گردشگران زیادی این شهر را به‌عنوان مقصد تفریح و گردش انتخاب می‌کنند. بازار سنتی رشت که در مرکز و بافت قدیمی شهر قرار دارد، از میدان بزرگ، میدان کوچک، راسته‌ها، چهارسوق‌ها، مسجد و چندین کاروانسرا تشکیل شده است. هر کاروانسرا در واقع یک کانون بازرگانی در این بازار شناخته می‌شود که از طریق راسته‌هایی به هم متصل شده‌اند. هر راسته نام و نشان خاصی دارد و شامل مکانی برای فعالیت میوه‌فروشان، ماهی‌فروشان، مسگران، زرگران، چینی‌فروشان و لباس‌فروش‌ها می‌شود. به‌دلیل نزدیکی این بازار به دریای خزر، برای تهویه بهتر هوای شرجی و استفاده بهینه از نور خورشید در اندک روزهای آفتابی سال، بازار به‌صورت روباز ساخته شده است و بام شیب‌دار مغازه‌ها تاحدودی از ریزش باران بر سر رهگذران جلوگیری می‌کند.

در چند قدمی بازار



خیابان سنگفرش است و یک طرف آن با گذاشتن میله‌ها بسته و امکان تردد ماشین نیست، البته در قسمتی که تردد ممکن است نیز، شاهد تردد کمی از ماشین‌ها هستید. درست پس از ورود به خیابان، متوجه نگاه مردم به گوشه‌ای خاص می‌شوم؛ تعداد زیادی کبوتر که دیدن آنها هر بیننده‌ای را سر ذوق می‌آورد. مردی میانسال با کت‌وشلواری آبی‌رنگ کیسه‌ای بزرگ به‌دست دارد و برای کبوترها دانه می‌ریزد، نخستین‌باری که دست خود را در کیسه دانه‌ها می‌کند، موجی از کبوترها از شیروانی یک ساختمان قدیمی به‌سمت او می‌آیند و مرد میانسال با همان لهجه شیرین گیلکی با کبوترها صحبت می‌کند: «بخورین نوش جان‌تان بخورین قربان شما بشم من». یکی از کودکان قصد دارد با سرعت به‌سمت کبوترها بدود تا آنها را پر دهد که مرد میانسال با لحنی آمیخته با مهربانی و عصبانیت به کودک رو می‌کند و می‌گوید: «دختر من، خانم من، نکن باباجان، تو دوست داری وقتی غذا می‌خوری یکی اذیتت کنه؟ نکن قربان تو بشم من» اما امان از این بچه‌ها که بازیگوشی‌شان هیچ‌گاه تمامی ندارد، بالاخره کار خود را کرد و به‌سمت پرنده‌ها رفت و ناگهان شاهد پرواز تعداد زیادی کبوتر بودیم؛ صحنه‌ای که هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند.

راسته ماهی‌فروشان



فکر نمی‌کنم بتوان زمین خشکی را در این بازار پیدا کرد، چراکه اگر باران‌های دلربا گیلان هم رخصت دهد و کمی زمین را تر نکند، به لطف سطل‌های بزرگ آب ماهی‌فروشان، زمین این بازار خشکی به خود ندیده است. رها شدن آب از مغازه‌ها نیز ترفند خاص خود را دارد، مردی با چکمه‌های بلند و پیشبندی سفید داد می‌زند که «خیس نشی، خیس نشی، خواهر من خیس نشی» و بعد حجم زیادی از آب وارد بازار می‌شود. گوشه‌وکنار بازار، شاهد بساط‌های کوچکی هستید که سبزی‌های تازه روی آن پهن شده است، شاید کیسه کوچکی برنج نیز در کنار بساط باشد تا زمانی که از کنار آن رد می‌شوید، اگر دل‌تان خواست نمونه آن را بو کنید؛ آن‌هم با شیوه «ریختن برنج کف دست و سپس ها کردن و استشمام آن» ظاهرا این شیوه، حسابی عطر برنج را می‌پراکند. کمی که در بازار قدم بزنید، با سینی‌های بزرگ ماهی که روبه‌روی مغازه‌ها و راسته ماهی و مرغ‌فروشان گذاشته شده است، روبه‌رو می‌شوید.

کسبه، ماهی‌های خودشان را در معرض نمایش می‌گذارند اما به‌طورمعمول برخی از ماهی‌فروشان به این اکتفا نکرده و با عبور رهگذران در این مسیر به تشویق مشتریان برای خرید می‌پردازند. از ماهی سفید هم که هرچه بگوییم کم است، چراکه یک گونه پرطرفدار برای مردم گیلان و رشت است که همواره مردمان این شهر بارانی در کنار گونه‌های دیگر و سایر محصولات محلی، سفره‌های خود را با آن، رنگی دیگر می‌بخشند. در راسته ماهی‌فروشان بازار رشت که قدم بزنید، باید هر چند دقیقه یک‌بار بایستید، چراکه یکی از ماهی‌ها در حال تلاش برای چند دقیقه زندگی بیشتر است و کف بازار بالا و پایین می‌پرد. همین‌طور که چشمانم به یک ماهی خیلی بزرگ خیره شده است،با برخورد یک خانم جوان به شانه‌ام به خودم می‌آیم، همزمان که گرم صحبت با همسرش است، به‌سمت ماهی‌فروشی می‌آید؛ «سعید اگه ماهی بگیری، خودت باید پاک کنیا، می‌دونی من چقدر کار دارم، مهمونا ۶ میان دیگه خودت می‌دونی بعدا به من نگی چی شد؟» همسرش با آرامش به او رو کرد و گفت «آخه قربان تو بشم مگه سفره بی‌ماهی میشه؟» همسر اصرار به خرید ماهی برای مهمان‌ها دارد و خانم از زحمت آن می‌نالد، اما باز هم تا جایی که من دیدم، ماهی موردنظر برای مهمان‌ها خریداری شد.

عطری خوش به مشام می‌رسد



روی سنگفرش‌های نم‌زده راه می‌روم و از حال‌وهوای اطرافم لذت می‌برم، انگار با دیدن مجسمه میرزاکوچک‌خان دلم قرص می‌شود که در خیابان‌های رشت هستم. چشمانم در جست‌وجوی بازار رشت می‌چرخد، اما انگار نمی‌توانم میان این میزان همهمه پیدایش کنم. به‌نظر من، ابتدا یک دل سیر در میدان شهرداری پیاده‌روی کنید و قشنگی‌های میدان را با همه وجودتان حس کنید. بعد قدم‌زنان خودتان را به بازار رشت برسانید و شور زندگی را با همه ابعادش نفس بکشید. به‌سمت یکی از خانم‌ها رفتم و از او جویای بازار رشت شدم، با دست اشاره‌ای به خیابان بالایی کرد و گفت «ببین همین بالاس یکم که بری نزدیک متوجه میشی خودت» حق با او بود؛ کمی نزدیک‌تر برای رسیدن بوی سبزی تازه و ماهی به مشامم و شنیدن همهمه فروشندگان کافی بود. با ورود به بازار رشت، صدای آواز فروشندگان خوش‌خلق می‌آمد که هر یک به‌طورمتفاوت جنس خود را تبلیغ می‌کردند، البته با شیوه‌ای کاملا سنتی و آمیخته با لهجه گیلکی. «قیمت‌ها شکسته شد» «بدو پوری پوری پوری» «اشپل، ماهی دودی بفرمایید» «حراج بدو حراج صید روز» به هر طرف که نگاه کنید تا چشم کار می‌کند، پر از مغازه‌هایی است که محصولات ارگانیک از سبزیجات گرفته تا میوه‌ها، زیتون، ماهی، لبنیات و... می‌فروشند. اینجا سراسر رنگ بود و عشق. شاید مهم‌ترین خصوصیت بازار رشت، فروشندگان خوش‌اخلاق آن باشد که لبخند از روی لب‌شان کنار نمی‌رود و با همان لهجه شیرین‌شان به‌خوبی شما را به‌سمت محصولات‌شان می‌کشانند. مهربانی زیباترین قسمت بازار رشت است.

از سیر تا ادویه ماهی شکم‌پر



پسری جوان با نظم و ترتیب خاصی ماهی‌های خود را درون سبدهای حصیری گذاشته است. یکم که به بساط او نگاه می‌کنم، با خوشرویی می‌گوید: «چی می‌خوای آبجی؟ ماهی دارم از کیلویی ۹۰ تومن تا ۲۰۰ تومن» گوشه‌ای دیگر ماهی‌های دودی در ظرف‌هایی با قیمت‌های مختلف چیده شده است، بعضی از ماهی‌دودی‌ها نیز در رب انار خوابانده شده‌اند و به‌عنوان ماهی ترش به‌فروش می‌رسند. یکی از مغازه‌ها نیز دم و دستگاهی به‌هم زده و در میان مغازه‌های بازار سنتی رشت کمی به‌روزتر است، استخر بزرگ و کاشی‌کاری‌شده‌ای داخل مغازه دارد و جلوی مغازه قسمتی برای پاک‌کردن ماهی‌ها در نظر گرفته شده است که چند پسر جوان با چاقوهای بزرگ و تیز در حال تمیز کردن پولک ماهی‌ها هستند که این کار را با ابزاری مخصوص این‌کار انجام می‌دهند. کمی قدم زدن من را به‌سمت بازار سبزی‌فروش‌ها می‌برد. عطر خوش سبزی‌های تازه دل‌تان را می‌برد که بخش اعظم آن رایحه خوش سیر تازه است. کنار هر سبزی‌فروشی، قوطی‌های کوچکی از درارهای خانگی قرار دارد. اینجا مقدار زیادی سبزی‌های معطر و تازه چیده‌شده از چوچاق جنگلی تا خالواش، برگ سیر، نعنا محلی و... دل می‌ربایند. قبل از خرید برگ سیر تازه هم، فروشنده یک دسته از آنها را از وسط نصف می‌کند و مقابل بینی شما قرار می‌دهد. این کار در کسری از ثانیه و بدون سوال از شما انجام می‌شود، فروشنده‌های بازار سبزی‌فروش‌ها حسابی به عطر برگ سیر اعتماد دارند و می‌دانند که شما آن را پسند خواهید کرد. فروشنده با لهجه گیلکی «آبجی بو کن به به به عجب سیری عجب سیری بدو برگ سیر محلی بخر و ببر و بخور» سیر خشک محلی نیز مقابل هر مغازه روی سینی‌های بزرگ ریخته شده است. در قسمتی دیگر نیز، نوبت به زیتون‌فروش‌ها می‌رسد. انواع زیتون در لگن‌های بزرگ و رنگی ریخته شده و از ۷۰ تا ۱۳۰هزار تومان به فروش می‌رسد. کنج دیگر بازار، پیرمردی با مو و ریش سفید بساط کوچکی دارد که با کل بازار متفاوت است، مرغ‌هایی حنایی و سفیدرنگ که با نخ، پای آنها بسته شده است. پیرمرد هر چند دقیقه یک‌بار به مرغ‌های بساطش که هنوز همان تعداد قبلی است، نگاه می‌کند و اعدادی را زیر لب می‌گوید «اولی ۶۰، بغلیش ۵۰، باقیش ۷۰». فکر می‌کنم اعداد را با خود تکرار می‌کند تا مبادا فراموش کند. شاید هم دلش را به مبلغی که قرار است، شب با آن به خانه بازگردد، خوش می‌کند. رنگ‌های جذاب در کنجی از بازار سبزی‌فروش‌ها شما را به خود جذب می‌کند، انواع ادویه‌های خوش‌رنگ و خوش‌طعم نیز در یکی از مغازه‌ها در بطری‌هایی با سایزهای مختلف ریخته شده‌اند و به‌فروش می‌رسند.

سخن پایانی

شروع فعالیت فروشندگان بازار به‌طورمعمول از ساعت ۸ صبح شروع و تا حوالی ۱۰ شب ادامه پیدا می‌کند، البته در این بین افرادی هم هستند که تا ساعت ۱۲ شب به کسب‌وکار خود مشغول‌اند. البته در روزهای تعطیل شروع کار بازار کمی دیرتر آغاز می‌شود. در این بازار انواع و اقسام مایحتاج روزانه و خوراکی‌های خوشمزه ارگانیک مثل میوه و سبزیجات محلی، انواع رب خانگی، مربا، کلوچه فومن، رشته‌خشکار، ترشیجات، پنیر محلی، زیتون، حتی صنایع‌دستی و لباس وجود دارد. از ابتدای بازار تا انتهای آن، می‌توانید یک خرید حسابی داشته باشید و سفره هفت‌قلم بچینید. غروب می‌رسد و دیگر وقت ترک بازار رشت است، نمی‌دانم این زمان چگونه سر شد، اما این بازار را نمی‌شود یک‌روزه گشت و خوشا به حال شهروندانی که هر روز در این بازار خوش‌آب‌ورنگ قدم می‌زنند. در این بازار، همه‌چیز وجود دارد که مهم‌ترین آن، روی خوش و مهربانی است. در کل، بازار روز رشت جایی است که در شیرینی لهجه‌های مردمان محلی غرق می‌شوید و لذت می‌برید. شما دارید به یکی از زیباترین لهجه‌های ایرانی گوش می‌کنید. جان کلام اینکه مطلبی که خواندید، تنها گوشه‌ای از رنگ و لعاب بازار رشت بود، چراکه نمی‌توان آن همه زیبایی را در یک صفحه خلاصه کرد.

گفت‌وگو



رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با صمت:

فضای اقتصاد انرژی در انحصار دولت است



عکس: صمت

در کشور، صنعت برق با مشکلات متعددی روبه‌رو است که بر بخش‌های مختلف این صنعت تاثیر می‌گذارد. ایران با روزافزون شدن نیازهای انرژی، با ناتوانی تامین انرژی روبه‌رو است. علل این ناتوانی شامل کاهش تولید داخلی، نوسانات تولید برق، کاهش ظرفیت نیروگاه‌ها و مشکلات در تامین سوخت موردنیاز است. از طرفی، بخش برق در ایران با مشکلاتی مانند خرابی و فرسودگی زیرساخت‌ها مواجه است. برخی شبکه‌های توزیع برق و تجهیزات انتقال و توزیع قدیمی و نیازمند به بهبود و بهسازی هستند. مصرف برق به‌شدت افزایش یافته است و برخی شبکه‌های توزیع برق قدیمی نمی‌توانند حجم بالایی از بار را به‌خوبی مدیریت کنند. در نتیجه، مشکلاتی مانند قطعی زودرس، ولتاژ پایین و قطع و وصل مکرر برق برای مصرف‌کنندگان به‌وجود می‌آید. در حالی که، ایران دارای ظرفیت بالایی در زمینه منابع انرژی تجدیدپذیر مانند باد، خورشید و آب بوده، اما بهره‌برداری‌های بهینه از این منابع و استفاده موثر از آنها هنوز به مرحله کامل نرسیده است. مشکلات مالی و اقتصادی در صنعت برق نیز تاثیر مستقیمی روی کیفیت و قابلیت ارائه خدمات برق دارد. این مشکلات شامل کاهش سرمایه‌گذاری در زمینه بهبود زیرساخت‌ها، کاهش منابع مالی برای تامین سوخت و نیروی انسانی ماهر است. این مشکلات باعث شده است که صنعت برق در ایران با چالش‌های زیادی روبه‌رو و نیاز به توجه و سرمایه‌گذاری جدی برای بهبود زیرساخت‌ها و بهره‌وری افزایشی از منابع انرژی احساس شود. در این راستا، صمت با آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

برق یک صنعت جهانی است و ما مستقل از دنیا نیستیم. امروزه برخی موسسات پژوهشی با بررسی وضعیت کنونی و پیش‌بینی آینده، نقشه‌راهی را برای ۲۰ سال آینده برق دنیا ترسیم کرده و به بررسی ابعاد مختلف توسعه این صنعت پرداخته‌اند. بنابراین، مسئله تنها تولید برق نیست و مسائلی مانند محیط‌زیست، اقتصاد، توزیع، انتقال و... هم باید در چشم‌اندازها موردتوجه قرار بگیرد.

در حال حاضر، نوسازی صنعت برق، به‌طورجد نیاز به تزریق نقدینگی قابل‌توجهی به این صنعت حیاتی دارد. البته سیاست‌گذاری و مولدسازی اقتصادی شبکه برق می‌تواند به این مسئله کمک شایانی داشته باشد، چراکه ظرفیت‌های قابل‌توجهی در قوانین مختلف جاری کشور وجود دارد. شبکه انتقال و توزیع در کشور ما ظرفیت لازم برای پذیرش افزایش ظرفیت تولید و رفع ناترازی را ندارد و کاستی‌های این حوزه، پشت ناترازی برق پنهان شده است و مدیریت در سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه در صنعت برق ضعف‌های اساسی دارد که آثار درازمدت نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.

مسئله اساسی در ساختار صنعت برق این است که تولید در اختیار بخش خصوصی بوده، اما توزیع را دولت عهده‌دار شده است. بر این اساس، سود و درآمد شرکت‌های توزیع در افزایش میزان مصرف است و باتوجه به اینکه مسئولیتی در قبال تولید ندارند، این درآمد در امور جاری صرف می‌شود. ایران ظرفیت فوق‌العاده‌ای در بهره‌مندی از انرژی بادی و خورشیدی دارد، اما در عمل و به‌دلیل ناکارآمدی سیاست‌های مدیران و مسئولان این حوزه، نه‌تنها از ظرفیت موجود در کشور استفاده نشده، بلکه این روند در یک دهه اخیر به اوج خود رسیده است. آن‌طور که کارشناسان حوزه انرژی می‌گویند، ارزان بودن بهای انرژی در ایران باعث شده است تا در عمل سرمایه‌گذاری در حوزه تجدیدپذیرها چندان از صرفه اقتصادی برخوردار نباشد؛ معضلی که طی روندی صعودی تا امروز ضربه سختی به چرخه تامین انرژی موردنیاز کشور وارد کرده است.

ضعف‌های اساسی در توسعه صنعت برق

***ناترازی برق طی چند سال اخیر هزینه‌ها و خسارت‌های بسیاری برای کشور در پی داشته است. از دیدگاه شما خاموشی‌ها در صنعت برق ناشی از چه مشکلاتی است؟**

صنعت برق در کشور ما با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، به‌طوری‌که ما فضای رقابتی و فضای آزاد اقتصاد انرژی را در انحصار دولت قرار داده‌ایم. به این صورت که دولت تنها خریدار برق شده است و هیچ بخشی جز دولت حق ندارد برق را خریداری کند. از طرف دیگر، بخش خصوصی باید تنها برق تولیدشده را به دولت به‌فروش برساند. در این شرایط، انگیزه رقابتی بخش خصوصی کاملا محدود می‌شود.

در شرایطی که دولت صورت هزینه‌های خود را به‌موقع پرداخت نمی‌کند و نرخ ارز روزبه‌روز افزایش می‌یابد، بخش خصوصی مجبور می‌شود که اقدام به اخذ وام و تسهیلات ارزی از صندوق توسعه ملی کند. در نتیجه، دیگر توانی برای ادامه فعالیت صنعتگر برق نمی‌ماند. مسلما زمانی که سرمایه‌گذاران این شرایط را می‌بینند، تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق از دست می‌دهند.

از طرف دیگر، کشور در حال افزایش توان و توسعه خود است و به ظرفیت‌های صنعت برق توجهی نمی‌کند. برای مثال، اگر دولت تصمیم می‌گیرد تا تولید سیمان و فولاد را افزایش دهد، باید فکری هم برای تامین برق کند. از سویی، جمعیت کشور روزبه‌روز در حال افزایش است و رشد جمعیتی که در دهه ۶۰ اتفاق افتاده، تقاضا را در همه بخش‌هایی که نیاز به برق دارد، بالا برده است. متاسفانه تناسب تولید برق و نیروگاه‌ها در کشور دیده نمی‌شود و این یک چالش بزرگ است که نیاز به توجه دارد. در حال حاضر، بزرگ‌ترین استراژی تولید انرژی و برق در دنیا مکانیزم‌های کاهنده و کاهش مصرف برق است. این موضوع نیز با عدم‌سرمایه‌گذاری روبه‌رو است و نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. ما در کشور بدمصرفی، عدم‌بهینه سازی، عدم‌سرمایه‌گذاری و عدم‌تسویه‌حساب با تولیدکنندگان برق را شاهد هستیم که همه اینها جواب سوال اول شماست.

***ضعف در جذب سرمایه به‌دلیل اقتصاد ناکارآمد برق و قیمت‌گذاری دستوری این کالا به‌عنوان یکی از دلایل خاموشی‌های اخیر مطرح می‌شود، روند قیمت‌گذاری کالاهای استراتژیکی نظیر برق از چه طریقی قابل‌اصلاح است؟**

بنده اعتقاد دارم که وزارت نیرو در طول ۲ سال گذشته، تعامل و نحوه برخوردش به‌مراتب بهتر از دوره‌های قبلی بوده و باید این موضوع را بپذیریم. از این‌رو به‌نوبه خودم از وزارت نیرو به‌خاطر نوع تعاملش با بخش خصوصی تشکر می‌کنم.

خوشبختانه بخش خصوصی با مقایسه رفتار این ۲ سال وزیر نیرو و معاونانش با وزرای دوره قبل، احساس بهتری را تجربه می‌کند. وزارت نیرو نمی‌تواند معجزه کند و صنعت برق مستلزم یک اهتمام و توجه ویژه از سوی دولت است که منجر به افزایش امنیت برای فعالیت بخش خصوصی می‌شود.

اکنون که وزارت نیرو در حال تعامل با بخش خصوصی است و دست بخش خصوصی را برای مشارکت، همفکری و تعامل بیشتر بازتر گذاشته، ضرورت دارد تا همکاری‌های چندجانبه بین دولت و بخش خصوصی بیشتر شود.

اگر بخش خصوصی احساس کند که صورت‌حساب‌ها به‌موقع پرداخت و هزینه‌های تاسیس نیروگاه‌ها توسط دولت جبران می‌شود؛ شرایط طور دیگری رقم می‌خورد و سرمایه‌گذاری در صنعت برق وارد فاز تازه‌ای می‌شود.

ایران بستر بسیار مناسبی برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و حرارتی است و می‌تواند علاوه بر تولید برق، به‌عنوان یک پدیده صادراتی مناسب و استراتژیک ظاهر شود. با این اقدام، بستر توسعه‌یافتگی کشور هرچه سریع‌تر فراهم می‌شود.

امروز اگر ما بخواهیم توسعه را برپایه «برنامه هفتم توسعه» تعریف کنیم، با چالش روبه‌رو می‌شویم، چراکه زیرساخت‌هایی مانند برق، گاز و آب را در اختیار نداریم. با این اوصاف، چگونه می‌شود از توسعه صحبت کرد؟ دولت باید اهتمام جدی در این زمینه داشته باشد و چالش‌های این حوزه را یکی پس از دیگری حل کند. صنعت برق به‌ذات یک صنعت سودآور است. باید بتوانیم نرخ‌گذاری‌ها را در فضای رقابتی جلو ببریم و واقعی‌سازی قیمت‌ها را دوش به دوش صرفه‌جویی و بهینه‌سازی حرکت دهیم. دولت اگر برای کاهش مصرف انرژی، امکانات اولیه در اختیار صنعت و جامعه قرار ندهد، کاری از پیش برده نمی‌شود.

دولت باید توجه کند که با افزایش نرخ انرژی، هیچ اتفاق مثبتی رخ نمی‌دهد، چراکه این اقدام یک پدیده تورم‌زا است و اثرات منفی بر جامعه می‌گذارد. ما باید همزمان که می‌خواهیم به‌سمت واقعی شدن قیمت‌ها حرکت کنیم، ابزار لازم برای توسعه را نیز فراهم کنیم.

*** کمبود منابع مالی و انباشت بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بخش خصوصی در بخش برق، یکی از مشکلات جدی این حوزه محسوب می‌شود، از دیدگاه شما ریشه‌ها و راهبردهای این چالش چیست؟**

اتفاقا ما در این‌باره راه‌حل مناسبی برای دولت داریم. امیدوار هستیم دولت نیز به‌تدریج وارد توافق شود. در حال حاضر وزیر نیرو تا حد زیادی بر مصالح کل کشور انعطاف دارد.

مطالبه‌گری‌های ما جای خود؛ اما وزارت مربوطه ملاحظاتی دارد که شاید براساس آنها نتواند به همه نظرات بخش خصوصی تمکین کند و این موضوع از طرف ما قابل درک است، بنابراین می‌توانیم با مقداری انعطاف و با سیاست‌گذاری‌های مناسب و همچنین با بهره‌گیری از امکانات دولتی، شرایط را طوری پیش ببریم که همه بتوانند وارد تجارت در حوزه برق شوند و این صنعت جان تازه بگیرد. به‌طورمسلم با این اقدام همه طرفین از شرایط راضی می‌شوند.

اتاق بازرگانی چگونه می‌تواند به تنظیم مناسبات بین دولت و بخش خصوصی در صنایع مختلف به‌ویژه صنایع استراتژیکی مانند برق کمک کند؟

به‌تازگی یک توافقنامه موفق و کارآمد بین کمیسیون انرژی، اتاق بازرگانی و فدراسیون صنعت نفت ایران انجام گرفته است؛ با این توافق بخشی عمده‌ای از بستر اطمینان‌بخشی بین بخش خصوصی و دولت فراهم می‌شود.

نگاه و رویکرد فعالان اقتصادی نسبت به مدیران سازمان‌ها، متفاوت است. آنها به شکل راحت‌تری عمل می‌کنند و توانایی بهتری در تحلیل وضعیت فعلی دارند، اما مدیران دولتی به‌دلیل محدودیت‌ها و چارچوب‌هایی که برای آنها تعریف شده است، با نگاه فعالان اقتصادی که به‌طبع افرادی با ریسک‌پذیری بالاتر هستند، متفاوت عمل می‌کنند که در نهایت این تحول‌خواهی در بخش خصوصی باعث رشد می‌شود. در کل، تعامل و همکاری بسیار خوبی بین دولت و بخش خصوصی شکل گرفته است و امیدواریم روزبه‌روز بیشتر شود.

مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه اقتصاد برق در اتاق بازرگانی در حال پیگیری است یا در برنامه کمیسیون‌های جدید اتاق قرار دارد، شامل چه مواردی است؟

بسترسازی برای سرمایه‌گذاری جدید، توجه بیشتر به نیروگاه‌های پراکنده، همکاری مشترک برای کاهش مصرف سوخت، کنترل ناترازی برق و همکاری برای تسویه‌حساب با سرمایه‌گذاری‌ها از مهم‌ترین موضوعاتی است که در حوزه اقتصاد برق در اتاق بازرگانی در حال پیگیری است.

دولت اگر با بخش خصوصی بیشتر تعامل کند، موضوعات به روش بهتری برطرف می‌شوند و بخش خصوصی هر روز با مسائلی که دولت براساس وظایفش با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، روبه‌رو نمی‌شود.

ما مشکلات را کامل شناسایی کردیم. دولت باید بپذیرد، با تعامل و همکاری با بخش خصوصی می‌تواند بخش عمده مشکلات را حل کند. باید در مسیری گام برداریم که روابط دولت با بخش خصوصی غیرسیاسی شود و از بدنه کارشناسی بخش خصوصی بیشترین بهره‌برداری انجام گیرد. به‌طورقطع با این اقدامات دولت از بخش خصوصی بیشتر سود می‌کند.

سخن پایانی

مشکل برق قابل‌حل است و باید احداث نیروگاه‌های جدید سرعت بگیرد. مشکل کمبود برق مربوط به تولیدات برقابی بوده، چراکه در حال حاضر سدها خالی هستند و کمبود آب در سدها تبدیل به مشکل جدی شده است.

متاسفانه قسمت زیادی از برق کشور از آب تولید می‌شود و خشکسالی‌های اخیر مشکلات زیادی را در ناترازی‌های برق به‌وجود آورده است. ما در کشور از تمام ظرفیت نیروگاه‌ها استفاده نکردیم و در این بخش فرصت‌سوزی‌های بی‌شماری انجام شد. در حال حاضر در کشورهای همسایه تاسیس نیروگاه‌های خورشیدی و حرارتی در دستور کار قرار گرفته و در این راستا موفقیت‌های زیادی نیز حاصل شده است، اما در کشور ما به این بخش توجه نشد و برنامه جایگزین در دستور کار قرار گرفت،بنابراین ضرورت دارد وزارت نیرو با بکارگیری توان تخصصی و ظرفیت‌های موجود در راستای توسعه انرژی تجدیدپذیر قدم بردارد و ناترازی‌های برق را برطرف کند.

> صنعت برق در کشور ما با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، به‌طوری که فضاهای رقابتی و آزاد اقتصاد انرژی را در انحصار دولت قرار داده‌ایم

> وزارت نیرو نمی‌تواند معجزه کند. توسعه صنعت برق مستلزم اهتمام و توجه ویژه از سوی دولت است

یادداشت

مصرف برق فرهنگ‌سازی شود



ولی‌الله اسدیان
کارشناس انرژی

در حال حاضر عملکرد بخش‌های تولیدی در حوزه برق به‌گونه‌ای است که تمام نیروها با وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی مشغول فعالیت هستند تا ناترازی در فصل گرم سال پیش نیاید.

خوشبختانه اتفاقات مثبتی رخ داده و امید است تا با عزم جدی دولت سیزدهم، موانع یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شود. سال گذشته بدون اینکه وقفه‌ای در تولید، انتقال و توزیع انرژی وجود داشته باشد، از پیک تابستان آن‌هم بدون هیچ مشکلی عبور کردیم و امیدواریم امسال نیز این اتفاق رخ دهد و ناترازی‌هایی که در بخش انرژی وجود دارد، برطرف شود و کار به قطعی برق و آب شرب نرسد.

تلاش‌های زیادی برای حل مشکل برق در کشور در حال انجام شدن بوده و باوجود تمام معضلاتی که وجود دارد تا به حال روند رو به رشدی طی شده است.

همچنین در بحث احداث نیروگاه‌های جدید و انتقال برق مصرفی به نقاط مختلف کشور تا حد زیادی به خودکفایی رسیده‌ایم و در بخش انتقال برق با بومی‌سازی، بسیاری از هزینه‌ها کاهش پیدا کرده و سرعت عملیاتی پروژه‌ها روند قابل‌قبولی را پیموده است.

ضرورت دارد در کنار تلاش‌های بخش‌های مختلف برای تولید و توزیع برق، کاهش روزافزون مصرف انرژی در بخش‌های خانگی و صنعتی را شاهد شویم تا با افزایش همکاری‌ها، سرمایه‌های ملی حفظ و مشکلاتی که هرساله پیش می‌آید، ریشه‌کن شود.

اکنون تلاش‌هایی که در زمینه فرهنگ‌سازی مصرف برق انجام گرفته، نتوانسته است آن‌طور که باید موفق ظاهر شود، چراکه هرساله با شروع فصل تابستان بسیاری از مصرف‌کنندگان باعث هدررفت انرژی می‌شوند و در ساعات پیک مصرف بدون توجه به ظرفیت‌های تولید برق اقدام به مصرف بیش‌ازحد برق می‌کنند. از طرفی، تجهیزات سرمایشی غیراستاندارد بدون توجه به میزان مصرف برق در بازار وجود دارد و نظارتی بر این موضوع انجام نمی‌گیرد.

بخشی از تلاش‌های دولت برای حل مشکل ناترازی‌های برق معطوف به طرح‌های تشویقی و تنبیهی و این موضوع باعث شده تا بسیاری از مصرف‌کنندگان در بخش‌های خانگی و صنعتی، مصرف خود را کاهش دهند و در ازای این اقدام پاداش دریافت کنند.

از طرفی، ضرورت دارد دولت به همین اقدام اکتفا نکند و در کنار موضوع یادشده، برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برنامه‌ریزی و در کنار افزایش توان نیروگاه‌های برق در سراسر کشور مشکل ناترازی برق را حل کند. همچنین، با صادرات انرژی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، ورود ارز به کشور زمینه‌سازی شود.

احداث نیروگاه‌های جدید می‌تواند به بخش اقتصادی کشور کمک شایانی کند، اما در بیشتر کشورهای دنیا کنترل مصرف انرژی در ساعات اوج مصرف برق باعث شده تا احداث نیروگاه‌های جدید در دستور کار قرار نگیرد؛ چراکه در واقعیت این اقدام بسیار هزینه‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلانی در حوزه‌های مختلف دارد.

احداث نیروگاه برق به ۲ صورت امکان‌پذیر است. در حالت اول، بخش خصوصی متولی احداث نیروگاه و دولت مجبور می‌شود با هزینه بسیار بیشتر برق خریداری کند و در حالت دوم، خود دولت برای احداث نیروگاه دست به کار می‌شود که هزینه زیادی دارد. به‌هرحال، در هر دو حالت چالش‌های زیادی برای دولت به‌همراه دارد، چراکه تمام هزینه‌های اضافی به دوش دولت و مردم می‌افتد و ممکن است دولت با کسری بودجه روبه‌رو شود.

بهره‌وری انرژی در همه حوزه‌ها باید افزایش یابد و از سرمایه‌های ملی به بهترین نحو استفاده شود. در سال‌های گذشته، تفاهمنامه‌ها و قراردادهای موثری در حوزه انرژی برق منعقد شد و اگر این همکاری‌ها در بخش‌های مختلف ادامه‌دار شود، می‌تواند اعداد و ارقام چشمگیری را در صرفه‌جویی مصرف انرژی پدید آورد.

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند پنل‌های خورشیدی که در بسیاری از کشورها نقش بسزایی در تولید برق دارند، بسیار موثر است و می‌تواند مشکل ناترازی را تا درصد بسیار زیادی حل‌وفصل کند، اما باید در نظر گرفت که استفاده از این تکنولوژی نیز به هزینه و زمان بسیار زیادی نیاز دارد و در بهترین حالت، ۱۵ سال به طول می‌انجامد تا پنل‌های خورشیدی در کشور برای تولید انرژی مستقر شوند.

دولت باید در کنار تلاش‌های خود، استفاده از ظرفیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر را بالا ببرد تا در فصل‌های گرم سال به کمک نیروگاه‌ها بیاید. با این اقدام، فشاری که بر دوش وزارت نیرو است، کاهش می‌یابد و منابع آبی ما نیز به‌سرعت مصرف نمی‌شود.

یادداشت



مرغداری؛ صنعتی مونتاژ شده و کاملا وابسته

محمدزاده‌رحمانی- مشاور امور اقتصادی استاندار یزد

صنعت مرغداری یک صنعت مونتاژ و کاملا وابسته است که از قریب به ۱۰۰ سال قبل در کشورمان شکل گرفت و رفته رفته با تغییر ذائقه مردم به گوشت مرغان صنعتی، توسعه یافته و براساس سناریویی از پیش تعیین شده ،کشور را هر روز بیش از پیش به نهاده اصلی مورد نیاز این صنعت وابسته کرده است.

هر چه سال‌های میلادی از ۱۹۰۰ عبور می‌کرد و به ۱۹۵۰ می‌رسید، ذرت‌کاران(و همچنین سویاکاران) آمریکایی و بنگاه‌های هدایت‌کننده آنها نگران بازاریابی برای ذرت و سویای خود بودند. خاستگاه ذرت، قاره آمریکاست و این دانه برای اولین بار از آنجا به اروپا، آسیا و آفریقا وارد شده است. ایالات متحده آمریکا نه‌تنها در آن قاره بلکه در تمام دنیا، رتبه اول تولید ذرت را دارا بوده و هست و لذا می بایست بازار آن را هم پیدا می‌کرد؛ یک بازار وابسته و التماس‌گر.

اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در اواسط قرن بیستم به این نتیجه رسیدند که ایجاد و توسعه مرغداری‌ها می‌تواند آینده بازار ذرت و البته سویای تولیدی آنها را تضمین کند. خاستگاه سویا هم گرچه چین هست ولی به زودی کشاورزان آمریکایی گوی سبقت را از آنها ربوده و ایالات متحده از سال ۱۹۶۱ پرچمدار و تولیدکننده اول سویا در جهان است و در حال حاضر سالیانه بیش از ۵۲ میلیون تن سویا تولید می‌کند که کنجاله این دانه روغنی نیز دومین نهاده پر مصرف در سالن‌های پرورش طیور است. بنابراین به سراغ کشورهای آسیایی و به تبع آن ایران آمدند و در سال ۱۳۰۹ بود که بنگاه دامپروری ایران تاسیس و گرچه در اساسنامه آن توجه و حمایت از نژادهای بومی در بند یک و توسعه و ترویج نژادهای خارجی در بند دو آمده بود ولی به زودی بند ۲ در این بنگاه غالب و در سال ۱۳۱۶ چند مرغ از هیبریدهای دوبهره و گوشتی منتج از دسته مرغان آمریکایی از قبیل پلیموت راک، ویندوت، رد ایلند رد و... را در اطراف تهران توزیع کردند و این پایه و اساس مرغداری صنعتی در کشورمان شد.

ورود و ترویج هیبریدهای خارجی بیشتر و بیشتر شد، به طوری که در سال ۱۳۳۳ یک محموله ۶۰ هزار قطعه‌ای از این نوع ماکیان آمریکایی به کشور وارد شد؛ بدیهی است این طیور که وارد می‌شدند می‌بایست خوراک آنها که ۷۰ درصد ذرت و ۲۰ درصد آن سویاست، به علاوه خدمات فنی آن نیز از آمریکا وارد می‌شد لذا رفته رفته با تغییر ذائقه مردم از گوشت قرمز و مرغان بومی پرورشی خود به گوشت مرغان صنعتی، واحدهای مرغداری در سطح کشور با حمایت دولت‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی تاسیس و وابستگی ما به ذرت و سویا به عنوان دو نهاده اصلی صنعت طیور، بیشتر و بیشتر شد.

بازار آمریکایی‌ها که تضمین شد؛ تولید ذرت در این کشور نیز از سال ۱۹۵۰ تاکنون ۳۶۰ درصد رشد داشته و به عدد ۳۸۵ میلیون تن در سال رسیده است و حتی اگر در آمریکای جنوبی، مرکزی و حتی اوکراین هم تولید می‌شود ولی تولید لاین بذر در اختیار کمپانی‌های آمریکایی است لذا با یک بررسی ساده مشخص می‌شود هم در زنجیره تولید ذرت یعنی از لاین تا بذر به عنوان محصول نهایی سود می‌برند و هم کشورهای دارای صنعت مرغداری را به خود وابسته و خروج هنگفت ارز را در آنها رقم می‌زنند.

خلاصه با راهبری‌های انجام شده، هم‌اکنون سالیانه بیش از ۸۴ میلیون تن گوشت مرغ در دنیا تولید که سهم ایران حدود دو میلیون تن بوده و در سال‌های گذشته رتبه‌های ۷ تا ۱۱ را در بین کشورهای تولیدکننده این محصول به خود اختصاص داده است. البته به موازات افزایش تولید گوشت مرغ، نیاز به ذرت و سویا هم افزایش یافته و چون محدودیت آب و زمین، اجازه افزایش سطح زیر کشت و توسعه افقی این دو نهاده استراتژیک را نمی‌دهد؛ موسسات ژنتیک هم به کمک بنگاه‌های اقتصاد کشاورزی آمریکا و پس از آن چین، هندوستان و بقیه آمده و اقدام به تولید محصولات تراریخته می‌کنند تا تکافوی نیاز مرغداری‌ها و دامداری‌های صنعتی را داده و نمودار سود خود را بالاتر و بالاتر ببرند و در این بین، آن چیزی که برای آنها مهم نیست در تنگنا قرار گرفتن دولت‌ها برای تامین ارز واردات این نهاده‌ها و سلامت و جان مردمی است که در کشورهای مختلف از گوشت مرغ، تخم‌مرغ و فرآورده‌های دامی صنعتی استفاده می‌کنند.

منبع: ایسنا

آبزیان خلیج‌فارس در خطر انقراض هستند

تهدید صید بی‌رویه برای آبزیان

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir



ایران در محدوده آب‌های خلیج‌فارس و دریای عمان با دارا بودن حدود هزار و ۹۰۰ کیلومتر خط ساحلی در مقایسه با کشورهای همسایه حاشیه این دو منبع آبی دارای بالاترین خط ساحلی است.عمق خلیج‌فارس از غرب به شرق افزایش می‌یابد به طوری که متوسط عمق ۳۶ متر بوده و حداکثر عمق در تنگه هرمز به حدود ۱۰۰ متر می‌رسد. متوسط درجه حرارت سالانه آب‌های سطحی خلیج‌فارس برابر با ۲۲ درجه سانتیگراد و درجه شوری آن متغیر و در حدود ۴۰-۴۲ قسمت در هزار است و نسبت به دریای عمان از شوری بالاتری برخوردار است. در مناطق شمال به دلیل ورود آب شیرین به دریا، شوری کمتر و در بخش‌های جنوبی حوزه و به‌خصوص در آب‌های ساحلی به دلیل عمق کم آب و درجه حرارت بالا، حداکثر شوری مشاهده می‌شود. صیدهای غیرمجاز و ورود آلاینده‌ها به خلیج‌فارس سبب کاهش میزان ذخایر آبزیان شده به نحوی که این موضوع تهدیدی برای شغل صیادی محسوب می‌شود.

آب‌های خلیج‌فارس و دریای عمان به عنوان دو محیط آبی و اکوسیستم مناطق گرمسیری، دارای تنوع گونه‌ای بالایی از آبزیان است به طوری که براساس آخرین آمار و ارقام موجود زیستگاه مناسبی برای زیست حدود ۹۰۰ گونه ماهی بوده که درحال‌حاضر قریب به ۷۰ گونه از آنها در زمره آبزیان تجاری محسوب می‌شود. گونه‌های مختلف در آب‌های خلیج‌فارس و دریای عمان با دیدگاه‌های متفاوت تجارتی، اکولوژیک، صید سنتی و صنعتی دسته بندی‌های متفاوتی برای آنها ارائه شده که در این مقوله سعی بر آن است که با تکیه بر دیدگاه اکولوژیک، وضعیت ذخایر و به دنبال آن اعمال سیاست‌های مدیریت شیلاتی با تکیه بر مطالعات داده‌های تحقیقات شیلات ارائه شود.

از دیدگاه زیست شناختی و ارزیابی ذخایر همواره ضروری است که بخشی از ذخیره یک گونه ماهی دست نخورده باقی مانده تا نسل آتی را احیا کند و به عبارت دیگر وجود فشار صیادی و بهره‌برداری مداوم در طول سال موجب بهره‌برداری بیش از حد و لطمه به ذخایر ماهیان خواهد شد. بنابراین ضرورت دارد که همواره بخشی از سال به عنوان زمان ممنوعیت صید گونه یا گروه آبزی اعلام شده تا فرصت احیای ذخایر فراهم شود.

به گزارش تسنیم، تور ترال ماهی یک روش صید غیرانتخابی (Non-selective) بوده که انواع مختلف آبزیان و سایزهای کوچک و بزرگ آنها را صید می‌کند. بنابراین با بازنگری اندازه چشمه ساک انتهایی تور که محل تجمع آبزیان صید شده است، اندازه این چشمه بزرگتر انتخاب شده تا حتی‌الامکان ماهیان ریزتر از داخل ساک تور به خارج آن هدایت شوند.

از چند سال گذشته با اجرای یک سیاست مشترک میان موسسه تحقیقات شیلات و سازمان شیلات ایران، محدوده فعالیت کشتی‌های ترالی ماهی در آب‌های کم عمق ساحلی ممنوع اعلام شده و این کشتی‌ها ملزم هستند که از اعماق بالاتر از ۱۰ مایل از ساحل دریای عمان به فعالیت صید و صیادی بپردازند. همان طور که اشاره شد زمان صید آنها نیز به کمتر از ۵ماه در نیمه نخست سال محدود شده است. در مجموع سعی و تلاش بر آن است که تمامی شناورها (قایق، لنج یا کشتی) در ساحلی که در حقیقت مناطق تخم ریزی و نوزادگاهی آبزیان محسوب می‌شود، هیچ گونه فعالیت صید و صیادی نداشته باشند؛ هرچند گاهی به صورت غیرقانونی این کار انجام می‌شود. از طرف دیگر در آب‌های خلیج‌فارس نتایج تحقیقاتی نشان دادند که فشار بیش از حدی بر ذخایر وارد شده با تمهیدات به عمل آمده فعالیت کشتی‌های ترالر ماهی در آب‌های خلیج‌فارس (بالاخص آب‌های خوزستان و بوشهر) ممنوع اعلام شدند.

فسخ قرارداد اراضی مزارع پرورش میگو بدون عملکرد موثر

در تازه‌ترین اخبار مدیر شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم گفت: قرارداد زمین‌هایی که بیش از پ۵سال بدون عملکرد باقی‌مانده بازپس گرفته می‌شود و به سرمایه‌گذاران جدید که از روش‌های مدرن و فناورانه اقدام به تولید میگو کنند واگذار می‌شود.

مریم نوری بالانجی بیان کرد: این اقدام با هدف جلوگیری از تضییع بیت‌المال و هم‌راستا با سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته کشوری جهت افزایش تولید و ایجاد امنیت غذایی و حفظ ذخایر ملی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست همچون اراضی انجام می‌گیرد.

وی ادامه داد: با هماهنگی‌های صورت گرفته تاکنون قرارداد با دو سرمایه‌گذار متعلق به زمینی به مساحت ۱۵۶ هکتار فسخ شده و پس از بررسی‌های صورت گرفته، این زمین در اختیار ۳۱ تن از متقاضیان تولید میگو با روش‌های مدرن و فناورانه پرورش میگو متراکم قرار گیرد.

مدیر شیلات و کشاورزی تصریح کرد: همچنین قرارداد تقریبی ۳۵۰ هکتار از اراضی که در سال‌های گذشته به چندین سرمایه‌گذاران حوزه میگو واگذار شده و طی سالیان متمادی فقط در بخشی از آن اراضی پیشرفت فیزیکی تاکنون داشته‌اند الباقی اراضی‌شان نیز که بدون پیشرفت فیزیکی باقی مانده و مراحل فسخ خود را با هدف جلوگیری از تضیع بیت‌المال طی می‌کنند.

نوری بالانجی، تشریح کرد: متاسفانه در سنوات گذشته عده‌ای به بهانه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در جزیره قشم و جهت انجام طرح‌های پیشنهادی همچون پرورش میگو به روش سنتی نیمه‌متراکم در قطعات هکتاری، زمین‌هایی را در اختیار گرفتند که در امسال و با بررسی‌های صورت گرفته این مدیریت نسبت به استرداد زمین هایی که سرمایه‌گذار آنها خلاف مفاد قرارداد زمین عمل کرده است، اقدام شد.

وی با بیان اینکه راه‌اندازی سامانه صدور مجوز کسب و کار حوزه‌های شیلات و کشاورزی مناطق آزاد برای نخستین بار در جزیره قشم در دستور کار قرار دارد، افزود: راه‌اندازی این سامانه در راستای اجرای قانون ماده ۶۵ احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، رفع دوگانگی مدیریت در حوزه شیلات و کشاورزی و تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری این حوزه در جزیره قشم خواهد بود.

قرارداد زمین‌هایی که بیش از پنج سال بدون عملکرد باقی‌مانده بازپس گرفته می‌شود و به سرمایه‌گذاران جدید که از روش‌های مدرن و فناورانه اقدام به تولید میگو کنند، واگذار می‌شود

سخن پایانی

به گفته بسیاری از کارشناسان ذخائر آبزیان در آب‌های خلیج‌فارس به شدت محدود و دچار آسیب‌های زیادی در تراکم و کمیت گونه‌ها و حجم شده است و اگر خواهان حفاظت و بازسازی ذخائر هستیم باید به مبحث آموزش‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی بیش از پیش توجه کنیم و باید گفت که تحقق این امر نیازمند یک همت منطقه‌ای و حتی خواهان تعامل تمامی کشورهای جنوبی حوزه خلیج‌فارس است چرا که همه باید در این راستا کمک کنند. همواره نقش مردم و بهره‌برداران منابع آبزی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و در این راستا ما در قشم به آموزش جوامع و بهره‌برداران محلی توجه بیش از پیش داریم.

کاهش مصرف گاز با بهینه‌سازی موتورخانه‌های اصفهان

بهروز راعی: با بهینه‌سازی ۲۶۲ موتورخانه واحدهای مرتبط با صنعت گردشگری و هتل‌ها در استان اصفهان از سوی شرکت گاز این استان، مصرف گاز در این بخش تا ۴۰ درصد کاهش یافته است.

به گزارش خبرنگار صمت از استان اصفهان ابوالقاسم عسکری، مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان، در همایش ملی گردشگری سبز که در سالن آمفی تئاتر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با حضور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران و جمعی از معاونان وزرا و مدیران بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی برگزار شد، با بیان این مطلب، در رابطه با اقدامات صورت گرفته از سوی این شرکت در زمینه بهبود کیفی صنعت گردشگری، گفت: شرکت گاز استان اصفهان تاکنون موفق به بهینه‌سازی ۲۶۲ واحد موتورخانه مراکز گردشگری و سامانه‌های مرتبط با توسعه گردشگری در استان شده و از این رو خوشحالیم که سهم کوچکی در ارتقای کیفی صنعت گردشگری کشور داریم. وی ادامه داد: با بهینه‌سازی موتورخانه این واحدها، مصرف گاز و انرژی در بیش از ۱۳۰ هزار مترمربع از هتل‌های استان اصفهان بهینه شده است. عسکری با بیان اینکه وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تاکید و توجه زیادی به مقوله بهینه‌سازی و ارتقای کیفی مصرف انرژی در واحدهای مرتبط با صنعت گردشگری دارند، گفت: خوشبختانه با اقدامات صورت‌گرفته در زمینه بهینه‌سازی مصرف گاز و انرژی در این واحدها؛ اعم از هتل‌ها و مراکز گردشگری و...، تا ۴۰ درصد مصرف گاز در این اماکن کاهش یافته است. مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان در ادامه، توضیح داد: طبیعتا کاهش مصرف گاز در کنار کاهش تعرفه گازبهای این مراکز که با همت وزیر نفت، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران و همراهی مجلس و دولت رقم خورده، نقش بسزایی در بهبود تراز اقتصادی و ارائه خدمات در صنعت گردشگری دارد.

وی در پایان، با اشاره به تلاش کارکنان این شرکت در اجرای طرح‌های بهینه‌سازی گاز، گفت: از تلاش‌های ارزشمند یکایک همکاران در شرکت گاز استان تقدیر و تشکر می‌کنم؛ چراکه به واسطه این تلاش توانستیم با بهینه‌سازی ۱۴ هزار واحد موتورخانه، رتبه اول بهینه‌سازی موتورخانه‌های کشور را به خود اختصاص دهیم. گفتنی است، در پایان این مراسم و در راستای تلاش برای بهینه‌سازی بیشتر در استان، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با اهدای لوح تقدیر به مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان، از این شرکت قدردانی کرد.



کاتالیست واحد RCD پالایشگاه شازند رونمایی شد

مجید رجبی، مدیرعامل پالایشگاه امام خمینی(ره) شازند در آیین رونمایی از کاتالیست RCD، بیان کرد: بومی‌سازی کاتالیست، کاری کاملا تیمی بوده است و با همت پالایشگاه شازند و شرکت اکسیر نوین، کار تست کاتالیست در سخت‌ترین زمان (آذر ۱۴۰۱ و سردترین ماه سال در شازند) انجام گرفت و تدابیری بالایی در این رابطه اندیشیده شد.

به گزارش خبرنگار صمت از استان اراک وی با اشاره به اینکه نیاز پالایشگاه شازند به این کاتالیست ۷۵۰ تن است، گفت: حدود ۵۰۰ تن توسط شرکت اکسیر نوین تهیه شد و مابقی نیاز نیز از کاتالیست‌های سال‌های گذشته تامین شد که البته تهیه، ترخیص و تامین هزینه آن، کاری نفسگیر بود. در این آیین، محسن محمدی، رئیس خدمات فنی و مهندسی پالایشگاه امام خمینی(ره) شازند با اشاره به بارگیری کاتالیست داخلی همراه با کاتالیست مازاد در انبار واحد RCD بیان کرد: تفاهمنامه پیرامون تولید این کاتالیست در سال ۱۳۹۸ منعقد و پس از یک سال مقرر شد که شرکت اکسیر نوین ساخت کاتالیست را ظرف ۱.۵ سال دنبال کند که این شرکت در گام نخست حدود ۵۰۰ تن کاتالیست را وارد پالایشگاه کرد و برای تامین باقیمانده کاتالیست مورد نیاز(حدود ۲۰۰ تن) باید اقدامات و تمهیدات لازم اندیشیده می‌شد. وی تصریح کرد: ادامه واحد RCD، واحد RFCC است که و اگر کاتالیست باقی مانده تامین نمی‌شد علاوه بر تاثیر بر عملکرد واحد RFCC روزانه دو میلیون دلار خسارت به سیستم وارد می‌شد ولی به سرعت و با همت مهندسین و کارشناسان پالایشگاه برای تامین باقی مانده کاتالیست اقدامات موثر رقم خورد. در این آیین، محمد امیدی، مدیرعامل شرکت اکسیر نوین فرآیند آسیا اظهار کرد: شرکت از سال ۱۳۹۱ تولید صنعتی کاتالیست را آغاز کرد و با ظرفیت سه هزار تن و ۶۰ نوع محصول فعال شد. با توجه به وابستگی شرکت به کاتالیست طرح توسعه در دستور کار قرار گرفت و ظرفیت تولید به ۱۰ هزار تن در سال رسید و تولید ۱۱۰ نوع محصول دنبال شد. وی تصریح کرد: کاتالیست RCD یکی از با اهمیت‌ترین کاتالیست هاست و تامین آن از خارج مشکلات زیادی از جمله تاخیر در واردات و خروج ارز به دنبال داشت که به همین دلیل به همراه پژوهشکده صنعت نفت به طرح تهیه این کاتالیست ورود کردیم و طراحی، مهندسی و ساخت خط تولید با سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیون یورو آغاز شد و پس از عقد تفاهمنامه با پالایشگاه شازند در دی۱۴۰۱ کاتالیست بارگیری شد و امروز در بهترین شرایط است. امیدی اضافه کرد: سولفور این کاتالیست بین سه تا چهار هزار ppm و در دمای پایین تر نسبت به کاتالیست‌های دیگر تهیه شده است.



تحلیل صمت از دلایل شکست صندوق توسعه ملی در تثبیت درآمدها

نهادی که تبدیل به «قلک دولت‌ها» شد



امیرعباس آذرموند: در کشورهای صادرکننده نفت و گاز، تثبیت سهم دولت از محل این منابع پرنوسان اهمیت فراوان دارد. در ایران و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، این موضوع با ایجاد حساب ذخیره ارزی و طراحی یک قاعده مالی میان‌مدت دنبال شد. در این قاعده، سقف بهره‌مندی دولت از منابع نفتی در سال‌های برنامه تعیین و مازاد آن به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شد. در برنامه‌های پنجم و ششم با تاسیس صندوق توسعه ملی، مسئله تثبیت به حاشیه رفت و قاعده مالی میان‌مدت جای خود را به تعیین میزان بهره‌مندی دولت از منابع نفتی در بودجه سنواتی داد. انگیزه دولت‌ها برای بیش‌برآورد منابع نفتی در بودجه و استفاده هرچه بیشتر از این منابع، سرریز منابع به حساب ذخیره ارزی در دوران وفور درآمدهای نفتی را به‌حداقل رساند تا در دوران کاهش این درآمدها، دولت‌ها برای جبران کسری بودجه به برداشت‌های بی‌رویه از صندوق اقدام کنند. ارتقای جایگاه صندوق توسعه ملی و دستیابی به اهداف آن در زمینه سرمایه و توسعه، مستلزم ایجاد و پایبندی به یک قاعده مالی میان‌مدت درباره میزان بهره‌مندی دولت از منابع حاصل از فروش نفت است.

صندوق توسعه ملی و مدیریت بهینه درآمدهای نفتی

به‌گزارش صمت و به‌نقل از گزارشی با عنوان «صندوق توسعه ملی و مدیریت بهینه درآمدهای نفتی در برنامه هفتم توسعه» مدیریت درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، از مسائلی است که در ادبیات سیاست‌گذاری اقتصاد کلان به تفصیل به آن پرداخته شده است. نوسانات شدید نرخ نفت و ورود حجم بزرگی از منابع ارزی در اقتصاد از موضوعاتی است که تولیدکنندگان نفت را بر آن داشته تا الگوهایی برای مدیریت این درآمدها طراحی کنند. ایران در زمره غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر ذخایر نفت و گاز است که با طراحی قواعد مالی (بودجه‌ای) برای ورود منابع نفتی به بودجه دولت، ۲ نهاد حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی را برای تامین اهداف فوق طراحی و ایجاد کرده است. از آنجا که برنامه‌های توسعه، خاستگاه هر دو نهاد یادشده هستند، شناسایی نقاط ضعف و قوت الگوهای پیاده‌شده برای مدیریت درآمدهای نفتی می‌تواند دلالت‌های مهمی در مسیر تدوین و تصویب برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه داشته باشد.

۲ نهاد و یک نتیجه تکراری

حساب ذخیره ارزی نخستین سازکار نهادی در راستای مدیریت بهینه درآمدهای نفتی بود که در قانون برنامه سوم توسعه ایجاد شد. این حساب با هدف ایجاد در میزان منابع ارزی دولت از محل صدور نفت خام و تبدیل دارایی حاصل از صادرات نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری، به‌وجود آمد. جایگاه حساب ذخیره ارزی با تغییرات مختصری در نام و قوانین مربوطه، در قانون برنامه چهارم توسعه هم حفظ شد.

ماموریت اصلی حساب ذخیره ارزی را می‌توان در تثبیت منابع نفتی ورودی به بودجه دولتی خلاصه کرد، هرچند عملکرد حساب در سال‌های نخست و به‌ویژه در دوره برنامه سوم در مجموع موفق ارزیابی می‌شود، اما در دوران وفور درآمدهای نفتی کشور، با تجمیع منابع قابل‌توجه حساب، انگیزه برداشت‌های بی‌رویه از آن بیشتر شد. همین سبب شد تا در عمل این حساب، کارکرد خویش را از دست دهد و از ماموریت خود باز بماند. همچنین، برخی نارسایی‌ها در فرآیند اعطای وام از محل موجود حساب سبب شد تا تسهیلات اعطایی از این محل، کارآیی لازم را نداشته باشد و تا امروز نیز بخشی از آن به‌صورت مطالبات معوق باقی مانده است.

با افزایش چشمگیر نرخ نفت در بازار جهانی، منابع حاصل از صادرات نفت‌خام افزایش قابل‌توجهی پیدا کرد و همین موضوع سبب شد تا مسئله استفاده بهینه از این منابع بیش از پیش موردتوجه قرار بگیرد. به این منظور و به پشتوانه بند «۲۲» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، نهاد جدیدی به نام «صندوق توسعه ملی» شکل گرفت. در این طراحی جدید، صندوق ماموریتی در رابطه با تثبیت منابع بودجه دولت نداشت، اما از جهت توجه به ملاحظات جلوگیری از سرکوب نرخ ارز، از تبدیل منابع ارزی به ریال منع شد. ماموریت اصلی صندوق، تبدیل بخشی از عواید نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از طریق سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی یا اعطای تسهیلات به بخش‌های غیردولتی بود. از سوی دیگر، ماموریت تثبیت منابع ورودی بودجه دولت برعهده حساب ذخیره ارزی باقی ماند، اما قاعده مالی (بودجه‌ای) ورود منابع نفتی به بودجه دچار تغییر شد. به این ترتیب، تمرکز برنامه‌های توسعه کشور در حوزه مدیریت درآمدهای نفتی از مسئله تثبیت به مسئله بهره‌گیری هرچه بیشتر از این منابع در راستای سرمایه‌گذاری و توسعه تغییر یافت. یکی از عوامل این تغییر یعنی نگاه به مدیریت منابع حاصل از صادرات نفت‌خام را می‌توان در روند نرخ نفت خام در بازارهای جهانی جست‌وجو کرد. به‌نظر می‌رسد، تمرکز ویژه بر مسئله تثبیت در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه از یک‌سو و توجه ویژه به مسئله سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای در برنامه پنجم از سوی دیگر، بی‌تاثیر از وضعیت بازار نفت‌خام در سال‌های منتهی به تصویب هر یک از این برنامه‌ها نبوده باشد.

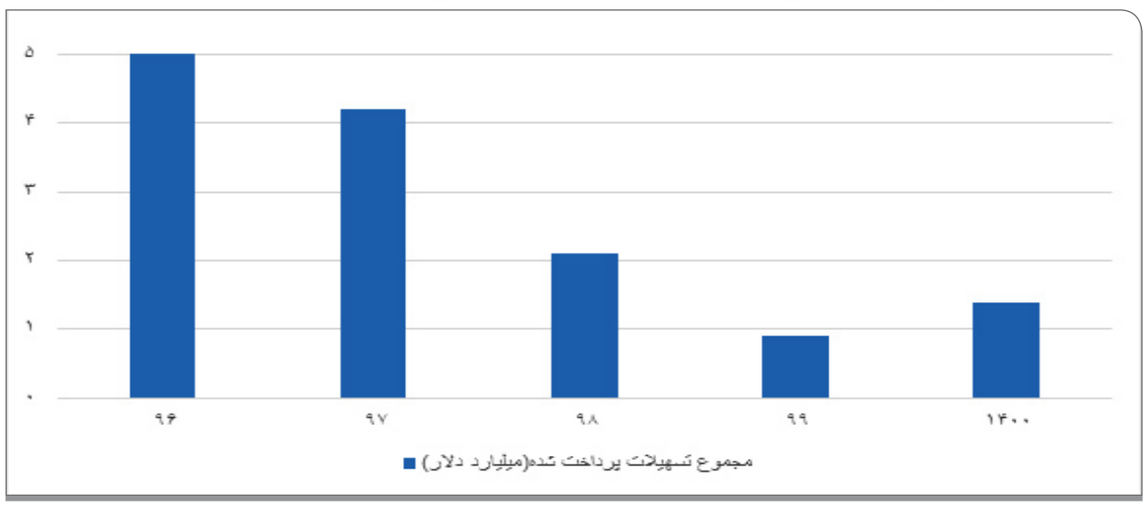
از این‌رو در دوران برنامه پنجم توسعه، در عمل موضوع تثبیت (حساب ذخیره ارزی) به حاشیه رفته و موضوع سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای (صندوق توسعه ملی) در اولویت قرار گرفته است. با این همه، انگیزه دولت به افزایش مخارج در دوره وفور درآمدهای نفتی و نبود استراتژی سرمایه‌گذاری فعالانه در صندوق توسعه ملی موجب شد تا به بهانه‌های مختلف، برداشت‌هایی از این صندوق صورت گیرد و نگاه به صندوق به‌عنوان بودجه دوم یا قلک دولت‌ها، جایگزین طراحی اولیه شود.

صندوق توسعه دوباره احیا شد

آسیب‌شناسی انجام‌شده در پایان برنامه پنجم موجب شد تا بند «۱۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ضمن دائمی کردن اساسنامه موجود، به برخی از آسیب‌ها پرداخته و چارچوبی برای مقابله با این آسیب‌ها ارائه کرده است؛ این چارچوب ۴ بخش مهم دارد که عبارت هستند از: «استقلال مدیریت حساب‌ها از بانک مرکزی»، «ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های غیردولتی به‌شکل ارزی»، «استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی» و «سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق نزد بانک‌های عامل در قابل اخذ خط اعتباری ریالی برای ارائه تسهیلات به بخش‌های کشاورزی، صنایع‌کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق».

با همه اینها، عملکرد دوران برنامه ششم توسعه در هر ۴ محور فوق را می‌توان شکست‌خورده ارزیابی کرد. از جمله موانع فعالانه صندوق در راستای سرمایه‌گذاری منابع خود، عدم‌دسترسی مستقیم به حساب‌ها بود که این موضوع موردتوجه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه نیز قرار گرفت. با این وجود، تشدید تحریم‌های ظالمانه علیه کشور و مسدود شدن دسترسی به بخشی از ذخایر ارزی در بانک‌های خارجی، از جمله موانع مهم بر سر راه استقلال کشور مدیریت حساب‌های صندوق از بانک مرکزی بوده است. ضرورت مدیریت بازار ارز و محدودیت منابع ارزی کشور در سال‌های گذشته موجب شد تا بخشی از ارزهای غیرقابل‌جابه‌جایی به حساب صندوق توسعه ملی منظور شود و مابقی در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار بگیرد.

نگاهی به ترکیب منابع و مصارف صندوق توسعه ملی در طول برنامه ششم نشان می‌دهد که بیشتر منابع صندوق صرف ارائه وام به بخش دولتی و برای تامین مصارف بودجه‌ای شده و تسهیلات دریافتی توسط بخش‌های غیردولتی، چیزی در حدود یک‌چهارم منابع صندوق است. عملکرد تسهیلات ارزی پرداخت‌شده در طول برنامه ششم به حدود ۱۳.۷ میلیارد دلار می‌رسد.

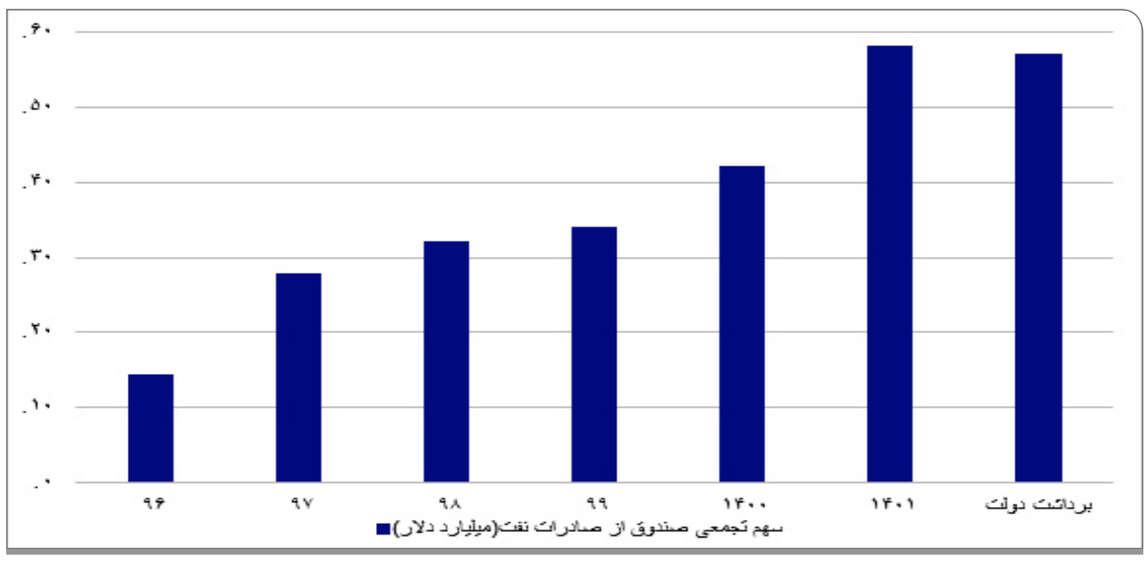


معادل دلاری تسهیلات اعطاشده از محل سپرده‌گذاری ریالی منابع صندوق توسعه ملی در دوران برنامه ششم توسعه، بالغ بر ۵.۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

باوجود تاکید سیاست‌های کلی و اساسنامه دائمی صندوق مبنی بر عدم‌تبدیل منابع ارزی صندوق به ریال، به پشتوانه برخی قوانین، بخشی از این منابع در قالب «سپرده‌گذاری ریالی» در بانک‌های عامل سپرده‌گذاری شد تا صرف اعطای تسهیلات به بخش‌های هدف

وابستگی صندوق به مصارف بودجه

استقلال از مصارف بودجه‌ای و عادی را به‌جرأت می‌توان ناموفق‌ترین بند از احکام سیاست‌های کلی مربوط به صندوق توسعه ملی دانست. براساس برآوردهای انجام‌شده، سهم قانونی صندوق از محل صادرات نفت خام، گاز طبیعی و میعانات گازی در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در مجموع حدود ۵۸ میلیارد دلار بوده است. در حالی که در همین مدت زمانی و در دوران دولت‌های دوازدهم و سیزدهم، حداقل ۵۷ میلیارد دلار از محل منابع صندوق توسعه ملی برداشت و صرف مصارف دولتی و حاکمیتی شده است.



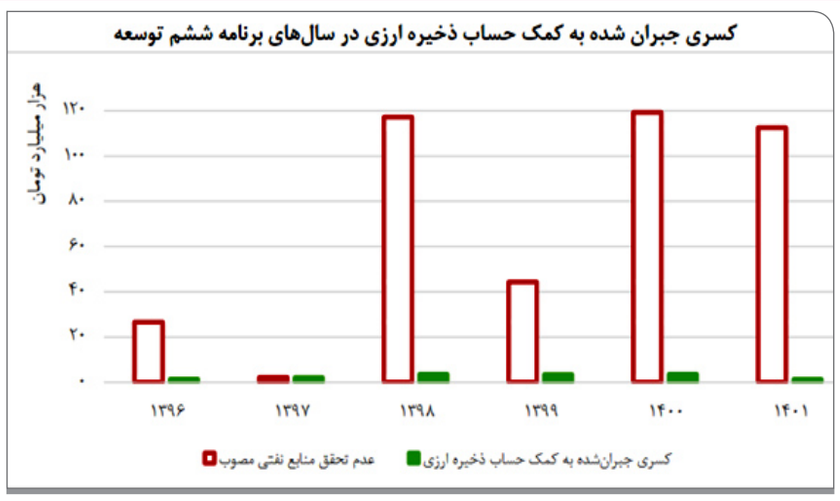
به این ترتیب، مهم‌ترین آسیب در عملکرد صندوق توسعه ملی، عدم‌استقلال آن از مصارف دولتی است که به‌موجب قوانین بودجه، قوانین عادی یا مجوزهای خاص منجر به از دست رفتن بخش بزرگی از منابع صندوق شده است. با این وجود، ریشه اصلی این مسئله را نه در عملکرد صندوق، بلکه باید در نبود راهکاری کارآمد برای تثبیت منابع نفتی ورودی به بودجه دولت جست‌وجو کرد.

با استناد به گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی تا پایان سال ۱۴۰۰، مسئله سپرده‌گذاری ارزی بخشی از منابع جهت اعطای تسهیلات ریالی، هیچ عملکردی از خود نشان نداده است. در موضوع سپرده‌گذاری ارزی منابع صندوق، در سال ۹۶ و در اجرای ماده ۸ قانون الحاقی برخی مواد قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز وظایفی برعهده صندوق گذاشته شد که به‌دلیل عدم‌پیگیری بانک‌ها فسخ شد. باتوجه به نوسانات ارزی، سپرده‌گذاری صندوق در بانک‌ها به این معناست که بانک‌ها نیز باید سود سپرده را به‌شکل ارزی بپردازند، در حالی که تسهیلات به‌صورت ریالی بازپرداخت می‌شود. به این ترتیب، در جهش‌های ارزی، تعهد سنگینی برای بانک سپرده‌پذیر ایجاد شده است و بانک‌ها هم به‌درستی زیر بار پذیرش این ریسک نرفته‌اند.

علاوه بر استمرار فعالیت صندوق توسعه ملی در برنامه ششم توسعه، همچنان ماموریت تثبیت جریان ورودی منابع نفتی به بودجه دولت برعهده حساب ذخیره ارزی گذاشته شده که فعالیت آن به موجب ماده ۱۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، استمرار یافته است. باتوجه به تغییر قاعده مالی میان‌مدت به قاعده یک‌ساله، پیش‌بینی منابع نفتی در بودجه، انگیزه دولت‌ها به بیش‌برآورد منابع حاصل از صادرات نفت موجب شده تا حساب ذخیره ارزی کارکرد خود را از دست بدهد.

مشکل دوگانه تثبیت در اقتصاد بی‌ثبات

این عوامل نشان می‌دهند که لااقل ۲ آسیب مهم در این مورد وجود دارد. ناکارآمدی سازکار تثبیت منابع نفتی ورودی به بودجه دولت، مهم‌ترین صدمه‌ای است که در هردو تجربه حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی در برنامه پنجم و ششم، نداشتن انگیزه کافی دولت‌ها برای کنار گذاشتن بخشی از منابع نفتی در دوران وفور این منابع و برداشت‌های بی‌رویه از حساب و صندوق در دوران کاهش درآمدهای نفتی است. به‌تعبیری دیگر، مهم‌ترین عامل شکست هردو نهاد در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، بی‌توجهی جدی به سازکار تثبیت جریان منابع ورودی به بودجه دولت است.



ریشه ناکارآمدی حساب ذخیره ارزی در تثبیت منابع نفتی بودجه دولت را باید در گذار از قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه به قوانین برنامه پنجم و ششم جست‌وجو کرد. در برنامه پنجم، در کنار تشکیل صندوق توسعه ملی به‌منظور سرمایه‌گذاری عواید نفتی، تغییر مهمی در قاعده مالی مربوط به تثبیت ورود منابع نفتی به بودجه دولت اتفاق افتاد و به‌تبع آن، برنامه‌ریزی‌های بودجه‌ای دولت را متاثر کرد. در برنامه پنجم توسعه، به‌جای پیش‌بینی منابع نفتی در افق برنامه، این پیش‌بینی‌ها در فرآیند بودجه‌ریزی (یک‌ساله) انجام می‌شد. این موضوع با تقویت انگیزه دولت‌ها در بیش‌برآورد منابع حاصل از صادرات نفت و استفاده بیشتر از این منابع در بودجه، موضوع تثبیت را به حاشیه برد، زیرا به‌طور کلی مقوله «تثبیت» باید در بازه‌های زمانی طولانی‌تری موردتوجه باشد و به این ترتیب، تغییر از نگاه میان‌مدت (پیش‌بینی منابع حاصل از صادرات نفت در افق برنامه) به نگاه کوتاه‌مدت (پیش‌بینی سهم دولت از صادرات نفت به‌صورت سالانه) از اساس با تثبیت در تعارض است. در برنامه‌های ششم و پنجم توسعه، حساب ذخیره ارزی متولی تثبیت است و صندوق ماموریتی در این مورد ندارد. با این حال، عدم‌ایفای صحیح نقش تثبیتی توسط حساب ذخیره ارزی، موجب شده است تا با صندوق به‌مثابه قلک رفتار و برداشت‌های بی‌رویه‌ای از آن انجام شود. از این‌رو، پیش‌نیاز اصلاح عملکرد صندوق توسعه ملی و استفاده بهینه از منابع نفتی، حل مسئله تثبیت جریان ورودی منابع نفتی به بودجه دولت است. از سوی دیگر، کمابیش تمام فعالیت صندوق در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، محدود به اعطای تسهیلات به بخش‌های غیردولتی با عاملیت بانک‌ها بوده است. این رویکرد انفعالی در سرمایه‌گذاری بخش بزرگی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز کشور، موجب شده است تا بخش قابل‌توجهی از منابع صندوق به‌شکل موجودی نقدی باقی بماند و همچنین، نسبت آن با برنامه‌های توسعه کشور و اهداف کلان دولت‌ها نامشخص باشد. به‌زبان‌ساده‌تر، در صورت شفاف شدن راهبردهای سرمایه‌گذاری صندوق و اتخاذ روش‌های فعالانه در سرمایه‌گذاری، بخشی از دغدغه‌های دولت در زمینه توسعه و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و مولد کشور رفع می‌شود، نگاه دولت به صندوق از وضعیت کنونی (قلک دولت‌ها) به وضعیت مطلوب (نهادی با ماموریت سرمایه‌گذاری در راستای راهبردهای کلان توسعه کشور) تغییر خواهد کرد.

در گفت‌وگوی کارشناس اقتصاد با صمت:

صندوق به دنبال بنگاهداری نیست





امیر عباس‌آذرموند: یک منتقد اقتصادی در رابطه با دلایل شکست صندوق توسعه ملی و فاصله گرفتن حساب ذخیره ارزی از اهداف اولیه تاسیس به صمت گفت: «بررسی ۶ برنامه توسعه اجرا شده پس از انقلاب گواهی است بر اینکه در هر برنامه حداکثر ۲۰ تا ۲۵ درصد اهداف محقق شده‌اند؛ به زبان ساده‌تر، بین یک چهارم تا یک پنجم برنامه‌های توسعه‌ای کشور به اهداف خود رسیدند. البته باید برنامه سوم توسعه را مستثنا کنیم، چرا که در میان برنامه‌های اجرا شده پس از انقلاب بهترین عملکرد را داشته است. همچنین در مورد برنامه ششم توسعه هم، کمتر از ۲۰ درصد اهداف برنامه محقق شدند؛ این نکات را می‌توان مصادیقی از نبود باور جدی و راسخ به توسعه پایدار و ضرورت آن برای ایران قلمداد کرد.» یوسف کاووسی، تحلیلگر اقتصاد پولی و مالی، در ادامه تصریح کرد: «براساس اظهارات اخیر مدیرعامل صندوق توسعه ملی، بدهی دولت به صندوق ۱۰۰ میلیارد دلار است. دراصل مسئولان این صندوق نیز می‌دانند پول‌های پرداخت شده به دولت، به راحتی باز نخواهد گشت و بعید به نظر می‌رسد دولت حاضر به پرداخت و تسویه نقدی بدهی‌های خود به صندوق شود. به همین دلیل فکر می‌کنند صندوق با حضور و بهره‌برداری از پروژه‌هایی که خود سرمایه‌گذار آن بوده، می‌تواند به مطالبات دست پیدا کند. در این فرآیند صندوق با واگذاری پروژه‌ها پس از بهره‌برداری نیز به اهداف مورد نظر خواهد رسید. این روند اشتباهی نیست و اگر واقعا بنا بر همین گفته‌ها عمل کنند، تعدادی از پروژه‌های نیمه تمام به بهره‌برداری خواهد رسید و بدهی‌های دولت هم کاهش خواهد یافت.»

سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای

در یک دهه گذشته بدهی دولت به صندوق توسعه ملی به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده که آن هم از زمان احمدی نژاد و همزمان با شدت گرفتن تحریم‌ها آغاز شد. مدیرعامل صندوق توسعه ملی نیز اوایل آبان در نشست خبری گفت که بدهی دولت به صندوق ۱۰۰ میلیارد دلار است. پیشتر، مرکز پژوهش‌های مجلس هم اعلام کرده بود که در یک دهه گذشته، ۱۰۰.۸ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی، توسط دولت‌ها برداشت شده است. حالا مدیرعامل صندوق توسعه ملی بر این رقم مهر تایید زده و گفته؛ در حال حاضر صندوق ۱۰۰ میلیارد دلار از دولت طلب دارد که پیشنهاد شده برای بازپس‌گیری این طلب صندوق با مدل جدید سرمایه‌گذاری IHOPE در برخی از طرح‌ها به‌ویژه میادین نفتی حضور داشته باشد که این مجوز در برنامه هفتم توسعه به صندوق داده شد. او با بیان اینکه با تحلیل تجربه‌های ۱۰ سال گذشته صندوق به این نتیجه رسیدیم که باید تغییر روش داشته باشیم و صندوق تصمیم گرفت برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های بالای ۱۰۰ میلیارد دلار نوعی مشارکت و سرمایه‌گذاری را پیشنهاد دهد و از این رو باب تغییر رویه باز شد، ادامه داد: در بحث بازگرداندن مطالبات صندوق پیشنهاد دادیم که وارد سرمایه‌گذاری در چاه‌های نفتی مشترک شویم چراکه امکان استخراج و فروش نفت وجود دارد و صندوق می‌تواند با مدل IHOPE وارد این پروژه‌ها شود و این یک مدل برون‌سپاری است. تاکید می‌کنم ما نهاد مالی هستیم و وارد حفاری میادین نخواهیم شد و این اقدام از سوی شرکت‌های تخصصی انجام خواهد شد. مدیرعامل صندوق توسعه ملی با اشاره به گزارش ۱۰ سال گذشته و تسهیلات ارائه شده از سوی صندوق توسعه ملی که با فقدان بازپرداخت مواجه شده گفت: در یک دهه گذشته صندوق ۶۴ طرح نیروگاهی با ۳.۷ میلیارد دلار تسهیلات پشتیبانی کرد، اما از این رقم فقط ۱۰۰ میلیون دلار از اقساط وصول شده و ۱.۱ میلیارد دلار معوق است و مابقی هم هنوز سررسید نشده و با این روش دیگر به بخش نیروگاهی وام نمی‌دهیم.

غضنفری تاکید کرد: ابهاماتی ایجاد شد که آیا صندوق می‌خواهد بنگاهدار شود و کارمندهای بی‌شمار داشته باشد. اما اعلام می‌کنم که صندوق وارد بنگاهداری نمی‌شود و بنگاه‌داری سم و سیاه‌چاله می‌دانیم و در همین ساختمان با ۱۰۰ کارمند این سرمایه‌گذاری‌ها را انجام می‌دهیم.

◉ حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی دو مکانیسمی هستند که در ایران برای استفاده بهینه از درآمدهای نفتی جهت سرمایه‌گذاری و همچنین پس‌انداز بخشی از درآمدهای حاصله، مورد استفاده قرار گرفت. فعالیت حساب ذخیر ارزی از برنامه سوم توسعه آغاز شد و پس از مدتی با هدف تاکید بر بازپرداخت برداشت‌ها از حساب، این نهاد به نام صندوق توسعه ملی تغییر نام داد. با اینهمه براساس آخرین خبرها در یک دهه گذشته بدهی دولت به صندوق توسعه ملی به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. به این ترتیب روند فعالیت این نهاد مالی در عرصه اقتصاد ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانطور که شما هم در توضیح خود اشاره کردید، در دولت اصلاحات که همزمان با اجرای برنامه سوم توسعه بود، تصمیم‌گیران دولتی به این نتیجه رسیدند که برای مدیریت بهینه منابع ارزی حاصل از فروش نفت، حساب ذخیر ارزی تاسیس شود. در همان دولت اول اصلاحات به سرعت حساب ذخیره ارزی تاسیس و آغاز به کار کرد.

طرح ایجاد حساب ذخیره ارزی در قالب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و متعاقبا آیین‌نامه اجرایی آن نیز در آبان ماه همان سال از سوی هیات وزیران به تصویب رسید.

به موجب بند (ه) ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه، آئین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی حداکثر ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون، به تصویب هیات وزیران رسید.

حساب ذخیره ارزی اهدافی نظیر ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت خام به دیگر انواع ذخایر و توسعه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و تامین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی بخش غیر دولتی و فراهم‌کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه را مدنظر قرار می‌دهد.

بر اساس قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، دولت در صورتی مجاز به برداشت از این حساب است که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به ارقام پیش‌بینی شده کاهش پیدا کند. همچنین برداشت از حساب ذخیره ارزی برای تامین کسری ناشی از عواید غیر نفتی بودجه عمومی ممنوع است.

بعدها با هدف تاکید بر بازپرداخت تسهیلات دریافتی از حساب، نام نهاد به صندوق تغییر کرد. اما با وجود اهمیت این مسئله و ابعاد بزرگ کار کارشناسی که حول آن شده بود، مشاهده می‌کنیم این دو، یعنی حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی موفق نشدند به اهداف خود برسند. دلایل مختلفی برای این مهم وجود دارد ولی فکر می‌کنم چیزی که در این مدت به طور مشخص به صندوق توسعه ملی در تحقق اهداف آسیب زده موضوع تحریم‌هاست. به نحوی که از مجموع ۱۵۰ میلیارد دلار ورودی صندوق، معادل ۱۰۰ میلیارد دلار به دولت قرض داده شده است.

امروز همه پذیرفته‌اند که هدف اعمال تحریم علیه یک کشور، کاهش چشمگیر درآمدهای آن است تا قدرت طرف مقابل را درک کند و به اصطلاح چارچوب طرف قوی‌تر را بپذیرد. تحریم درآمدهای دولت ایران را هم به شکل غیرقابل کتمان کاهش داده است. این امر موجب شد تا هر سال رکورد بیشترین کسری بودجه نسبت به سال قبل از آن، شکسته شود. لااقل از سال ۹۷ تا امروز، همزمان با افزایش چشمگیر تورم و کاهش رشد اقتصادی، کسری بودجه سالانه به سرعت افزایش یافته و برخی شواهد حکایت از کسری بودجه ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی برای سال گذشته دارد. این امر در شرایطی بود که دولت اقدام به اخذ مجوز برای برداشت از منابع صندوق توسعه ملی کرد و بخشی دیگر از منابع صندوق که بنا بود برای حمایت از توسعه، صرف سرمایه‌گذاری شود به شکل تکلیفی به گروه‌ها و بنگاه‌های خاصی پرداخت شد که به هر روی فضا را از حالت رقابتی دورتر می‌کرد. دیده شده که منابع دریافتی این بنگاه‌ها نیز در برخی از موارد در فعالیت‌های توسعه‌ای هزینه نشده و صرف اقداماتی شده که تنها موجب افزایش سوددهی بنگاه‌های یاد شده گشته و کمکی به توسعه اقتصادی نکرده است.

◉ گفته می‌شود که بخش مهمی از منابع صندوق در قالب پرداخت تسهیلات، با عدم بازگشت مواجه شده است. دلیل این موضوع چیست؟

به هر حال بخش مهمی از تسهیلاتی که بنا است صندوق توسعه ملی بپردازد، به شکل تسهیلات ارزی بود تا تولیدکننده یا صادرکننده بتوانند از این طریق با سرعت نیازهای خود را برای افزایش میزان و کیفیت تولید ارتقا دهند. در این میان شاهد بودیم که ناگهان تورمی بزرگ بر ایران حاکم شده که همزمان با تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بود. به همین دلیل با کاهش چشمگیر قدرت پول ملی مواجه شدیم که این امر سبب شد بازپرداخت تسهیلات ارزی اخذ شده، دشوارتر از هر زمان دیگری شود.

به طور مثال، فرد یا بنگاهی که تسهیلات ارزی را با نرخ دلار ۴ هزار یا ۶ هزار تومانی گرفته، در زمان تسویه و تکلیف بازپرداخت با نرخ روز ارز، دچار مشکل شده و یا دیگر این روند را منصفانه نمی‌داند. این امر تا اندازه زیادی در مورد دولت‌ها نیز صادق است.

◉ با اشاره به همین نکات، گاه شنیده می‌شود عده‌ای داشتن حساب ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی را برای ایران مناسب نمی‌دانند. چقدر این حرف می‌تواند درست باشد؟

من فکر می‌کنم این صحبت و صحبت‌هایی از این دست، یکسره اشتباه و غلط هستند و نباید به آنها بها داد. ایجاد مکانیسم‌هایی که بتواند درآمدهای حاصل از فروش مواد خام را تثبیت کند یا جهت استفاده در پروژه‌های توسعه‌ای به کار بگیرد، اقدامی کاملا درست و اصولی است و اگر امروز هم این پروژه در کشورمان با شکست مواجه شده، نباید کل ایده را زیر سوال برد و بهتر است به دلایل شکست آن در ایران پرداخته شود.

در زمانی که بحث مربوط به صندوق توسعه ملی و حتی پیش از آن حساب ذخیره ارزی مطرح بود، کار کارشناسی فراوانی حول آن صورت گرفت و حتی به بررسی عملکرد کشورهای توسعه یافته و نسبتا موفق در جهان هم پرداخته شد. بر مبنای همین کار مطالعاتی بود که مشخص شد نیاز اقتصاد ایران ایجاد مکانیسمی است که بتواند نوسانات نرخ انرژی در بازارهای جهانی را طوری مدیریت کنند که بر اقتصاد اثرگذار نباشند.

> ایجاد مکانیسم‌هایی که بتواند درآمدهای حاصل از فروش مواد خام را تثبیت کند یا جهت استفاده در پروژه‌های توسعه‌ای به کار بگیرد، اقدامی کاملا درست و اصولی است

◉ به نظر شما نروژ را می‌توان نمونه موفقی در این عرصه دانست؟

درواقع مهم‌ترین و موفق‌ترین نمونه کشور توسعه یافته در شمال اروپا، نروژ است. این کشور از زمانی که نفت را پالایش و صادر کرد، کلیه درآمدهای حاصل از فروش نفت خام را به صندوقی واریز کرده و از طریق این درآمدها دست به سرمایه‌گذاری‌های سودده و مورد نیاز جامعه (مانند پروژه‌های عمومی و عمرانی) زدند. در گام بعد نیز از محل سود حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها، بخشی از منابع حاصل از سرمایه‌گذاری به حساب دولت واریز می‌شود. به همین دلیل اگر دولت، در تامین هزینه‌های جاری نیز دچار مشکل شود، اجازه استفاده مستقیم از درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت را نداشته و تنها از محل سوددهی منابع نفتی، می‌تواند گشایشی در بخش درآمدهای داشته باشد.

◉ در صحبت‌های خودتان به این اشاره کردید که در دوره تحریم‌ها صندوق توسعه ملی، برای تامین کسری بودجه دولت با فشارهایی مواجه شد. این در حالی است که با وجود درآمدهای سرشار و بی‌سابقه نفتی در دولت‌های نهم و دهم، منابع چندانی در حساب ذخیره ارزی وجود نداشت. می‌توان با استناد به این نکته، عنوان کرد؛ امروز هر چند کاهش درآمد، صندوق توسعه ملی را دچار مشکل کرده ولی درک اشتباهی از اقتصاد سیاسی در نظام تصمیم‌گیری هم وجود دارد؟

به طور قطع این نکته نیز صحت دارد. درواقع از دولت‌های نهم و دهم به عنوان پردرآمدترین دولت‌های ایران، یاد می‌شود و این امر نشاندهنده این است که در کشور ما حتی وقتی وفور درآمدها هم وجود داشت، مسئولان وقت قوانین و توجه به ضوابط را رعایت نکردند و یکسره پرونده یک سیاست‌گذاری کلان بسته شد.

مشکل به نظر من در جایی است که بخشی از جناح‌های حاکم به کلی مخالف توسعه پایدار هستند یا حداقل به این مفهوم و سیاست‌های مرتبط با آن اعتقادی ندارند. در همان دولت نهم، برنامه چهارم توسعه به درستی اجرا نشد. برخی می‌گفتند از نظر فکری و ایدئولوژیک به اهداف و سیاست‌های برنامه اعتقاد ندارند.

در نتیجه مسئله حساب ذخیره ارزی به حاشیه رانده شد و با افزایش درآمدها، آنها هم بر هزینه‌ها افزودند. تداوم این رویکرد منجر به کاهش ذخیره حساب شد تا آنجا که در پایان دولت دهم، کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در حساب ذخیره ارزی باقی مانده بود که بیانگر رها شدن این سیاست بود.

◉ می‌توان عدم باور به توسعه پایدار را هم از عوامل شکست برنامه‌های توسعه قلمداد کرد؟

بدون تردید این عامل تعیین‌کننده و مهمی بوده که موجب شده بسیاری از سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌ها، هیچ‌گاه محقق نشوند.

بررسی ۶ برنامه توسعه اجرا شده پس از انقلاب گواهی است بر اینکه در هر برنامه حداکثر ۲۰ تا ۲۵ درصد اهداف محقق شوند؛ به زبان ساده‌تر، بین یک چهارم تا یک پنجم برنامه‌های توسعه‌ای کشور به اهداف خود رسیدند. البته باید برنامه سوم را مستثنا کنیم، چرا که در میان برنامه‌های اجرا شده پس از انقلاب بهترین عملکرد را داشته است. همچنین در مورد برنامه ششم هم، کمتر از ۲۰ درصد اهداف برنامه محقق شدند.

این نکات، مصادیقی هستند از نبود باور جدی و راسخ به توسعه پایدار و ضرورت آن برای ایران و یا اینکه برنامه‌هایی که در کشور نوشته شده، منطبث بر واقعیت روز نبودند و به همین دلیل در زمان اجرا، موفقیت چندانی حاصل نشده است. هر چند من فکر می‌کنم وقتی بخواهیم دقیق شویم، نباید نادیده بگیریم که بی‌اعتقادی به توسعه نقشی به مراتب پررنگ‌تر از عوامل دیگر داشته است.

◉ به این ترتیب می‌توان گفت حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی، در دوره‌های مصادف با درآمد بالای نفتی، بیشترین آسیب‌ها را نیز دیده است. به نظر شما زیان این دوره‌ها برای صندوق بیشتر بوده یا دوره تحریم؟

بدون تردید در دوره وفور درآمدهای نفتی، صندوق با زیان بیشتری مواجه شده است. زیرا کشور در شرایطی قرار داشت که می‌توانست چند برابر برنامه توسعه هم منابع را در حساب ذخیره نگه دارد تا در دوره کاهش درآمدها مورد استفاده قرار بگیرد. این اتفاق رخ نداد که من آن را بزرگ‌ترین ضربه به فلسفه وجودی صندوق و اقتصاد می‌دانم.

◉ آیا می‌توان ادعا کرد که اگر برنامه چهارم توسعه و قوانین مربوط به حساب ذخیره ارزی رعایت می‌شد، شرایط متفاوتی در دهه ۹۰ تجربه شده و وضعیت اقتصادی متفاوتی داشتیم؟

بدون تردید اگر تنها ۲۰۰ میلیارد دلار، از ۸۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی را در حساب ذخیره ارزی واریز می‌کردند و همچنین این منابع را صرف فعالیت‌های واقعی توسعه‌ای می‌کردند، امروز اقتصاد کشور وضعیت کاملا متفاوتی داشت.

◉ مدیرعامل صندوق توسعه ملی با اشاره به طلب ۱۰۰ میلیارد دلاری صندوق، خواهان این شده که برخی پروژه‌ها به ویژه در بخش نفت را به این صندوق واگذار کنند. این امر برای برخی نگرانی نسبت به احتمال بنگاهداری توسط صندوق ایجاد کرده است. نگاه شما چیست؟

من به صحبت‌های آقای غضنفری گوش دادم و فکر می‌کنم خودشان به مسئله اشاره کافی داشتند. او تاکید کرده که صندوق به دنبال بنگاهداری نیست و هدفش «بنگاه‌سازی» است. او حتی تصریح کرده که صندوق یک ساختمان با کمتر از ۱۰۰ کارمند است و به تبع نمی‌تواند اقدام به بنگاهداری کنم.

از زاویه دیگری هم به مسئله می‌توانیم نگاه کنیم؛ آقای غضنفری نیز می‌داند پول‌های پرداخت شده به دولت، به راحتی باز نخواهد گشت و بعید به نظر می‌رسد دولت حاضر به پرداخت و تسویه نقدی بدهی‌های خود به صندوق شود.

به همین دلیل فکر می‌کنند صندوق با حضور و بهره‌برداری از پروژه‌هایی که خود سرمایه‌گذار آن بوده، می‌تواند به مطالبات دست پیدا کند. در این فرآیند صندوق با واگذاری پروژه‌ها پس از بهره‌برداری نیز به اهداف مورد نظر خواهد رسید. این روند اشتباهی نیست و اگر واقعا بنا بر همین گفته‌ها عمل کنند، تعدادی از پروژه‌های نیمه تمام به بهره‌برداری خواهد رسید و بدهی‌های دولت هم کاهش خواهد یافت.

صمت به بررسی آثار تغییرات اقلیمی بر اقتصاد پرداخت

اخلال در زنجیره تامین بر اثر گرمایش جهانی

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir

خشکسالی‌های طولانی‌تر، آتش‌سوزی‌های گسترده‌تر، سیل‌های بیشتر و توفان‌های سهمگین‌تر، همه اینها ارمغان شوم گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی است؛ پدیده‌ای که به‌گفته دانشمندان، مقصر اصلی‌اش ما انسان‌ها با قرن‌ها سوزاندن سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای هستیم. اما تغییرات‌اقلیمی تنها به محیط‌زیست آسیب نمی‌زند، بلکه اقتصاد هم از این ناحیه ضربه می‌خورد. در حقیقت، امروز تغییرات اقلیمی بیش از یک نگرانی زیست‌محیطی در نظر گرفته می‌شود و اغلب دانشمندان از آن به‌عنوان بحران سیاره‌ای یاد می‌کنند که علاوه بر سلامت انسان، سبب بروز معضلات اقتصادی زیادی شده است و روزبه‌روز ساختار تجاری جهان را تغییر می‌دهد. در واقع، همان‌طورکه جهان به‌سمت اواسط قرن پیش می‌رود، پیامدهای اقتصادی تغییرات آب‌وهوایی پررنگ‌تر از قبل می‌شود. به‌گفته بسیاری از تحلیلگران، از آنجایی که تغییرات آب‌وهوایی بر تولید اقتصاد جهانی تاثیر می‌گذارد، برای متخصصان کسب‌وکار تبدیل به مولفه‌ای مهم شده است. در واقع، مفاهیم مربوط به تغییرات آب‌وهوایی، بیش از گذشته از سوی فعالان اقتصادی درک می‌شود و براساس آن، دست به استراتژی می‌زنند. گزارش امروز صمت درباره تاثیرات تغییرات اقلیمی بر اقتصاد کشورها است و به اهمیت توجه برندها به محیط‌زیست در فرآیند تولید محصولات‌شان پرداخته است.



تغییرات اقلیمی و اقتصاد ایران

طبق مطالعات انجام‌گرفته در کشورهایی که بارندگی در یک فصل متمرکز شده یا مشکل تغییر اقلیم وجود دارد، فرآیند توسعه اقتصادی با تاخیر صورت می‌گیرد. برخی از مطالعات، ارتباط متغیرهای اقلیمی را با سطح درآمد بررسی کردند و فهمیدند که افزایش دما نه‌تنها موجب کاهش سطح تولید، بلکه باعث کاهش رشد اقتصادی در کشورهای فقیر می‌شود. این تاثیر خود را در کاهش تولید کشاورزی و صنعتی و همچنین بی‌ثباتی سیاسی نشان می‌دهد. در ایران هم تغییر اقلیم از طریق کاهش بارندگی، عرضه و صادرات محصولات کشاورزی را کاهش می‌دهد و آثار و پیامدهای آن، موجب تخریب اکوسیستم از طریق پدیده‌هایی مانند سیل، خشکسالی، فرسایش انقراض گونه‌ها و همچنین مرگ‌ومیر بر اثر وضعیت نامناسب آب و هوا می‌شود که این رخدادها به‌نوبه خود بر رشد اقتصادی آسیب وارد می‌کند. همچنین، تخصیص منابع محدود برای کاهش آثار منفی گرم شدن زمین، موجب کاهش منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی تحقیق، توسعه و همچنین سرمایه انسانی می‌شود.

تاثیر تغییر اقلیم بر اقتصاد جهانی

گزارش‌ها حاکی از آن است که تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ تا ۱۰درصد از تولید اقتصادی جهانی را به‌همراه داشته باشد که حدود ۲۳ تریلیون دلار به بنگاه‌های اقتصادی ضرر می‌رساند. به‌نقل از thebossmagazine این کاهش عظیم در ثروت جهانی احتمالا ناشی از عواملی مانند کاهش بازده محصولات کشاورزی، گسترش بیماری و بالا آمدن سطح آب دریاها خواهد بود که هر عنصر یک تهدید متمایز برای ثبات و رشد کسب‌وکار در سراسر جهان است.

بی‌شک اختلالات مرتبط با آب‌وهوا می‌تواند به‌طورجدی زنجیره تامین و عملیات کلی کسب‌وکار را مختل کند. به‌عنوان‌مثال، رویدادهای شدید آب‌وهوایی ممکن است منجر به تاخیر در تولید و نرخ نهایی شوند که در رفتار مصرف‌کننده نیز تاثیر می‌گذارند. گفتنی است، تاثیر اقتصادی تغییرات آب‌وهوایی نیز در بخش‌های مختلف متفاوت است. به‌گفته اقلیم‌شناسان، کاهش محصولات کشاورزی به‌دلیل تغییر الگوهای آب‌وهوایی و افزایش آفات و بیماری‌ها، موجب بروز چالش‌های عدیده‌ای در کشاورزی می‌شود.

همچنین صنعت املاک و مستغلات به‌دلیل بالا آمدن سطح دریاها با تهدید به‌خطرافتادن املاک ساحلی مواجه است. همچنین، صنعت بیمه مدل‌های قیمت‌گذاری خود را طبق نمودهای تغییرات اقلیمی نظیر خطرات ناشی از امواج گرما، آتش‌سوزی‌های جنگلی، خشکسالی و بارش‌های سیل‌آسا تغییر می‌دهد.

پاسخ جامعه جهانی تجارت

باتوجه به شواهد فزاینده تاثیرات اقتصادی بالقوه تغییرات آب‌وهوایی، فعالان اقتصادی در سراسر جهان در تلاش هستند که استراتژی‌های خود را با این تغییرات همسو کنند. آنها در حال اصلاح مدل‌های کسب‌وکار خود، بکارگیری شیوه‌های پایدار و تغییر ساختارهای قیمت‌گذاری در پاسخ به بحران آب‌وهوا هستند. برای مثال، شرکت‌های بزرگ بیمه، سرمایه‌های بیشتری را به‌سمت کسب‌وکارها سوق می‌دهند که متعهد به پایداری زیست‌محیطی هستند. هدف آنها ایجاد آینده‌ای سبز است.

علاوه بر این، کسب‌وکارها از نوآوری‌های فناوری برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی و افزایش کارآیی استفاده می‌کنند. نمونه بارز آن، استفاده از لامپ‌های LED است که ۷۵درصد انرژی کمتر نسبت به لامپ‌های رشته‌ای صرف می‌کند و ردپای کربن کمرنگ‌تری بر جای می‌گذارد.

پاسخ استراتژیک برای رهبران کسب‌وکار

رهبران کسب‌وکار با ارزیابی مجدد استراتژی‌های مربوط به مدیریت ریسک، تلاش می‌کنند شرکت‌های‌شان با تاثیرات تغییرات آب‌وهوایی سازگار شوند. کاهش ردپای کربن تولید محصولات، شامل محاسبه اختلالات مرتبط با آب‌وهوا در زنجیره تامین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار برای کاهش ردپای کربن و تغییر مدل‌های تجاری؛ از اهداف این شرکت‌ها است.

به‌عنوان‌مثال، مشاغل کشاورزی با چالش‌های فزاینده‌ای مانند کمبود آب، الگوهای نوسان آب‌وهوا و تخریب خاک مواجهند. یک کشاورزی پایدار و سازگار با تغییر اقلیم می‌تواند شامل اتخاذ فناوری‌های کشاورزی دقیق با استفاده از گونه‌های محصول مقاوم در برابر خشکی و سیستم‌های آبیاری کارآمد باشد. این شیوه‌ها می‌توانند تاثیرات زیست‌محیطی را کاهش دهند و درعین‌حال، کسب‌وکار کشاورزی را با تغییرات آب‌وهوایی سازگارتر و در درازمدت در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود.

علاوه بر این، کسب‌وکارها می‌توانند استراتژی‌های خود را با مشوق‌های دولتی برای کاهش تغییرات آب‌وهوایی هماهنگ کنند. به‌عنوان‌مثال، شرکت‌ها می‌توانند از اعتبارات مالیاتی ارائه‌شده برای سرمایه‌گذاری در انرژی پاک استفاده و پس‌اندازهای بالقوه و کارآیی عملیاتی را فراهم کنند.

سباستین آسودو در پژوهشی با عنوان (تاثیرات شوک‌های آب‌وهوایی بر فعالیت‌های اقتصادی) به این امر معتقد است که کشورهای گرمسیر، اقلیم شکننده‌ای دارند و بیشترین آسیب را از افزایش دما می‌بینند، اما همچنین می‌توانیم نشان دهیم که خسارت‌های کلی بزرگ و طولانی‌مدت ناشی از کاهش انباشت سرمایه، کاهش بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های در معرض گرما، سلامت ضعیف‌تر انسان و تولید پایین کشاورزی و صنعتی است. براساس این پژوهش، ایران در منطقه خاورمیانه؛ منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان، واقع شده، بنابراین با بحران آب مواجه است و از تغییر اقلیم و پیامدهای آن مصون نخواهد بود.

تغییر اقلیم، بهانه‌ای برای سود بیشتر

حساسیت موضوع تغییر اقلیم و گرمایش جهانی، موجب توجه برخی برندها و شرکت‌های کالامحور شده است و آن‌ها برنامه کمرنگ‌تر کردن رد پای کربن را در فرآیند تولید محصولات‌شان در دستور کار خود قرار دادند. بسیاری از آنها با عمومی‌سازی سیاهه انتشار خود، در تلاش برای جذب آن دسته از مشتریانی هستند که توجه به محیط‌زیست در فرآیند تولید کالای مصرفی‌شان از اهمیت زیادی برخوردار است.

در طول زمان، این فرآیند یعنی توجه به میزان آلایندگی در تولید کالاها تبدیل به یک مولفه اساسی در برندها شد و تاثیر زیادی بر اقتصاد آنها داشت. سوگل جوانبخش، کارشناس حوزه مد در گفت‌وگو با صمت درباره نقش مهم تغییرات اقلیمی بر اقتصاد برندها می‌گوید؛ در سال‌های اخیر به‌دلیل تشدید انتشار آلایندگی‌ها در جو زمین، آگاهی مردم نسبت به محیط‌زیست بیشتر و این باعث شده است که آحاد زیادی از جوامع، خواهان استفاده از محصولاتی باشند که ردپای کربن کمرنگ‌تری برجای گذاشته و میزان آلایندگی کمتری را به جو زمین وارد کرده‌اند. به این ترتیب، شرکت‌های بزرگ صنعت مد و لباس هم که یکی از آلوده‌کننده‌ترین صنایع در جهان به‌حساب می‌آیند، به این فکر افتادند که به اقناع مشتریان در بحث حفاظت از محیط‌زیست و کاهش آثار تغییرات اقلیمی بپردازند و بسیاری از شرکت‌ها به‌دنبال روش‌هایی از بازاریابی رفتند که در نهایت مشتریان را مجاب می‌کرد که کالای موردنظر آسیبی به محیط‌زیست وارد نکرده است.

حال بماند که چقدر از تعهدات شرکت‌ها به واقعیت می‌پیوندد. در واقع، بسیاری از مشتریان نمی‌دانستند که چنین روندهایی تنها برای تبلیغات است و واقعیت ندارد. بی‌شک تغییری در شیوه تولید بسیاری از برندها اتفاق نیفتاده است. جوانبخش در این‌باره می‌گوید که تحقیقات نشان داده است که ۶۶ درصد مصرف‌کنندگان در سطح دنیا حاضر هستند، بابت کالایی که در فرآیند تولیدش، آسیب کمتری به منابع‌طبیعی وارد شده و ردپای کمتری داشته است، پول بیشتری بپردازند، اما به هر حال، باز هم صاحبان برندها از این احساسات سوءاستفاده کرده و این تبلیغات بیشتر در حد حرف باقی مانده است. در حقیقت، کم پیش می‌آید که به تعهدات خود در تبلیغات وفادار باشند.

البته ناگفته نماند که هستند برندهای بزرگی که در دنیا تاحدی در این حوزه شفاف‌سازی کردند و گام‌های مهمی را برداشتند. گفتنی است، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و کاهش ردپای کربن در تمام حوزه‌های تولیدی از جمله صنایع لوازم الکترونیک و لوازم‌خانگی و حتی لوازم‌بهداشتی مشاهده می‌شود.

در نهایت تصمیم با شماست

جوانبخش در ادامه بااشاره به شناسایی محصولات دوستدار محیط‌زیست می‌گوید، چند شاخصه مهم در شناخت محصولات دوستدار محیط‌زیست وجود دارد که موجب پویاتر شدن اقتصاد برندها است. در گام نخست، خریداران می‌توانند با نگاهی به وب‌سایت شرکت‌ها پی به فرآیند تولید ببرند و درباره معیارهای زیست‌محیطی که تولیدکنندگان در تولید شفاف‌سازی کرده‌اند، بدانند. در واقع، می‌توانند به هر موضوعی درباره تهیه مواد اولیه تا فرآیندهایی که منجر به تولید محصول نهایی شده است، در وب‌سایت‌های برندهای بزرگ پی ببرند و به‌درستی تصمیم بگیرند.

به‌گفته وی، دومین راهکار این است که به‌دنبال شواهد دقیق علمی باشند. در واقع، از نظر کارشناسان بهره بگیرند و بیشتر درباره کالاهای دوستدار محیط‌زیست جست‌وجو کنند. برای مثال، آنها می‌توانند گزارش‌هایی را از هر برندی که منتشر شده است، پیدا کنند و بخوانند، چراکه اغلب این گزارش‌ها از سوی شخص سوم نوشته می‌شود و صداقت بیشتری دارد.

منظور از گزارش‌های سوم شخص، همان نظرسنجی‌های عمومی است که شرکت‌ها بعد از فروش کالا از مخاطبان‌شان می‌خواهند طی مراحلی در آنها شرکت کنند. باتوجه به این گزارش‌ها، افراد می‌توانند با رجوع به آنها بفهمند که چه برندی یا چه شرکت بزرگی، چه میزان به محیط‌زیست اهمیت می‌دهد و ردپای کربن آن چقدر است؟ برای مثال، در وب‌سایتی به نام گود آن یو «good on you» افراد می‌توانند با جست‌وجوی هر برند در آن، اطلاعاتی را که می‌خواهند، کسب کنند.

این کارشناس حوزه مد می‌گوید، اینکه مشتریان درباره برندهایی که خریداری می‌کنند، اطلاعات کافی به‌دست آورند، یک روش مهم است. در واقع، همه مردم باید بدانند که پول‌شان صرف خرید چه کالایی می‌شود و آن کالا چقدر برای محیط‌زیست‌شان هزینه‌ساز و ضرربار بوده است. این یکی از حقوق مشتریان در بحث خرید کالاها است. یک روش دیگر هم این است که افراد باید گواهینامه‌های برندها را بررسی کنند و بدانند که شرکت‌ها چه گواهینامه‌هایی، در چه زمینه‌هایی دریافت کرده‌اند. حتی مشتریان می‌توانند با مسئولان روابط‌عمومی در شرکت‌های بزرگ و کوچک ارتباط برقرار کنند و سوالات خود را در بحث محیط‌زیست از آنها بپرسند.



سخن پایانی

موسسه تحقیقاتی سوئیس، تخمین زده است که اگر دمای زمین تا سال ۲۰۵۰ به‌طورمتوسط ۳.۲ درجه سلسیوس (نسبت به پیش از انقلاب صنعتی) افزایش پیدا کند، حدود ۱۸درصد از تولید ناخالص داخلی جهان از بین می‌رود.

به‌گفته پژوهشگران، حتی در این شرایط هم گرمایش زمین، تولید ناخالص داخلی کشورهای خاورمیانه، آسیا و افریقا را به‌طورمتوسط حدود ۱۴ درصد کم می‌کند، در صورتی که میزان ضربه به اقتصاد کشورهای اروپایی و امریکای‌شمالی حدود ۷ درصد برآورد شده است.

همان‌طور که تغییرات اقلیمی آینده، اقتصاد جهان را تهدید می‌کند، تلاش برای حرکت به‌سوی انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه پایدار، فرصت‌های اقتصادی کم‌نظیری را هم پدید می‌آورد.

تحقیقات نشان داده که ۶۶ درصد مصرف‌کنندگان در سطح دنیا حاضر هستند بابت کالایی که در فرآیند تولید آن، آسیب کمتری به منابع طبیعی وارد شده و ردپای کمتری داشته، پول بیشتری بپردازند

یادداشت

گیاهان، در صف نخست انقراض



بهلول علیجانی، پدر دانش اقلیم‌شناسی سینوپتیک

گیاهان آسیب‌پذیرترین موجودات کره زمین در مقابله با تغییرات اقلیمی هستند.

در واقع، در مواجهه با تهدیدات تغییرات اقلیمی، این گیاهان هستند که بیش از دیگر موجودات در معرض انقراض قرار می‌گیرند. تغییرات اقلیمی روی حیوانات هم اثر می‌گذارد، اما گیاهان واکنش سریع‌تری به آن نشان می‌دهند.

از آنجایی که بیشتر جانوران قدرت حرکت بالایی دارند، در مواجهه با مخاطرات اقلیمی نظیر آب و موادغذایی کم، زیستگاه دیگری را برای خود انتخاب می‌کنند، هرچند گیاهان هم کوچ می‌کنند، اما معمولا در بازه‌های زمانی طولانی‌تری این اتفاق می‌افتد، بنابراین خسارت تغییر در گیاهان بیشتر است.

هر موجودی در کره زمین با در نظر گرفتن تمامی جوانب محیطی نظیر رطوبت، حاصلخیزی و املاح موجود در خاک، نم نسبی، دما و ... ، حد آسایش خاص خود را دارد.

به‌عبارت‌روشن‌تر، اقلیم‌شناسان در نمودارهایی به تناسب شرایط مطلوب زیستی هر نوع از جانداران محدوده آسایش آنها را تعیین کرده‌اند و این محدوده تعیین می‌کند که زیستگاه کدام نوع از جانداران در کدام منطقه کره زمین باشد.

تمامی موجودات در محدوده آسایش خود قرار دارند که نمی‌توانند براساس نمودارهای اقلیمی بالاتر یا پایین‌تر از آن محدوده آسایش زندگی کنند. برای مثال، دسته‌ای از گیاهان در محدوده دمایی ۵- تا ۴۰+ درجه می‌توانند به زیست خود ادامه دهند و اگر شرایطی حاکم شود که گیاهی خارج از این محدوده دمایی قرار گیرد، قادر به ادامه حیات نخواهد بود.

نام دیگر این محدوده‌های زیستی، آشیانه زندگی است و تغییرات اقلیمی باعث ویران شدن آشیانه‌های زندگی موجودات کره زمین می‌شود.

برخی محورها در نمودارهای زیستی، برای بعضی گونه‌های گیاهی وسیع‌تر است که نشانگر قدرت تطبیق‌پذیری بالای این نوع از گیاهان با شرایط مختلف اقلیمی است، اما برخی گیاهان هم در محدوده باریک دمایی قرار دارند؛ دسته اول سازگاری بیشتری با تغییرات اقلیمی خواهد داشت، اما دسته دوم در شرایط محدود دمایی می‌تواند به زیست خود ادامه دهد و توان سازگاری کمتری با تغییرات اقلیمی خواهد داشت.

شناخت از محدودیت دمایی و آشیانه زندگی گیاهان می‌تواند کمک شایانی به آمایش دقیق مکانی کند. در کل، برای مقابله با تهدیدات تغییرات اقلیمی ابتدا باید شناخت دقیقی از روند تغییرات دما در یک تا ۲ دهه آینده کسب کنیم، چراکه نخستین نشانه تغییرات اقلیمی، تغییرات دمایی است که بر دیگر عناصر اقلیمی نظیر بارش، نم نسبی، رطوبت خاک و... اثر می‌گذارد. بنابراین، دانستن شرایط آینده اقلیمی نواحی امروز بیش از هر مورد دیگری در بحث محیط‌زیست اهمیت دارد.

بنابراین، تغییر اقلیم از این نظر بر انقراض گونه‌های گیاهی اثر می‌گذارد که اگر افزایش دما بالاتر از حد تحمل زندگی گیاهان باشد، واضح است که راه انقراض را در پیش می‌گیرند.

حال اینکه ما از چه راه‌هایی می‌توانیم پی به چنین اوضاعی ببریم، بستگی به شناختی دارد که از محیط کسب می‌کنیم؛ اگر می‌خواهیم دقیقا بررسی کنیم که گونه‌های گیاهی از نظر تغییرات دمایی تا چه دمایی را تحمل می‌کنند، باید دید ظرف ۲ یا ۳ دهه آینده دمای مناطق مختلف کشور از آستانه‌ها تجاوز می‌کند یا خیر؟

تاثیر تهدیدات تغییرات اقلیمی روی گیاهان نمونه‌های مختلفی دارد. گیاهی ممکن است به‌محض قرارگیری در خارج از حد آسایش، قدرت تحمل نداشته باشد، اما گیاهی دیگر واکنش دیگری نشان دهد و شاید برخی گیاهان هم هیچ مشکلی نداشته باشند و به زیست خود ادامه بدهند. یکی از راهکارهای مهم مقابله با تغییرات اقلیمی و جلوگیری از انقراض گونه‌های زیستی، دانش کافی از شرایط آینده موجودات با آن شرایطی است که بشر را در انتظار بحران قرار می‌دهد. در حقیقت، انسان‌ها باید از امروز به فکر آن دسته از مخاطرات تدریجی باشند که ۳ الی ۴ دهه آینده گریبان آنها را می‌گیرد.

در واقع، باید دید کدام گونه گیاهی در ابتدای لیست انقراض قرار دارد. برای مثال، اگر میانگین دمای کره زمین ۲۵ درجه است، باید دید در یک تا ۲ دهه آینده با این روند افزایش دمایی گیاهان چه شرایطی پیدا می‌کنند. در حقیقت، از امروز باید دید که کدام گیاه نسبت به تغییرات اقلیمی محیطی حساسیت بیشتری دارد تا از همین الان، فکری به حال پوشش گیاهی منطقه موردنظر کرد. همچنین، باید دید کدام یک از گیاهان غالب در یک محیط، قدرت سازگاری بیشتری با آنجا دارند تا بتوان استفاده بهره‌وری بالاتری از آنها داشت.

درصد زیادی از نگرانی‌ها مربوط به کمبود منابع آبی و انقراض تنوع زیستی، هنوز برای مردم ناملموس است. هنوز انقراض تنوع زیستی و مخاطراتش برای مردم ملموس نیست، چراکه آنها با بحران کمبود آب مواجهند. در صورت ادامه این بی‌توجهی، بحران تنوع زیستی هم، مانند بحران کمبود آب گریبان مردم را خواهد گرفت. در واقع، مشکل دیگری هم ممکن است به معضل آب اضافه شود و آن هم از بین رفتن بسیاری از گونه‌های گیاهی است.

یادداشت

تمرکز بر تولید بیشتر شود



ابراهیم محمدولی
کارشناس بازار سکه و ارز

درست چند ساعت بعد از تحولات اخیر در خاورمیانه، بازار طلا و ارز در (بازار غیررسمی) ایران نسبت به این خبر از خود واکنش نشان داد و قیمت‌ها روند صعودی گرفتند. (البته این تنش بین‌المللی به‌سرعت بر نرخ اونس جهانی طلا اثر گذاشت و شاهد افزایش نرخ اونس جهانی نیز بودیم). این تجربه بار دیگر نشان داد که اقتصاد ایران خبری شده است و متناسب با اخبار منتشرشده، روند صعودی یا نزولی به خود می‌گیرد؛ از این‌رو لازم است که سیاست‌ها و شرایطی در نظر گرفته شود که بازار به شرایط ثبات نزدیک شود.

در اقتصاد فعلی، دلالی و واسطه‌گری رواج دارد و زمانی‌که اقتصاد برپایه دلالی استوار باشد، تردیدی وجود ندارد که اقتصاد تحت‌تاثیر رفتارهای بیرون از مرزها قرار می‌گیرد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که تحولات جزئی در کشورهای پیرامونی نیز در اقتصاد ایران تاثیر مثبت و منفی می‌گذارد، اما کشوری که حجم منابع معدنی آن فراوان است، نباید که بازارش چنین متاثر از تحولات خارجی قرار بگیرد.

این بخش نیاز به درایت و مدیریت دارد؛ باید در این منابع کار شود و مواد تبدیل به محصولات نهایی شوند که ارزش‌افزوده فراوان خلق کنند؛ متاسفانه ما به خام‌فروشی بسنده و عادت و این‌گونه اشتغالزایی و خلق پول را به سایر کشورها هدایت کرده‌ایم. زمانی‌که اقتصاد ایران به این سمت هدایت شده است، باید منتظر چنین اتفاقاتی باشیم.

پول ملی مانند پرچم آن کشور است و باید نسبت به آن حساسیت داشته باشیم، اما متاسفانه به‌دلیل کم‌کاری‌هایی که در چند دهه گذشته رخ داده است؛ هر اتفاق کوچکی باعث می‌شود که ارزش ریال افت کند. وزارت صمت باید تمرکز بیشتری روی تولید و صنعت جواهرسازی داشته باشد. در این زمینه، نیروهای وارسته، بادانش و هنرمند در ایران کم نیستند و می‌توانند صاحب سبک شوند.

باید در تولید و صنایع بیشتر متمرکز شویم، چراکه تلاطم‌ها در بازارهای موازی همیشگی است، اما تا زمانی که مدیریت در این زمینه به‌روز نشود، شاهد نوسان‌ها در نرخ ارز خواهیم بود. به‌نظر بنده، مدیریت به‌روز به این معناست که در کنار دنبال کردن بحث بازرگانی، صنایع، تولید و اشتغال نیز محور قرار بگیرد. چندین شاخص در کشور مانند اشتغال، صادرات و ارزآوری پایین آمده و این موضوع، در نهایت باعث کاهش ارزش پول ملی شده است.

ایجاد نوسان در نرخ طلا منحصر به بازار ایران نیست و بعد از تحولات ایجادشده در خاورمیانه نیز، شاهد تغییرات در نرخ طلا در بازارهای جهانی نیز شدیم. اما به‌نظر می‌آید که این تغییرات مدیریت شده است و اگر چنین نبود، نرخ اونس جهانی باید به‌حدود ۲ هزار و ۳۰۰ دلار تا ۲ هزار و ۴۰۰ دلار می‌رسید، نه اینکه هر اونس طلا حدود هزار و ۸۵۰ دلار باشد.

امروز موسسات مالی در دنیا تلاش دارند که سرمایه در موسسات آنها بماند و به نظر می‌رسد برای اینکه مشتری در بازار بماند، نرخ طلا را به‌ناچار پایین نگه داشته‌اند. در ۲ روز گذشته نرخ هر مثقال طلا ۹میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بود، اما بعد از تنش‌های اخیر در هر گرم طلا، ۲۵۰هزار تومان افزایش نرخ، تجربه شد. بانک مرکزی باید برای مهار بازار، سیاست جدیدی را در نظر بگیرد. اگر این بانک در ۱۵سالی که گذشته است،موسسات مالی را مجاب می‌کرد که بر تولید تمرکز بیشتری کنند، بدون تردید امکان کنترل بر قیمت‌ها وجود داشت. در دنیا بانک مرکزی برای تولید و صنایع بیشتر نقدینگی تخصیص می‌دهند، اما متاسفانه در کشور حمایتی از تولید نمی‌شود.

به‌نظر بنده، مرکزیت در تولیدات زودبازده باید تقویت شود؛ اگر چنین روندی صورت بگیرد، بدون تردید شاهد اتفاقات خوب در حوزه تولید خواهیم شد. این نگاه بانک مرکزی باید تغییر کند و نباید به‌دنبال سود باشد و هر چقدر میزان تسهیلات به بنگاه‌های تولید زودبازده بیشتر شود، بازار داخلی متحول خواهد شد. مشروط بر اینکه، همگام با یکدیگر قدم برداریم. واحدهای تولیدی حامی جز بانک‌ها ندارند و اگر رها شوند، امکان تامین نقدینگی آنها به‌حداقل خواهد رسید.

بررسی صمت از نوسان بازارهای موازی بعد از تنش‌های خاورمیانه نشان داد

مقاومت شکننده بازار

ذات بازار سیاسی است

سیرآنوش موسوی
editor@smtnews.ir

در ماه‌های اخیر، بانک مرکزی با در پیش گرفتن سیاست مهار نقدینگی در بازار تاحدودی توانست انتظارات تورمی را مهار و بازارهای موازی را به ثبات نزدیک کند؛ هرچند نمی‌توانیم در ایجاد این آرامش نسبی، از اخبار آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره‌جنوبی به‌سادگی بگذریم، اما تنش‌های خاورمیانه نشان داد که مقاومت بازار برای ثبات، شکننده‌تر از آن بود که به‌نظر می‌رسید. چنانچه، با آغاز مبارزات اخیر در خاورمیانه، شاهد جهش در نرخ ارز، طلا، سکه و خودرو بودیم.

در روزهای اخیر، نرخ دلار از کانال ۵۲ هزار تومان عبور کرد و به‌موازات این افزایش قیمت، حدود ۲۵۰هزار تومان در هر گرم طلای ۱۸عیار، افزایش نرخ دیده شد. اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست‌های مهار تورمی نتوانست موفق عمل کند یا اینکه ذات بازار سیاسی است و نمی‌تواند نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه بی‌تفاوت باشد؟ در این بین، کارشناسان و تحلیلگران بازار نیز بر این باور هستند که بازارهای جهانی نیز نیم‌نگاهی به تحولات سیاسی دارند، چراکه تجربه نشان داده، بعد از تحولات سیاسی، قیمت‌ها در این بازارها نیز تغییر کرده و حدود ۲۰ دلار نرخ جهانی طلا در هر اونس بالاتر رفته است.



عکس: صمت

صیانت از پول ملی فراموش نشود



سجاد بوربور، کارشناس بازار ارز در گفت‌وگو با صمت، وظیفه بانک مرکزی را صیانت از پول ملی معرفی کرد و افزود: باید قدرت و ارزش پول ملی حفظ شود تا رشد اقتصادی آسیب نبیند. این مهم با شعار محقق نخواهد شد و باید در عمل نیز نمود عینی پیدا کند؛ زمانی‌که پایه پولی به‌شدت رشد می‌کند و در نقطه مقابل، شتاب رشد نقدینگی پایین می‌آید و این موضوع خود را در قالب افزایش تورم نشان می‌دهد.

وی بااشاره به رشد نقدینگی در سال‌های گذشته، تصریح کرد: در سال ۹۶، نقدینگی حدود ۱۲.۵ درصد بود، اما امروز این عدد به حدود ۲۵درصد رسیده است. این آمار به‌خوبی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران آماده شلیک است، اما بانک مرکزی تلاش دارد که با خبردرمانی، نرخ دلار را مدیریت کند.

این کارشناس بازار با تاکید بر اینکه تغییرات در نرخ ارز در نیمه دوم سال قابل‌پیش‌بینی بود، افزود: نیمه دوم مهر، همواره برای بازار ارز آبستن حوادث زیادی است. ما نمیدانیم اتفاقی که در روزهای گذشته در خاورمیانه رخ داد، در راستای چه تفکری است؟ اما این پرسش مطرح است که چرا در آستانه تعیین‌تکلیف ما در موضوع برجام این اتفاق رخ داد؟ تجربه خبرهایی از این دست، به من یاد داده که هر اتفاقی که رخ می‌دهد، در راستای اتفاق مهم دیگری است.

▣ سرمایه‌گذاری خرید آینده است

بوربور بااشاره به تغییرات نرخ ارز و بازار سرمایه بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی، اضافه کرد: بعد از شهادت سردار سلیمانی، بازار سرمایه چند روز پیاپی منفی ۵ خورد؛ اما بازار برگشت و چندان ماندگار نماند؛ به‌نظر می‌رسد، این اتفاقات حاشیه‌هایی هستند که در احوال بازار تحول ایجاد می‌کنند. در حالی که سرمایه‌گذاری نوعی خرید آینده است، چراکه قرار نیست همواره جنگ بماند.

این کارشناس بازار ارز ادامه داد: در زمان جنگ روسیه و اوکراین، پیش‌بینی افزایش نرخ نهاده‌های دامی و کشاورزی تقویت شد و در یک برهه زمانی کوتاه، نرخ نهاده‌ها روند تصاعدی به خود گرفت، اما این افزایش نرخ چندان ادامه‌دار نماند و قیمت‌ها برگشت. از این‌رو شخصی که با افق سرمایه‌گذاری ۲ تا ۳ساله وارد بازار می‌شود، اتفاقات بر وی اثر نخواهد کرد. وی پیش‌بینی از بازار ارز در صورت امضا یا تعلیق برجام ارائه داد و افزود: کلیت اقتصاد این مهم را به ما نشان می‌دهد که تا پایان سال، ارزش دلار روی کاغذ بدون برجام به حدود ۷۰ هزار تومان برسد. در تعیین نرخ دلار یک نرخ و یک ارزش وجود دارد. به‌عنوان‌مثال، فرض را بر این بگیرید که نرخ یک واحد آپارتمان ۲۰ میلیارد تومان باشد، اما صاحب ملک به‌دلیل نیاز مالی، نرخ فروش آن خانه را ۱۵میلیارد تومان در نظر بگیرد، پس در این شرایط، نرخ خانه ۱۵میلیارد تومان است، در حالی که ارزش آن در واقع، ۲۰ میلیارد تومان است. به‌گفته بوربور؛ در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، نرخ و ارزش بازارها به یکدیگر نزدیک می‌شوند.

این کارشناس بازار ارز ادامه داد: ارزش دلار براساس داده‌های اقتصادی و با نقدینگی حدود ۸ هزار و ۲۰۰ تا ۸ هزار و ۴۰۰ همت، حدود ۵۷ تا ۶۰ هزار تومان است. اما اگر برجام امضا نشود، آیا شرایط در همین روال باقی خواهد ماند؟ بدون تردید پاسخ منفی است. حتی اگر در روز، حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت بفروشیم، نرخ دلار به ۷۰هزار تومان خواهد رسید. اما اگر برجام امضا شود و پول حاصل از فروش نفت نیز به‌دست ما برسد، نرخ دلار تا پایان سال، روی همان ۵۷ تا ۶۰ باقی می‌ماند و جای دوری نمی‌رود.

▣ سرمایه‌گذاری براساس داده‌های واقعی

وی با بیان اینکه عامل اقتصادی براساس داده‌های واقعی سرمایه‌گذاری می‌کند، تصریح کرد: سرمایه‌گذار در بازارهای موازی وارد می‌شود، اگر نرخ دلار بیشتر شد، پس سود بیشتری خواهد کرد، اما اگر پایین آمد یا ثابت ماند، ضرری نخواهد کرد. در سال‌های اخیر، نرخ سکه حدود ۳۰برابر، بورس ۲۰برابر، خودرو ۱۵برابر، مسکن ۱۲برابر و دلار ۱۱برابر رشد قیمتی را تجربه کرد، پس این آمار نشان می‌دهد که دلار متناسب با سایر بازارهای موازی پیش نرفته است. بوربور بااشاره به تاثیر گرفتن بازارهای موازی از یکدیگر، خاطرنشان کرد: مسکن اجازه نمی‌دهد که نرخ دلار پایین بیاید. در سال ۹۹ ، دلار ۳۳ هزار تومان شد، اما دلار در این نرخ نماند و نرخ آن ریزش کرد و به‌حدود ۲۵ هزار تومان رسید. آن زمان این دیدگاه مطرح می‌شد که اگر دلار روی ۲۵هزار تومان بماند، با نرخ مسکن هماهنگ می‌شود، اما اگر نرخ ارز به زیر ۲۰ هزار تومان برسد، نرخ مسکن افت می‌کند.بنابراین، بسیاری از صاحبان املاک، ملک‌های خود را می‌فروختند و آن را تبدیل به ارز می‌کردند؛ به‌همین‌دلیل، بازار مسکن اجازه نداد که نرخ دلار به زیر ۲۰ هزار تومان برسد. به‌عبارت‌دیگر، مسکن اجازه نداد که نرخ دلار ریزش کند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: بانک مرکزی چاره‌ای جز مهار انتظارات تورمی ندارد، بانک مرکزی باید سرعت گردش پول را می‌گرفت، اما دلاری برای تنظیم بازار نداشت و ندارد. در بحث واردات خودرو، مطرح شد که قرار است یک میلیون خودرو وارد کشور شود، اگر بر فرض، نرخ هر دستگاه خودرو را ۶ هزار دلار تصور کنیم، بانک مرکزی برای واردات خودرو باید ۶ میلیارد دلار ارز تخصیص می‌داد. این در حالی است که این حجم از نقدینگی در بانک مرکزی موجود نبود و اگر می‌خواست این حجم از نقدینگی را در بازار جمع کند، بدون تردید نرخ ارز به ۶۰ تا ۶۵ هزار تومان هم می‌رسید.

تاثیر بازارهای موازی از تحولات سیاسی



محمد کشتی‌آرای، کارشناس بازار ارز و طلا در گفت‌وگو با صمت، با تاکید بر تاثیر و تاثر بازار سکه، طلا گرمی و ارز از تنش‌های سیاسی منطقه، گفت: بانک مرکزی با در پیش گرفتن سیاست مهار نقدینگی ثبات نسبی در بازارهای سکه، طلا و ارز را ایجاد کرد و ثبات این بازارها بیش از ۳ ماه حفظ شد و نرخ ارز در محدوده ۴۹هزار تومان، سکه در محدود ۲۷میلیون تومان و هر گرم طلای ۱۸عیار در محدوده ۲میلیون و ۲۵۰هزار تومان در نوسان بود.

وی بااشاره به فرمول تعیین نرخ طلا در بازار داخلی، گفت: نرخ طلا و سکه متاثر از ارز است و با افزایش نرخ ارز، نرخ طلا گرمی و سکه نیز تحت‌تاثیر آن تغییر می‌کند و روند صعودی یا نزولی به خود می‌گیرد؛ نرخ طلا و سکه از حاصل‌ضرب نرخ جهانی و نرخ ارز به‌دست می‌آید.

به‌گفته این کارشناس بازار طلا و ارز؛ تعطیلی بازارهای جهانی در روز شنبه باعث شد که نرخ جهانی طلا تغییری نکند. در آن تاریخ، نرخ هر اونس طلای جهانی، هزار و ۸۰۰ دلار بود، اما از روز دوشنبه با بازگشایی بازارهای جهانی، اتفاقات منطقه‌ای در خاورمیانه تاثیر مستقیمی در نرخ جهانی طلا گذاشت و نرخ طلای جهانی با افزایش نرخ همراه شد و هر اونس جهانی، حدود ۲۰ دلار افزایش نرخ را تجربه کرد. کشتی‌آرای بااشاره به حباب ایجادشده در بازار سکه، خاطرنشان کرد: افزایش نرخ ارز و بازارهای جهانی زمینه‌های تغییر در نرخ طلا را ایجاد کرد. این موضوع باعث شد که در روزهای گذشته نرخ سکه ۴میلیون تومان افزایش نرخ و نرخ هر گرم طلای ۱۸عیار، حدود ۲۵۰هزار تومان افزایش نرخ را تجربه کند.

این کارشناس بازار ارز بانظر به حباب سکه، تصریح کرد: در روز جمعه، حباب سکه حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود، اما این حباب در روزهای گذشته به حدود ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید. بعد از افزایش قیمت‌ها، تقاضا برای خرید بیشتر شد و حباب سکه به حدود یک میلیون و ۳۰۰هزار تومان رسید.

▣ عوامل روانی در افزایش نرخ ارز

وی نوسان‌های نرخ ارز را تابعی از نوسان‌های اقتصادی و سیاسی دانست و تصریح کرد: در روزهای اخیر، اتفاق اقتصادی خاصی رخ نداد؛ اما درگیری‌های خاورمیانه، نرخ ارز را به حدود ۵۲ هزار و ۵۰۰ تومان رساند. علاوه بر عوامل اقتصادی، فاکتور روانی نیز روند تصاعدی شدن نرخ‌ها را تشدید می‌کند، به این معنا که تقاضا برای خرید افزایش پیدا می‌کند و این موضوع روند افزایشی شدن نرخ طلا را بالا می‌برد.

کشتی‌آرای در پاسخ به این پرسش که یک اتفاق سیاسی در منطقه تمام برنامه‌های بانک مرکزی برای ثبات نرخ ارز و طلا را برهم زد. آیا می‌توان مکانیسمی تعریف کرد که فراتر از تحولات سیاسی، قیمت‌ها ثابت باقی بماند، گفت: بانک مرکزی مدیریت بازارها در داخل کشور را برعهده دارد، اما در مسائل جهانی نمی‌تواند نقشی داشته باشد. این اتفاق جهانی است و جنگ خاورمیانه، بسیاری از معادلات جهانی و بورس‌ها را تکان داد؛ بورس ایران نیز قرمز شد. به‌نظر می‌رسد اگر این نبرد در یک کشور افریقایی رخ می‌داد، چنین تبعاتی را با خود به‌همراه نمی‌آورد. وی در پایان بیان کرد: اگر شرایط ایجادشده در خاورمیانه تمام شود، می‌توان انتظار داشت که بازار به آرامش برسد و قیمت‌ها ریزش کند.

> کلیت اقتصاد، این مهم را نشان می‌دهد که تا پایان سال، ارزش دلار روی کاغذ و بدون مشخص شدن سرنوشت برجام به‌حدود ۷۰ هزار تومان می‌رسد

> نرخ طلا و سکه متاثر از نرخ ارز است و با افزایش نرخ ارز، نرخ طلا گرمی و سکه نیز تحت‌تاثیر آن تغییر می‌کند و روند صعودی یا نزولی به خود می‌گیرد

سخن پایانی

چند ساعت بعد از انعکاس خبر آغاز نبرد در فلسطین‌اشغالی، بازار ایران به این اخبار واکنش نشان داد و نرخ ارز و طلا روند صعودی به خود گرفت. کارشناسان بر این باورند که نرخ ارز در ایران به امضا یا تعلیق برجام گره خورده است. اگر برجام امضا شود، نرخ دلار از اینی که هست جای دورتری نخواهد رفت، اما در صورت مشخص نشدن تکلیف ما در برجام، باید منتظر باشیم که نرخ دلار تا پایان سال به ۷۰هزار تومان برسد.

نوبت دوم
م الف ۲۴۸

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۰۸۸۸ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی برازجان صرفات مالکانه و بلامعارض متعلق به آقای رسول مرادی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۲۰۰ و شماره ملی ۱۲۰۹۱۲۸۷۳۱ صادره از سمیرم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۰۲,۰۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی از ۷۳۸۰ اصلی واقع در بخش سه بوشهر حوزه ثبت ملک برازجان اراضی روستای تلخ آب خریداری شده از آقای عباس مرادی به ایشان واگذار گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹
حمیدرضا باقرپور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان

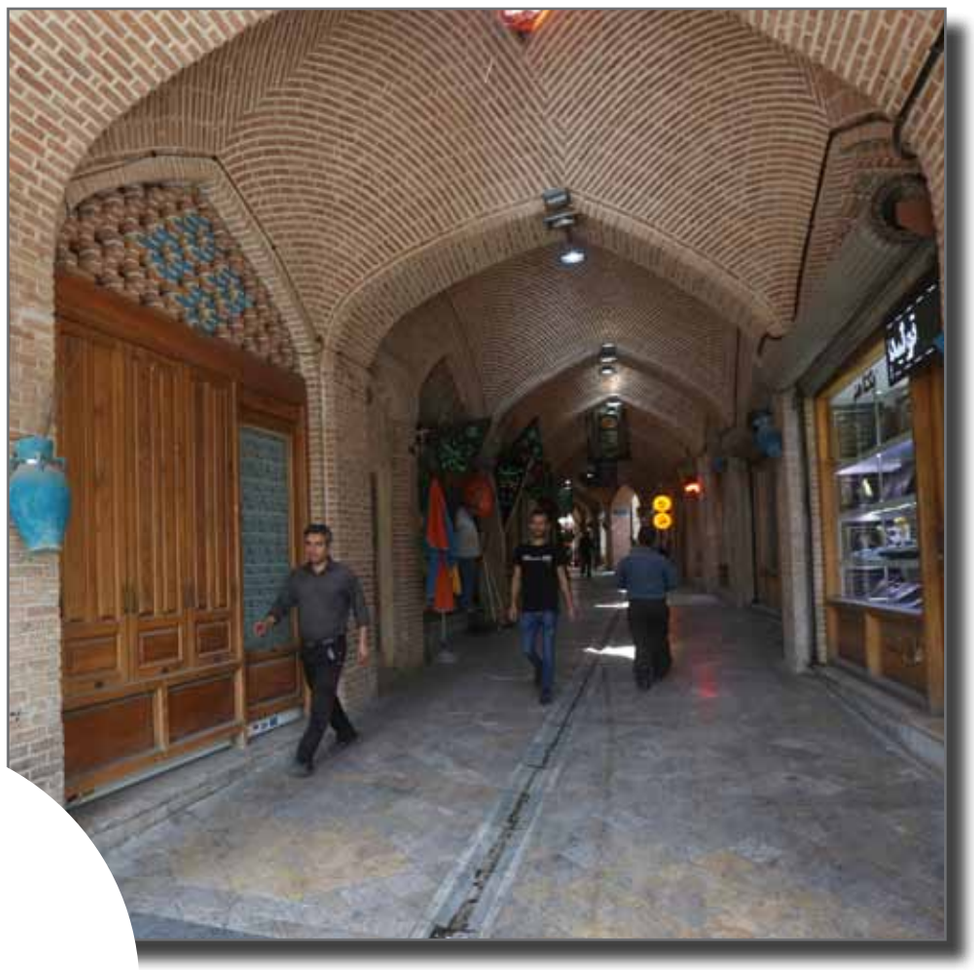
نوبت دوم
م الف ۲۸۰

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۰۸۸۶ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی برازجان صرفات مالکانه و بلامعارض متعلق به آقای رسول مرادی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۲۰۰ و شماره ملی ۱۲۰۹۱۲۸۷۳۱ صادره از سمیرم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۴۵,۸۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی از ۷۳۸۰ اصلی واقع در بخش سه بوشهر حوزه ثبت ملک برازجان اراضی روستای تلخ آب خریداری شده از آقای عباس مرادی به ایشان واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹
حمیدرضا باقرپور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان





عکس‌ها: آیدا فریدی

بازارچه‌ها، راویان تاریخ

آیدا فریدی: بازارها روح و تاریخچه محله‌ها و شهرها هستند. تا قبل از ورود مناطق آزاد تجاری به میدان مصرف و تبدیل شدن خرید به‌نوعی تفریح، ظهور پاساژها، مراکز خرید و خیابان‌هایی که نهرهای روان فروش کالا بودند، بازارچه‌ها تنها بستر معاملات، تجارت و خریدوفروش کالا بودند. بازارها قلب شهرها و مهم‌ترین منطقه هر شهر بودند. بازارچه‌های محلی روایتگر تاریخ، سبک و سلیقه، ذائقه و نوع اقلیم یک منطقه بود. آنها متعلق به فرد خاصی نبودند و هرکدام از اهالی منطقه هر آنچه از خوراک و پوشاک تولید خودش بود را وارد این بازار می‌کرد و از پول فروش آن، روزگار می‌گذراند. به‌مرور بازارچه‌ها در اوراق تاریخ تبدیل به بخشی از میراث فرهنگی و ملی شدند، برخی از یاد رفتند، برخی احیا شدند و برخی با تغییر شکل به کار خود ادامه دادند. گزارش تصویری این شماره صمت با موضوع جذابیت بازارچه‌های محلی تهیه و تنظیم شده است. بازارچه‌هایی که بعد از مدت‌ها و باوجود تنوع کالایی در انواع مارکت‌های عظیم هنوز هویت خود را حفظ کرده و در جذب مشتری علاقه‌مند به خرید از بازارچه‌ها موفق بوده‌اند.











چهارشنبه
۱۹ مهر ۱۴۰۲- ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳- شماره ۲۴۲۱-پیاپی ۳۷۳۹

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

معرفی نشر

«تجربه» مهر روی پیشخوان



شماره بیست و سوم دوره جدید مجله «تجربه» با پرونده‌ای به یاد کار ابراهیم گلستان و بحثی درباره اهمیت «پیش‌رو بودن» او در ادبیات و سینما، پرونده‌ای درباره وضعیت کپی‌رایت در ادبیات و نشر امروز ایران و گفت‌وگوهایی با حسن فیاد، پیمان قاسم‌خوانی و صفحاتی برای محمد محمدعلی منتشر شد.

در این شماره می‌خوانید:

چهره‌ی: پرونده‌ای به یاد ابراهیم گلستان و بحثی درباره اهمیت پیش‌رو بودن او در ادبیات و سینما با آثار و گفتاری از برمک بهره‌مند، صنم حقیقی، رسول رخشا، همایون امامی، کوروش تقی‌زاده، امید جوان‌بخت، طاها افشین، تقی آزاد ارمکی، پردیس سیاسی، شمیم شهلا، فرشته نوبخت، محمدرضا رهبریان، پیمان طالبی و میلاد حسینی.

ادبیات: پرونده‌ای درباره وضعیت کپی‌رایت در ادبیات و نشر امروز ایران با آثار و گفتاری از کاوه میرعباسی، محمدعلی جعفریه، مریوان حلبچه‌ای، مریم مفتاحی، محمود گودرزی، سعید سیمرغ، علی عسگری، ابوالحسن حاتمی، مزدک پنجه‌ای/نگاهی به وسعت زندگی کوتاه شمس آقاجانی به قلم آنوشا نیک‌سرشت / مرور کتاب‌های روزِ حوزه‌ی ادبیات.

کتابخانه: گفت‌وگو با حسن فیاد درباره اشعار مینو دروئه و نسبت حرفه‌ای احمد شاملو و طوسی حائری/گفت‌وگو با طالب جابری مترجم و پژوهشگر فلسفه/معرفی پادکست‌ها و کتابفروشی‌های مهمِ ایران و کتابخانه‌های مهم جهان/گفت‌وگو با تهمینه حدادی و هاله قربانی تصویرگران کتاب کودک و نوجوان/نقد و بررسی کتاب‌های روز فلسفه، جامعه‌شناسی و...

سینمای ایران: پرونده‌ای درباره جایگاه سینمای کمدی و پُر رنگ شدن ابتذال در آن همراه با میزگردی با پیمان قاسم‌خانی و محسن چگینی و آثار و گفتار پوریا ذولفقاری، مجتبی اسکندری، آریان گل‌صورت، یاسمن اسماعیل‌زادگان و آیدا علی‌نیا/ بحثی در نقد مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درباره شبکه‌ی نمایش خانگی به قلم مازیار معاونی / نقدی به «خائن‌کشی» به قلم نوید جعفری / یادداشتی درباره‌ی پرویز فنی‌زاده، ناصر تقوایی و دایی‌جان ناپلئون به قلم امیرابراهیم جلالیان.

تجسمی: نگاهی به آثار بنفشه همتی به مناسبت حضور در نمایشگاه «هارمونی صداهای متفاوت» با آثار و گفتاری از بایک احمدی، امیر نصیر، امیر مازیار و یاسر موسی‌پور به همراه گفت‌وگوی حسین گنجی با بنفشه همتی.

مطالعات ایرانی: صفحاتی درباره قرارداد نفتی ۱۹۳۳ در نودمین سال امضای آن / گفت‌وگوی حمیدرضا محمدی با علیرضا زکاوتی عرفان پژوه / خاطره‌بازی با شاهین دژ به قلم هادی عیار.

عمق میدان: صفحاتِ تازه‌ی تجربه در معرفی و نمایش آثار عکاسان صاحب‌نام جهان با مقدمه‌ای از مهدی حسنی و یادداشتی به قلم کاوه کرمی. به همراه یادنامه‌ای درباره محمد محمدعلی و یادداشت‌هایی از فرشین کاظمی‌نیا، شیوا شکوری، نیما خرم‌روز، مهدی استعدادی‌شاد، کاوه فرهادی، رضا خاکی‌نژاد و تایپ و شهر به نگاه و قلم مرتضی آکوچکیان.

مدیر مسئول «تجربه» کتایون بناساز است و پژمان موسوی سردبیری آن را بر عهده دارد.

سما بابایی هم دبیر تحریریه «تجربه» است.

اطلاعیه

از سرگیری فعالیت جایزه مهرگان

دبیرخانه جایزه مهرگان به دنبال حوادث تلخ و اندوهبار پاییز سال گذشته مراسم اختتامیه جوایز مهرگان را که طبق برنامه اعلام شده قبلی قرار بود در روز ۲۹ مهر سال ۱۴۰۱ در شهر شیراز برگزار شود، لغو کرد.

این تصمیم مهم که در سه دهه فعالیت جایزه مهرگان کم سابقه بود در فضای اجتماعی ناآرام و ملتهب آن روزهای ایران گرفته شد و وقفه‌ای یکساله در فعالیت دبیرخانه جایزه مهرگان پدید آورد. دلایل این تصمیم که از سوی مدیر و ۲۴ تن داوران جایزه مهرگان علم و ادب اتخاذ شده بود، طی اطلاعیه‌ای در مهر سال گذشته در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی انعکاس یافته است.

هرچند شرایط دشوار اجتماعی و فضای حاکم بر ادبیات، علم و هنر ایران هم اکنون نیز چندان تفاوتی با پاییز سال گذشته نکرده است، اما دبیرخانه جایزه مهرگان با احترام به آرای داوران جایزه که بیش از ۱۸ ماه برای خواندن و داوری آثار صرف وقت کرده بودند و نیز در پاسخ به انتظار طولانی نویسندگان کتاب‌های ادبی و علمی، کنشگران و تشکل‌های مردم‌نهاد حوزه محیط‌زیست ایران که اسامی آنها قبلا در فهرست‌های بلند و نیمه نهایی جایزه اعلام شده بود، وظیفه خود می‌داند که فهرست نهایی دوره‌های بیست‌ویکم و بیست‌ودوم جایزه را اعلام کرده و در صورت امکان با فاصله کوتاهی مراسم اختتامیه معوق مانده جایزه مهرگان را برگزار و برگزیدگان جایزه را معرفی کند.

دبیرخانه جایزه مهرگان همچنین بررسی آثار ادبی و علمی و عملکرد تشکل‌های مردم‌نهاد را برای دوره‌های بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم جایزه مهرگان، پس از این وقفه دوباره از سر گرفته و از این پس گزارش پیشرفت کارها را مرحله به مرحله همچون سال‌های گذشته به آگاهی عموم خواهد رساند.

فهرست هفت رمان و هفت مجموعه داستان راه یافته به مرحله نهایی جایزه مهرگان ادب به همراه فهرست هفت کتاب علمی و هفت تشکل مردم‌نهاد زیست‌محیطی راه‌یافته به مرحله نهایی جایزه مهرگان علم در همین هفته اعلام می‌شود. فهرست چهار رمان و یک مجموعه داستان راه‌یافته به مرحله نهایی جایزه ادبیات زبان مادری نیز قبلا اعلام شده است.

مجسمه، فرم، ایده از دیروز تا امروز

صدای سکوت دست‌سازه‌ها

بابک بهاری- منتقد عکس:

تاریخ پیدایش و ایده ساخت پیکره‌ها و سپس ورود شان به حیطه صنایع دستی به قدمت پیداش هنر پس از نقاشی برمی‌گردد. اینکه مجسمه‌ها(دست سازها) چگونه و چه زمانی و چطور و چرا از تندیس‌های میادین شهری و سر در خانه‌ها و سپس اشیای کاربردی(صنایع‌دستی) و... و از هم جدا و به حیطه هنر محض و هنر مفهومی و حاضرآماده‌ها و وضعیت حاضر رسیده‌اند، داستانی است طولانی و جالب که شب دراز می‌خواهد و قلندر بیدار.



در دست سازه‌های هنرمند(میثم رضایی نیا — فارغ‌التحصیل هنرهای صناعی از دانشگاه پیام نور)
نقش فرم به‌صورت خط بسیار آشکار و نمود دارد
ماهی از آب بدر شد و همی آدم شد
آدمی باز چنان شد که همی آهن شد

نخستین اثر: چهره رخی ماهی گون از آهن با تکنیک خم کاری سرد از مجموعه {صورتک‌های پنهان}پیش روی بیننده است. عنوان مجموعه حداقل از دو وجه کنایی برخوردار است، پوشاندن صورت یا وجهی تازه خلق کردن؟ که وجه دوم گاه مهم‌تر از وجه نخست است، عنوان علاوه بر نقش زبان جرقه مناسبی برای ورود به حیطه‌های مفهومی نیز شده است. تشکیل اثر از خطوط موجد ریتم و توازن و کم کردن خشکی و برودت فلز نیز شده هر چند این تلفیق از لحاظ مفهومی حس فشرده را به کلام و ایده نزدیک کرده که از خواسته‌های ذهنی هنرمند نشات گرفته است. قوس و تاب‌های اثر ضمن بازتاب‌های طیف‌ها و شدت نور که در حقیقت به دامنه طیف خاکستری چشم مربوط می‌شود از نکات فنی و فرمی ماجراست که حرکت چشمی بروی اثر را باعث می‌شود. ترکیب انسان و ماهی نیز از مبحث ایده و ارائه مفهوم حکایت دارد. پیدایش و سرچشمه حیات و نقش تکامل زیست از آب‌ها به خشکی‌ها و... خود داستانی مفصل و این هم‌آمیزی فلسفه و هنر است که نقش و جایگاه هنر و هنرمند را تعیین و استحکام می‌بخشد. باری پنهانی و آشکاری صورت و صورتک و درونیات انسان امری که با توجه به سیر فرهنگی جامعه سیالیت و آشکاری و پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. پرسش نهایی می‌تواند این باشد که کی از شر صورتک هایمان آزاد می‌شویم و پرسش ماقبلش می‌تواند این باشد که: چرا صورتک؟ از چه و که پنهان کنیم چهره را و چرا؟

مجموعه: سکوت پر صدا
هنرمند(میثم رضایی‌نیا — فارغ‌التحصیل هنرهای صناعی از دانشگاه پیام نور)

چهار میله و یک گوش آهنی و دو دست برنزی که قرار است با توجه به نام مجموعه سکوت را پر صدا بشنویم.

اثر همانند اثر پیشین مینیمال و مفهومی است. مقوله فضا و پژواک صدا و نبودش و ترادف‌های اینچنینی تولید مفاهیمی پیچیده را ممکن می‌کند. نقش دست‌ها، میله، زندان و گوش و صدایی غایبی که حاضر است امری اجتماعی را تداعی می‌کند. عمودوارگی ساخته‌ها خوانش‌های مستقیم را پیش می‌کشد، البته اگر اثر بنا را بر تک خوانش بودن داشته باشد که چنین نیست. گوش شنوا داشتن در پشت میله‌ها امری خلاف آمد و در عین حال چالشی سورئال(فراقع) را رقم می‌زند، پرسش هایی از: چرا یک گوش، فریادگر در کدام سو است و... و می‌شود این سلسله سوال‌ها را تا حشر ادامه داد. عدم سر راستی و سیالیت مفاهیم نقطه و عامل حرکت اثر به سمت مخاطب شده است. مخاطبی که می‌تواند در آنسوی میله‌ها گردش کند و پس از شنیدن‌ها و دیدن‌ها به پاسخ‌های خودش مراجعه کند. وفاداری فرم به واقع گرایی و تقلید از عین به عین واقعیت در اثر با توجه به خلاصه گویی سازه قابل قبول و پذیرفتنی است آنچه در سازه مهم است اهمیت مفاهیم چندگانه و عدم سر راستی گفتمان هنرمند با مخاطب است. نکته به پایان برم که: گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من؟، هر چند که سخت باور داریم، سکوت سرشار از ناگفته هاست.



مجموعه: دستک ها
هنرمند(میثم رضایی نیا — فارغ‌التحصیل هنرهای صناعی از دانشگاه پیام نور)
دستک ها، آهن، تکنیک خم کاری سرد سوار شده بروی پایه چوبی.

تا دست به اتفاق بر هم نزنیم، همین چند کلمه با چنین پایانی باز برای توصیف اثری چنین مینیمال کفایت می کند. اثری افقی با چنین خطوط پراکنده به اطراف توانایی و انرژی آن را دارد که ذهن را به هر سویی پرواز دهد.

دست و گشودگیش که نشانه‌های بسیاری از مفاهیم و معناها را از قبیل: گشاده دستی، خالی بودن و... به ذهن متبادر می کند. حضور دو دست بر خلاف تک دست که نشانه دست است و بس، اینجا نشانه انسان و کارکرد دستهایش و نشانه از وضعیت احساسی و یا اجتماعی او هست. اتفاق فرمی نیز در پیچ و تابدار کردن و تا دادن و رنگ‌های متفاوت در هر تا خوردگی رخ داده تحرک ذهن را بیشتر کرده است.

انسان و موقعیتش(حتی با نمایش جزئی از وجودش) دغدغه اصلی هنرمند است، این نمایش چهارگانه فارغ از هر بخشی از آن، گوش، دست‌ها و یا چشم‌ها آن‌هم با جسمی آهنی با اشارات مفهومی همراه بوده که این دست‌ها اثراتش را چند وجهی کرده است به‌طور مثال گوش و امر شنیدن و صدا و رابطه با مکانیتش و در اینجا نحوه قرار گیری دست‌ها در هم بودن و سپس حداکثر گشودگی انگشت از هم که به‌صورت ضربدر از هم گذشته‌اند فریادی را تصویر می کند که می‌خواهد جهان را بپاشاند و یا بگوش همه رساند این نیروی درون را.

پیچ و تاب‌ها در دست‌ها می‌تواند نشانه هایی از نقش پیچیده دست در زندگی هنرمند و همه ما باشد نشانه‌ای از پیچیدگی هایی که هر لحظه با آن درگیریم و با همین دست‌ها باید گرهش را باز کنیم.



مجموعه: پوست‌تین‌ها
هنرمند(میثم رضایی‌نیا — فارغ‌التحصیل هنرهای صناعی از دانشگاه پیام نور)

پوستی که قرار است با ده‌ها چشم و حالت برآشفته چهره‌اش با ما گفت‌وگو کند.

امری که هنرمند این بار از زبان انسان حیوان گزینش کرده است، انتخابی سخت و دشوار هم بلحاظ ارتباط‌گیری و هم به‌لحاظ کار با متریالی که به علت عدم خنثی اش(یادآوری حیوان) و کار کردش در زندگی انسان(صنعت و تجارت، چرم، لباس، کیف، کفش و...) و نقشش در محیط‌زیست و سایر جنبه‌های دیگر باعث تعلق و گرایش به این سویه‌ها مسیر چندان مستقیم و سرراست نباشد و وضعیت اضطراب بین چند موقعیتی پیش آید.

دو سوراخ اصلی(به‌جای چشم) با توجه به اندازه‌هایشان و ردیف سوراخ‌های بالایی و خط‌های عمودی و مثلث به‌وجود آمده در مرکز نقش مهمی به‌لحاظ فرمی که باعث گردش دیدگانی و تصورسازی در ذهن بیننده شده را ایفا کرده که از اهمیت خاصی برخوردار است.

خلاف آثار قبلی که فاصله بین چهره و دست ساز مواجه هستیم و مرزبندی بین این دو بسیار وضوح دارد.

خط چین‌های روی اثر نقش خوبی در هم‌ذات‌پنداری به اینکه با چهره‌ای احساسی مواجه هستیم را دارا می‌باشد و اثر دارای نوعی زندگی مستقل شده است و در خدمت چیزی دیگری نیست و برای همین اثر صرفا یک دست ساخته بی‌احساس نیست بلکه حس حضور و زندگی در آن نیز تا اندازه‌ای قابل تشخیص است.

جمع‌بندی

آنچه در این آثار مهم است حرکت ذهن به عین و عین به ذهن است که تبدیل این دو به هم از طریق دیدار اتفاق می‌افتد که انتخاب ماتریال و اجرای هنرمند امری است که به آن نیز اشاره‌ای دارد. اما مهم‌تر از همه گستره مفهومی دست سازهاست که می‌توانند زیر این سپهر کبود همچنان متولد شوند و بازی جذاب ذهن و احساس را ادامه دهند. همانگونه که در افسانه مجسمه شاهزاده خوشبخت(اسکار وایلد) تمامی وجودش را به دیگران بخشید هنرمند نیز ساخته‌های رنج و شادی‌اش را به ما می‌بخشد. پذیرا باشیم.